

آموزش ابتدایی

رشد



برای آموزگاران دبستان، دانشجویان تربیت معلم و کارشناسان آموزشی

دوره چهاردهم / مهر ماه ۱۳۸۹ / شماره‌ی پی‌درپی ۱۱۰
ماهنامه‌ی آموزشی، تحلیلی و اطلاع‌رسانی

وزارت آموزش و پرورش
سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی
دفتر انتشارات کمک‌آموزشی

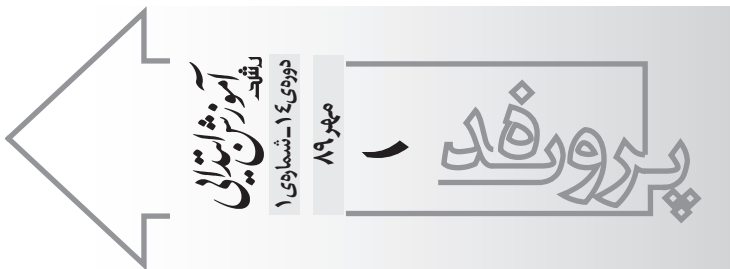
مدیرمسئول: محمد ناصری
سردبیر: مرتضی مجدفر
شورای برنامه‌ریزی و کارشناسی:
شکوه تقدیسیان
فاطمه رضانی
لیلا سلیقه‌دار
یدالله رهبری‌نژاد
ابراهیم اصلانی
مدیر داخلی: اصغر ندیری
ویراستار: کبری محمودی
طراح گرافیک: فریبا بندی
نشانی دفتر مجله:

تهران، ایرانشهر شمالی، پلاک ۲۶۶
صندوق پستی: ۱۵۸۷۵/۳۳۳۱
تلفن: ۸۸۸۳۹۱۷۸
۹ - ۸۸۸۳۱۱۶۱ (داخلی ۳۷۵)
نمبر: ۸۸۳۰۱۴۷۸
پایگاه اینترنتی:
www.roshdmag.ir

رایانامه:
ebtedayi@roshdmag.ir
تلفن پیام‌گیر نشریات رشد:
۸۸۳۰۱۴۸۲
● کد مدیرمسئول: ۱۰۲
● کد دفتر مجله: ۱۰۹
● کد مشترکین: ۱۱۴
نشانی امور مشترکین:
تهران، صندوق پستی: ۱۶۵۹۵/۱۱۱
تلفن امور مشترکین:
۷۷۳۳۶۶۵۵ - ۷۷۳۳۶۶۵۶
شمارگان: ۴۳۰۰۰ نسخه
چاپ: شرکت افست (سهامی عام)

سال همت مضاعف،
کار مضاعف

تجربه‌های سبز



کتابخانه‌ی مدرسه ۳۳: ارزش‌یابی توصیفی و مروری در خاطرات کودکی / معصومه حبیب‌پور
میراث ما ۳۴: معماری صخره‌ای بی‌مانند جهان / حمید دهقان
زیر سقف آسمان ۳۶: شش نکته‌ی کلیدی برای تدریس در کلاس‌های چند پایه / دکتر رخساره فضلی
چه خبر؟ ۳۸: انجمن علمی آموزشی معلمان ابتدایی شهر تهران تشکیل شد
آموزش ۴۰: مشاهده و یادگیری فراگیرندگان / شکوه تقدیسیان
با آموزگاران بزرگ ۴۲: معلمی، مادر حرفه‌های دیگر است / سیما جعفریان
برنامه‌ی درسی دوره‌ی ابتدایی ۴۴: ۱۲ نکته از گروه برنامه‌ریزی درسی هنر
تعلیم و تربیت ۴۵: کودکان و آن چه می‌آموزند ... / مهشید باستانی پورمقدم
با همراهان ۴۶: پاسخ به نامه‌ها و نوشته‌های خوانندگان / شورای برنامه‌ریزی و کارشناسی مجله
مسابقه ۴۸: برگزیدگان مسابقه‌ی تلنگری برای تفکر در سال تحصیلی ۸۹-۱۳۸۸

دفتر انتشارات کمک‌آموزشی، علاوه بر رشد آموزش ابتدایی، این مجلات را نیز منتشر می‌کند:

- رشد کودک (برای پیش‌دبستان و دانش‌آموزان اول دبستان)
- رشد نوآموز (برای دانش‌آموزان دوم و سوم دبستان)
- رشد دانش‌آموز (برای دانش‌آموزان چهارم و پنجم دبستان)
- رشد نوجوان (برای دانش‌آموزان دوره‌ی راهنمایی)
- رشد جوان (برای دانش‌آموزان دوره‌ی متوسطه)
- رشد برهان راهنمایی (مجله‌ی ریاضی دوره‌ی راهنمایی)
- رشد برهان متوسطه (مجله‌ی ریاضی دوره‌ی متوسطه)
- ماهنامه‌های رشد: آموزش راهنمایی تحصیلی، تکنولوژی آموزشی، مدرسه فردا، مدیریت مدرسه، معلم و فصلنامه‌های رشد: آموزش پیش‌دبستانی، آموزش تاریخ، آموزش تربیت بدنی، آموزش زبان، آموزش جغرافیا، آموزش ریاضی، آموزش زبان و ادب فارسی، آموزش زمین‌شناسی، آموزش زیست‌شناسی، آموزش شیمی، آموزش علوم اجتماعی، آموزش فیزیک، آموزش قرآن، آموزش معارف اسلامی، آموزش هنر، آموزش فنی و حرفه‌ای و مشاور مدرسه (برای آموزگاران، دانشجویان تربیت معلم، دبیران مدارس و کارشناسان آموزش و پرورش).

قابل توجه نویسندگان و مترجمان محترم

● مقاله‌هایی که برای درج در مجله می‌فرستید، باید با اهداف و ساختار این مجله مرتبط باشد و قبلاً در جای دیگری چاپ نشده باشد. ● مقاله‌های ترجمه شده باید با متن اصلی همخوانی داشته باشد و متن اصلی نیز همراه آن باشد. چنانچه مقاله را خلاصه می‌کنید، این موضوع را قید بفرمایید. ● مقاله یک خط در میان، در یک روی کاغذ و با خط خوانا نوشته یا تایپ شود. مقاله‌ها می‌توانند با نرم‌افزار word و بر روی CD یا فلاپی و یا از طریق رایانامه مجله ارسال شوند. ● نثر مقاله باید روان و از نظر دستور زبان فارسی درست باشد و در انتخاب واژه‌های علمی و فنی وقت لازم مبذول شود. ● محل قرار دادن جدول‌ها، شکل‌ها و عکس‌ها در متن مشخص شود. ● مقاله باید دارای چکیده باشد و در آن هدف‌ها و پیام نوشتار در چه سطر تنظیم شود. ● کلمات حاوی مفاهیم نمایه (کلید واژه‌ها) از متن استخراج و روی صفحه‌ای جداگانه نوشته شوند. ● مقاله باید دارای تیتراژ اصلی، تیتراژ فرعی در متن و سوتیتراژ باشد. ● معرفی‌نامه‌ی کوتاهی از نویسنده یا مترجم همراه یک قطعه عکس، عناوین و آثار وی پیوست شود. ● مجله در رد، قبول، ویرایش و تلخیص مقاله‌های رسیده مختار است. ● مقالات دریافتی بازگردانده نمی‌شود. ● آرای مندرج در مقاله ضرورتاً مبین رأی و نظر مسئولان مجله نیست.

ای چارده ساله قره‌العین...

مرتضی مجدفر

بله، به حول و قوه‌ی الهی و با همراهی شما خوانندگان گرامی و البته تلاش ناچیز ما دست‌اندرکاران، مجله به سن پختگی رسیده است. قره‌العین، خنکی یا آرامش چشم معنی می‌دهد و به قول امروزی‌ها می‌توان آن را «نور چشمی عزیز!» نیز نام داد. مجله‌ی رشد آموزش ابتدایی، به چارده رسیده و دوران سرکشی کودکی را ظاهراً باید کنار بگذارد؛ هر چند ما معتقدیم، حتماً اگر به چهل و یا هشتاد سالگی هم رسیدیم، باید کودک درون و دوران کودکی را زنده نگه داریم. اکنون، وقت هنر و سرفرازی است و رشد آموزش ابتدایی، به شما خوانندگان محترم قول می‌دهد که فرزند خصال خویشتن باشد.

با اظهار امیدواری از این که در سال جدید تحصیلی و در دوره‌ی چهاردهم انتشار مجله، مصداق خوبی برای نصیحت‌های نظامی به فرزند ۱۴ ساله‌اش باشیم، با تبریک به مناسبت آغاز سال تحصیلی جدید و حلول بهار تعلیم و تربیت، نخستین یادداشت سردبیر در اولین شماره‌ی این دوره را که به بیان برنامه‌های مجله در سال تحصیلی ۹۰-۸۹ اختصاص دارد، حضورتان تقدیم می‌کنیم. شما می‌توانید بر اساس سرفصل‌های معرفی شده در این یادداشت، مطالب و نوشته‌های مورد نظر خودتان را به دفتر مجله ارسال کنید.

برای تدوین برنامه‌ی سالانه مجله‌ی رشد آموزش ابتدایی در سال جدید، اصول زیر به طور کلی و جزئی مدنظر قرار گرفته‌اند:

- توجه به مفاد طرح اهداف و راهبردهای مجلات رشد (مصوب شورای هماهنگی علمی سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی).
- رویکرد فرهنگی - تربیتی سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی.

- هویت ایرانی - اسلامی و توجه به میراث فرهنگی کشورمان.

- ایجاد موج برای تحول آفرینی در جامعه‌ی

آموزشی با تأکید بر:

- طرح مباحث تحولی در مجله مانند تحولات برنامه‌های درسی، اسناد ملی و بالادستی آموزش و پرورش، تغییر و تحولات ساختاری و محتوایی در نظام آموزشی و ..
- طرح موفقیت‌ها و تجربه‌های آموزگاران ایرانی با درج تجربه‌ها،

سلامی دوباره بعد از پنج ماه دوری. از اول اردیبهشت ۸۹ که با شماره‌ی ۸ مهمان شما بودیم، تا اکنون که بار دیگر در مهرماه ۸۹ خدمتتان رسیده‌ایم، درست پنج ماه می‌گذرد. اگر همین اول کار، از تیتربندی ادبی سرمقاله تعجب کرده‌اید، باید بگوییم اتفاقی نیفتاده است و این مصراع از شعر معروف **نظامی** بزرگ را به این منظور وام گرفته‌ایم که امسال مجله در چهاردهمین سال انتشار خود قرار گرفته است:

ای چارده ساله قره‌العین

بالغ نظر علوم کونین

آن روز که هفت‌ساله بودی

چون گل به چمن حواله بودی

و اکنون که به چارده رسیدی

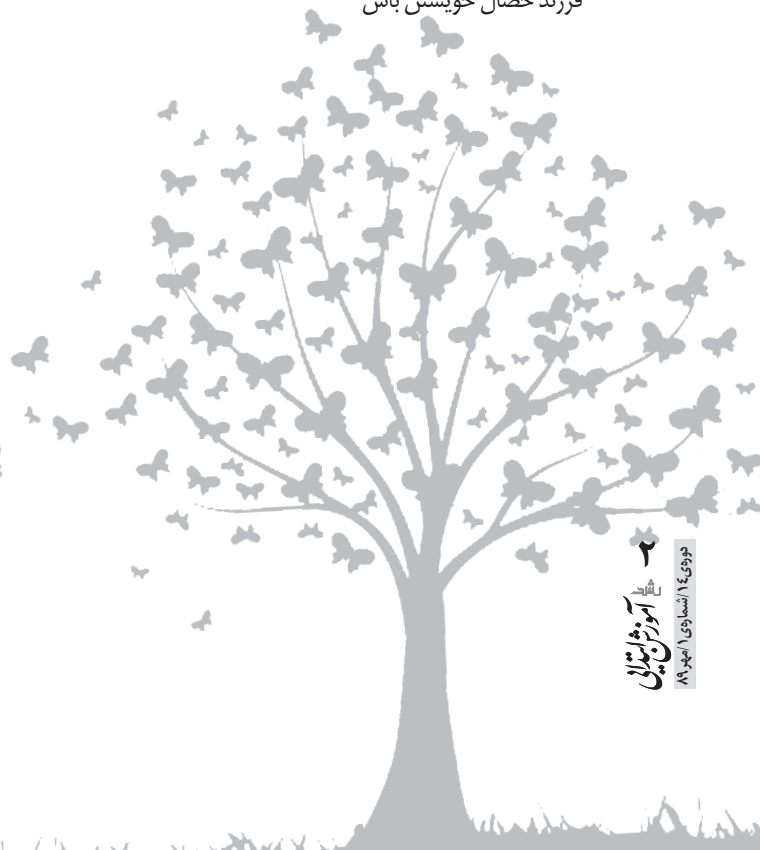
چون سرو بر اوج سرکشیدی

غافل منشین، نه وقت بازی است

وقت هنر است و سرفرازی است

چون شیر به خود سپه‌شکن باش

فرزند خصال خویشتن باش



خاطرات و نکته‌های تربیتی مدنظر آنان در مجله.

● طرح پژوهش‌های تربیتی تحول‌آفرین با درج پژوهش‌های تجربی معلمان و پژوهش‌های علمی - کاربردی استادان و پژوهشگران در مجله.

● طرح مباحث مرتبط با پیشرفت و عدالت با تأکید گسترده بر عوامل ایجاد موفقیت در موقعیت‌های خاص آموزشی (کلاس‌های چندپایه، عشایری، مناطق محروم و...).

● طرح مباحث تحولی در نظام آموزش و پرورش کشور، با هدف ارتقای کیفی آن بر اساس نیازها و اولویت‌های کشور در سه حوزه‌ی دانش، مهارت و تربیت.

● انتشار مطالبی تحلیلی که در زمینه‌ی نقد دلسوزانه آموزش و پرورش ابتدایی ارائه‌ی طریق دهد.

همچنین، در طراحی برنامه‌های سالانه‌ی مجله‌ی رشد آموزش ابتدایی در سال تحصیلی ۹۰ - ۱۳۸۹، توجه به چند نکته جدی گرفته شده است:

- استمرار مشارکت مخاطبان مجله در تولید محتوا با اختصاص بخش قابل توجهی از مجله به آثار آن‌ها (پس از بررسی، اصلاح و تکمیل نوشته‌ها).

- ایجاد ارتباط جدی بین آموزگاران (مخاطبان مجله‌ی رشد آموزش ابتدایی) و دانش‌آموزان (مخاطبان سه مجله‌ی دانش آموزی کودک، نوآموز و دانش‌آموز) از طریق مجله، با درج سلسله مطالبی در آشنا ساختن مخاطبان با سردبیران مجلات دانش‌آموزی و اهداف و برنامه‌های مجله‌ی هر یک و چگونگی بهره‌گیری از این مجلات در کلاس‌های درس.

- توجه به پژوهش‌های معلمی و دانش‌آموزی با گشایش بخشی در مجله در این ارتباط.

- ایجاد ارتباط جدی بین آموزگاران و گروه‌های برنامه‌ریزی درسی ابتدایی سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، با گشایش بخشی در مجله تحت عنوان «چه خبر؟» با قالب نوشتاری «خبر».

- استمرار مسابقه‌ی «تلنگری برای تفکر» که در دوره‌ی سال تحصیلی ۸۹ - ۱۳۸۸ با استقبال خوب مخاطبان روبه‌رو شد.

بر این اساس، مجله در دوره‌ی چهاردهم خود، دارای سرفصل‌های زیر خواهد بود:

● **یادداشت سردبیر:** به قلم سردبیر، یکی از اعضای شورای سردبیری و یا افراد مهمان.

● **برنامه‌ی درسی دوره‌ی ابتدایی:** سلسله مطالبی در ارتباط با برنامه‌های درسی ابتدایی در محورهای آموزشی علوم، جغرافیا، تاریخ،

علوم اجتماعی، ریاضیات، زبان‌آموزی، تعلیم و تربیت دینی، و آمادگی جسمانی و آموزش هنر. این مطالب با نظر کارشناسی گروه ابتدایی دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتاب‌های درسی آماده خواهد شد.

● **تعلیم و تربیت یا آموزش:** مباحث کلان تعلیم و تربیت با تأکید بر آموزش ابتدایی که جنبه‌ی عمومی دارد و در سرفصل دروس قرار نمی‌گیرد (مانند ارزش‌یابی، طراحی آموزشی، فناوری آموزشی، برنامه‌ریزی درسی و آموزشی، تحلیل آموزشی، کنترل کیفیت آموزشی، روان‌شناسی آموزشگاهی و راهبردهای یاددهی - یادگیری)، از جمله مباحث این بخش خواهد بود. موضوعات فرهنگی و پرورشی مرتبط با دانش‌آموزان و آموزگاران و ریشه‌های تربیتی هم در این سرفصل بررسی می‌شود. طرح نظریه‌ها و نقد نظریه‌ها در حد اجمال هم از دیگر مباحث این سرفصل خواهد بود.

● **پژوهش‌های دانش‌آموزی و آموزگاران:** در این فصل، در هر هشت شماره، به قلم دکتر **لیلا سلیقه‌دار**، مطالبی را درباره‌ی پرورش مهارت‌های پژوهشی آموزگاران منتشر خواهیم کرد.

● **لبخندهای کلاسی:** این سرفصل، به بیان خاطره‌های شیرین و طنز آموزگاران اختصاص دارد که در حین کار با دانش‌آموزان با آن‌ها روبه‌رو می‌شوند.

● **عکس‌های یادگاری، حرف‌های یادگاری:** از بخش‌های غیردائم مجله که در آن عکس‌های جالب، دارای پیام و بسیار دیدنی آموزگاران از رویدادهای تعلیم و تربیتی و نیز نوشته‌ها و جملاتی را که از لحاظ تربیتی، بار معنوی و عاطفی خاصی دارند، درج می‌کنیم.

● **با مجله‌های دانش‌آموزی رشد:** در این فصل، به دنبال ایجاد ارتباط بین مخاطبان سه مجله‌ی دانش‌آموزی دوره‌ی ابتدایی (کودک، نوآموز و دانش‌آموز) با مخاطبان مجله‌ی رشد آموزش ابتدایی هستیم. مطالب این سرفصل غیردائمی، به قلم شکوه تقدیسیان و نیز آموزگارانی که تجربه‌های خود را ارسال می‌کنند، تدوین خواهد شد.

● **باز باران با ترانه:** از بخش‌های غیردائم مجله که در آن به دنبال طرح مسائل مرتبط با شعر کودک و ارائه‌ی نمونه‌هایی از اشعار قابل استفاده توسط آموزگاران در فرایند یاددهی - یادگیری هستیم.

● **تجربه‌های مشترک:** استفاده از تجربه‌های آموزگاران سایر کشورها در قالب ترجمه‌ی تجربه‌ها و مطالب گوناگون در این بخش پی گرفته می‌شود.

● **زیر سقف آسمان:** در این فصل و در هشت شماره، دکتر **رخساره فضلی**، موضوع مهم کلاس‌های چندپایه را با نگاهی به تجربه‌های جهانی و با بخش‌های متنوع، بار دیگر مرور خواهد کرد. مؤلف محترم برای مشارکت آموزگاران در تدوین مطالب نیز، تمهیداتی

پله پله بزرگ

اندیشیده است که در مجله مشاهده خواهید کرد.

● **پژوهش‌های تربیتی:** در این بخش چکیده‌ی پژوهش‌های خواندنی و نیز فعالیت‌های اقدام‌پژوهی معلمان را خواهید خواند.

● **یک نکته و ایستگاه:** استراحت و لذت بردن روحی شما از مطالب مجله را فراموش نکرده‌ایم. این قبیل مطالب را در دو بخش اعلام شده بخوانید.

● **کتاب‌خانه‌ی مدرسه:** به قدر کفایت خودمان و حجم صفحات مجله، آثار و کتاب‌های مناسب برای معلمان و دانش‌آموزان را در این صفحه معرفی می‌کنیم.

● **با پدران و مادران و با آموزگاران بزرگ:** این دو، از بخش‌های غیراصولی مجله هستند. در اولی، در سه شماره از مجله، مطالبی را درج می‌کنیم که آموزگاران بتوانند در دیدارها و ارتباطات خود با اولیا از آن‌ها بهره بگیرند و در دومی، باز هم در سه شماره از مجله، با آموزگاران تأثیرگذار و بزرگ کشورمان گفت‌وگو و یا گزارش‌هایی درباره‌ی آن‌ها درج خواهیم کرد.

● **اخبار یا چه خبر؟:** ما ماه‌نامه هستیم و زمان تولیدمان، معمولاً دو تا سه ماه قبل از تاریخ تقویمی درج شده بر جلد است. از این رو، شاید نتوانیم به معنای رایجش خبر چاپ کنیم، ولی سعی خواهیم کرد خبرهایی را که به نوعی به درد شما مخاطبان مجله بخورند، فراهم آوریم.

● **پدیده‌ها، راهکارها، رهنمودها:** پدیده‌ها و مسائل خاص موجود در تربیت دانش‌آموزان را به شکلی بدیع و با استفاده از شیوه‌ی ارائه‌ی اطلاعات تصویری منتشر خواهیم کرد.

● **میراث ما:** این بخش به دنبال تأکید بر فرهنگ و تمدن ایرانی-اسلامی است. در دوره‌ی چهاردهم، سراغ روستاهای شگفت‌انگیز ایران رفته‌ایم. این مطالب در هشت شماره توسط **حمید دهقان**، از روزنامه‌نگاران با سابقه‌ی کشورمان، تألیف خواهد شد.

● **تجربه‌های سبز، با همراهان و تلنگری برای تفکر:** ۱۶ صفحه‌ی مجله در دست در اختیار آموزگاران خلاق و کوشا از سراسر کشور است تا تجربه‌های ناب خود را به دیگران منتقل کنند. البته همه‌ی آن‌چه که به دستمان می‌رسد، امکان انتشار ندارد. درباره‌ی این قبیل آثار و نیز سایر نامه‌های خوانندگان و ارتباط با مخاطبان، صفحه‌ی با همراهان را داریم. معمولاً یک تا دو صفحه‌ی مجله به این بخش اختصاص می‌یابد. البته مسابقه‌ی تلنگری برای تفکر را هم داریم که از سال گذشته راه‌اندازی و با استقبال خوب آموزگاران روبه‌رو شد.

البته ممکن است صفحات و سرفصل‌هایی هم در حین کار گشایش شوند که صرفاً برای پاسخ‌گویی به نیازهای آنی مخاطبان و درخواست‌های سازمانی از مجله است.

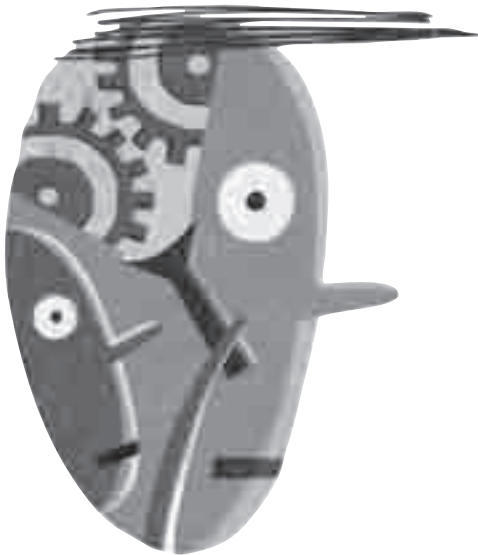
امیدواریم در دوره‌ی چهاردهم، با کمک و همراهی شما مخاطبان محترم، به قول نظامی، چون سرو بر اوج سربکشیم. این هدف ماست و به‌طور قطع شما نیز ما را در این راه تنها نخواهید گذاشت.



اشاره

استاد بزرگوار دکتر علی‌اکبر دکتر علی‌اکبر شعاری‌نژاد، شعاری‌نژاد، به‌رغم کهولت سن، ذهن و قلم بسیار پویا و جوانی دارند و این نکته‌ای

است که ما معلمان می‌توانیم از آن درس بگیریم. طبق معمول چند سال اخیر، در دوره‌ی چهاردهم مجله نیز، مخاطبان گرامی را با ۵ مقاله‌ی استاد، به اندیشیدن فراخواهیم خواند. این مقالات را در شماره‌های ۱ تا ۳ و ۷ و ۸ چاپ خواهیم کرد. طبق معمول، خواندن مقالات استاد شعاری‌نژاد به قدری تأمل و تفکر بیشتر نیاز دارد. از این‌رو از خوانندگان محترم درخواست می‌کنیم، این مقالات را دوباره و چندباره بخوانند و از بحث و اظهار نظر درباره‌ی محتوای آن‌ها دریغ نکنند.



ای کاش به جای پرداختن به معلول‌ها، به یافتن علت‌های واقعی آن‌ها پردازیم!

مثلاً دردها یا بیماری‌های اجتماعی: جهل مرکب، جهل خزنده، و ضعف مدیریت در حوزه‌ی آموزش-پرورش، از جمله رفتارهای نامطلوب آموخته و مسری هستند که به درمان یا تغییر فوری نیاز دارند و تقریباً قابل درمان هم هستند. این‌گونه بیماری‌ها وقتی درمان‌پذیرند و شخص مبتلا به آن‌ها درمان می‌شود که:

* نارسایی‌هایی مانند جهل مرکب، جهل خزنده، و ضعف مدیریت را به عنوان نوعی اختلال روان‌شناختی درمان‌پذیر قبول کند.
* وجود آن‌ها را به هر شکل و درجه که باشد، در خویشتن باور کند و بپذیرد.

* برای تغییر رفتار نارسای خود، شخصاً آماده باشد و تلاش کند.
* این واقعیت درمانی را بپذیرد که درمان یا داروی مهم این‌گونه نارسایی‌ها، عمدتاً یادگیری است؛ یادگیری از منابع انسانی و غیرانسانی؛ یادگیری مداوم.

* ضرورت چنین درمانی را دریابد و درباره‌ی پیامدهای ادامه‌ی این وضع نامطلوب صادقانه بیندیشد.

* با خویشتن صریح، صدیق و رفیق باشد.
* زمینه را برای پیش‌گیری از سرایت این‌گونه ناراحتی‌ها به فرزندان، محصلان، همکاران و... مساعد گرداند.

بنابراین، در حوزه‌ی آموزش-پرورش، هر گاه مسئولی؛ معلم، مدیر مدرسه، مدیر دانشکده و دانشگاه، حتی مدیران ارشد وزارتخانه، احیاناً چنین وضعی را در خویشتن احساس کند، فوراً باید به درمان آن بپردازد تا به‌موقع از سرایت و همگانی شدن در کلاس یا وزارتخانه پیش‌گیری کند.

گاهی از خود سؤال می‌کنم، چه می‌توان (یا باید) کرد که مسئولان در حوزه‌ی تربیت یا آموزش-پرورش، اعم از تصمیم‌گیرندگان، برنامه‌ریزان، مسئولان امور مالی آموزش-پرورش، مجریان برنامه‌های آموزشی (معلمان: دبیر، آموزگار و استاد و...) همین‌طور، سایر اولیای امور، ویژگی‌های زیر را در خودشان تقویت کنند:

- متفاوت بیندیشند.

- فراتر بیندیشند.

جهانی و جهان‌محورانه بیندیشند.

اغراق نیست اگر گفته شود ما معلمان یا مربیان، با توجه به حساسیت حرفه‌مان به بعد زمان (گذشته، حال و آینده با هم)، به اندیشیدن روی دو نکته‌ی بالا، بیش از سایر شهروندان نیازمندیم. به عبارت دیگر، شاید در حرفه‌ی معلمی، دو پرسش «چگونه؟» و «چرا؟» بیش از حرفه‌های دیگر مطرح می‌شوند. چون هدف نهایی این حرفه، طبعاً کمک به پیدایش تغییر رفتار مطلوب، عمدتاً در کودکان و نوجوانان است. این فرایند که از آن با «تربیت» یا «آموزش-پرورش» تعبیر می‌کنیم، در واقع پاسخ‌گویی به دو پرسش چگونه و چرا در حوزه‌ی «تغییر رفتار» است. با این معنا که ما معلمان در همه‌ی درس‌ها، همواره می‌کوشیم دریابیم، دانش‌آموزان یا دانشجویان ما به چه نوع تغییر رفتاری (افکار، اعمال و تجربه‌ها) نیاز دارند. برای پاسخ‌گویی به این نیاز ناگزیریم رفتار یا رفتارهای موجود و احیاناً نامطلوب را تحلیل و تبیین کنیم و چگونگی و چرایی آن‌ها را دریابیم تا به تغییر مطلوب موفق شویم. تغییر رفتار سایر شهروندان، البته در موارد نیاز، به همین روش انجام می‌گیرد یا باید انجام بگیرد.

بدیهی است که در حوزه‌ی آموزش-پرورش، با توجه به فرایند طبیعی، «تقلید» یکی از روش‌های شناخته‌شده‌ی یادگیری است، هرگونه تغییر رفتار یا اصلاح، باید از بزرگسالان، البته در صورت لزوم، آغاز شود. چون آن‌ها سرمشق‌های کودکان و نوجوانان هستند. مثلاً مبتلا به یک ناراحتی روان‌شناختی، نمی‌تواند دانش‌آموزان سالم بار آورد؛ معلمی که حرکات زائد بیمارگونه مثل چشمک زدن مکرر دارد، طبعاً و به احتمال زیاد، این ناراحتی از راه تقلید کودکان، در دانش‌آموزان خردسال او نیز پیدا خواهد شد و اگر به‌موقع درمان نشود، تا پایان زندگی در او خواهد ماند!

تغییر رفتار (افزایش و کاهش یا آرایش و پیرایش)، ممکن است به چند شکل انجام بگیرد:

- **ایجاد:** آموزش و یادگیری اطلاعات و مهارت‌های تازه
- **اصلاح:** ترمیم و بهبودبخشیدن رفتارهای نارسا و یا اصلاح برخی ضعف‌های رفتاری
- **تکمیل:** کمک به کامل یا مطلوب شدن رفتارها یا عادت‌های ناقص؛ البته نقص‌های آموخته (اکتسابی).



درمان واقعی و مطمئن هر درد یا بیماری اجتماعی، مستلزم تحلیل و پیدا کردن علت یا علت‌های واقعی آن بیماری است

— مسئولانه بیندیشند؛ مسئول جامعه نه افراد.
— آینده‌نگرانه بیندیشند.
— بازاندیشی و فراتراندیشی را پیش گیرند.
— مسئله‌محورانه بیندیشند؛ مسائل واقعی زندگی امروز در جامعه و جهانی.

— از توان و مهارت راهنمایی در آموزش و یادگیری برخوردار باشند.

— در ارتباط کلامی و استدلال کلامی، مهارت داشته باشند.
— از مهارت‌های: تحمل انتقاد، مدیریت بحران، مدیریت بودجه، مدیریت زمان و مکان، مدیریت امور رفاهی، مدیریت امور علمی، مدیریت پژوهش، مدیریت استعدادها و توانمندی‌ها، مدیریت فرهنگ‌های گوناگون، مدیریت عواطف، مدیریت تغییرات احتمالی و پیش‌بینی‌نشده، و مدیریت ارتباطات برخوردار باشند.
— با تاریخ و جغرافیای منطقه‌ی مدیریت، آشنایی دقیق داشته باشند.

— با زبان، منطق، فلسفه و علم مدیریت آموزشی به خوبی آشنا باشند.

— با روان‌شناسی و جامعه‌شناسی حوزه‌ی مدیریت خود آشنا باشند.

— با زبان کلامی و فرهنگ خاص حوزه‌ی مدیریت خویش آشنا باشند.

به امید روزی که:

* همه‌ی مسئولان امور، خصوصاً امور آموزشی، در همه‌ی رده‌ها:

— یادگیری مداوم عمومی و خصوصی را دارا باشند و از آن لذت ببرند و بیش‌تر بخوانند.

— از چند و چون کارهای یکدیگر آگاه باشند و نشریات یکدیگر را دقیقاً بخوانند.

— از درآمدها و هزینه‌های سازمان‌های هم‌دیگر آگاه باشند.
— تصمیمات اجتماعی هر سازمان فوراً به اطلاع سایر سازمان‌ها برسد و نظرخواهی شود.

— برای همه‌ی ایشان، حتی در بالاترین رده‌ها، کارگاه‌های آموزشی ویژه برگزار شوند. چون حتماً می‌دانند و باور دارند که هیچ شهروندی، خصوصاً در مسئولیت‌های اجتماعی، هرگز از یادگیری و بازبینی افکار و اعمال خود بی‌نیاز نیست.

— خلاقانه بیندیشند؛ راه‌حل‌های نوین مسائل زمان را دریابند.
— انسان‌وار و انسان‌محورانه بیندیشند که از جمله نشانه‌های مهم تقوا به شمار می‌رود.

— واقع‌بینانه بیندیشند.
— نقدمحورانه بیندیشند.
— عشق و ایمان‌محورانه بیندیشند.
— جامعیت‌محورانه و جامع‌نگرانه بیندیشند.
— عدالت‌محورانه بیندیشند.
— صداقت‌محورانه بیندیشند.
— آزاداندیش‌محورانه بیندیشند.
— زندگی‌محورانه بیندیشند.
— شایسته‌محورانه بیندیشند.
— خودمحورانه بیندیشند.
— تعصب‌ورزانه بیندیشند.
— گذشته و گذشتگان را بخوانند، اما در گذشته نمانند.

— فرزند زمان باشند، اما برده‌ی زمان نه.
— به‌ترتیب مغز و دست و دل کودکان و نوجوانان با هم و هم‌زمان بیندیشند.

— کتاب‌ها را بخوانند، اما در کتاب‌ها نمانند و برده‌ی کتاب‌ها نباشند.

— دارای ذهن حساس، فعال و خلاق باشند.
— یادگیری مداوم، تجربه و تمرین را شرط اساسی موفقیت بدانند و باور کنند.

— در حوزه‌ی آموزش-پرورش، حتماً سابقه‌ی تدریس در دوره‌ی ابتدایی داشته باشند.

— عشق، جرئت، امید، ایمان، اعتماد و اعتدال را با هم دارا باشند.
— پژوهش را زیربنای اعتبار علم بدانند و خود نیز پژوهشگر باشند.
— از سلامت همه‌جانبه‌ی شخصیت برخوردار باشند.
— با منابع علمی و پژوهشی در جامعه و جهان آشنا باشند و با آن‌ها ارتباط دائمی برقرار کنند.



همه دردی

مجید درخشانی

فرهنگی شاغل در آموزش و پرورش تفت، استان یزد

آورده اند که: روزی مدیری معلم مدرسه‌ی خود را بدید که سخت در فکر فرو رفته و دست از نلکم شسته بود. ناراحتی از سر و رویش می‌بارید و پدپه با خود نجوا می‌کرد.

مدیر از حال زار معلم، لختی افسرده و پریشان احوال شد. لب به دندان بگزد و اندر فکر شد. در خانه، چون همسرش ناراحتی وی بدید، پرسید: «این چه حال است؟!»

مدیر، قصه‌ی پریشان‌حالی معلم را برای همسر بگفت. همسر از او دلجویی بکرد و گفت: «باید با او به صحبت همی شوی و راز غمگینی‌اش بگشایی.»

مدیر گفت: «خوش ندارم؛ شاید نخواهد راز دل برملا بکردن!»
همسر گفت: «نا از آن راز مطلع نشوی، کی توانی غم از شانه‌ی وی برداری؟»

مدیر سر نکان بداد و سخن زن تأیید بکرد. چون صبح به مدرسه اندر شد و معلم به مدرسه بیامد، با وی اندر سالن شروع به قدم زدن بکرد. اندک اندک علت پریشان‌حالی معلم بپرسید و گفت که شاید بتواند کاری کند تا گرد غم از رخسار معلم بزدايد.

معلم، چون چنین غمخواره‌ای بدید، آهی جانکاه بگشاید و بگفت: «مرا غصه دراز است. اجاره خانه‌ام دو ماهی است عقب افتاده، گزایه‌ی سرویس بچه‌هایم انباشته گردیده و اینک آبرویم در خطر قرار گرفته است...»

مدیر چون این سخن بشنید، بخندید و پشانی معلم بیوسید. او را نسلی بداد و گفت: «حاشا به گزمت ای برادر، دست از این پریشان‌حالی بردار و گرد غم بزدا که غصه‌ی تو نیز غصه‌ی من و دیگر طایفه‌ی معلمان است. مرا بگو که گمان بردم به مصیبتی گرفتار شده‌ای؟!»

معلم گفت: «چه مصیبتی عظیم‌تر از این؟!»
مدیر گفت: «وقتی که چنین غمی نداشته باشی!»
معلم چون این سخن بشنید، لبخند بزدا، غصه از دل به در کرد و با شادی به کلاس اندر شد.

همیشه‌ی خدا داشتم می مردم!

به انتخاب و ترجمه‌ی ته‌مینه مهربانی

اولین بار داشتم می مردم که بتوانم روی پاهایم بایستم و راه بروم.

بعد داشتم می مردم که مدرسه را تمام کنم و به دانشگاه بروم.

بعد داشتم می مردم که دانشگاه را تمام کنم و بروم سرکار.

بعد داشتم می مردم که ازدواج کنم و بچه دار شوم.

بعد داشتم می مردم که نکت نکت بچه‌هایم بزرگ شوند.

و به مدرسه بروند و ازدواج کنند.

بعد داشتم می مردم که هر جور شده است، زودتر بازنشسته بشوم.

و حالا جدا دارم می میرم و هنوز فرصت نکرده‌ام زندگی کنم!

تصویرگر: لیدا معتمد



بخش اول

دکتر لیلا سلیقه‌دار

نصورت‌ها از پژوهش

اشاره

آیا تاکنون به این نکته اندیشیده‌اید که در طول روز چند پژوهش انجام می‌دهید؟ آیا می‌دانید حین انجام کار و حل هر مسئله، به چه مهارت‌های پژوهشی بیش از سایر مهارت‌ها نیاز داشته‌اید؟ فاصله‌ی بین پژوهش و زندگی را تا چه اندازه می‌دانید؟ مقاله‌ی حاضر و بخش‌های دیگری که در آینده، در این صفحات، انتظار دیدار شما را می‌کشد، به نقش و اهمیت پراثر معلم در پرورش مهارت‌های پژوهشی و نیز میزان تأثیر نگرش او در نحوه‌ی بهره‌مندی و آموزش مهارت‌های پژوهشی اشاره دارد.

موقعیت: کلاس درس

معلم وارد کلاس می‌شود. از این که طرح درس خود را براساس اصول ساختن گرایبی آماده کرده است، خوش حال است و این تجربه‌ی اول، در او هیجان زیادی ایجاد کرده است. می‌داند که به خاطر این انتخاب، با موقعیت‌های پیش‌بینی نشده‌ای روبه‌رو خواهد شد. با ورود او به کلاس، بچه‌ها مثل همیشه ساکت نمی‌شوند. همه‌می‌عجیبی در کلاس حاکم است. معلم می‌کوشد کلاس را آرام و فعالیت‌هایش را مطابق برنامه آغاز کند. بچه‌ها هنوز کاملاً آرام نشده‌اند. با خود فکر می‌کند، بچه‌ها از کجا فهمیده‌اند برنامه‌ی امروز من شکل تازه‌ای دارد؟ آیا پرسروصدا بودن آن‌ها به خاطر همین است؟ کمی سکوت می‌کند. بچه‌ها به یکدیگر نگاه می‌کنند. معلم با ناراحتی می‌گوید، اصلاً از شما انتظار ندارم چنین رفتاری داشته باشید. من چند دقیقه است که به کلاس آمده‌ام، اما شما هنوز ساکت نشده‌اید. سپس ادامه می‌دهد، بهتر است درس امروز را آغاز کنیم. بچه‌ها می‌هوت به هم نگاه می‌کنند. بالاخره یکی از آن‌ها دستش را بلند می‌کند و می‌گوید: «خانم خودتان را معرفی نمی‌کنید؟»

معلم با تعجب زیاد به او نگاه می‌کند؟ دانش‌آموز که متوجه تعجب معلم می‌شود، می‌گوید: «خب، خانم مدیر دیروز به ما گفتند که امروز معلم ما به مدرسه نمی‌آید و به جای ایشان، شما، یعنی خواهر خانم معلم، می‌آیید اما شما خیلی شبیه خواهرتان هستید و ما خیلی تعجب کردیم.» دوباره در کلاس همه‌می‌برپا می‌شود: «شما دوقلو هستید؟ کدامتان زودتر به دنیا آمده‌اید؟ شما هم معلم هستید؟ کدام مدرسه درس می‌دهید؟» و ده‌ها سؤال مثل این.

خانم معلم بالاخره موفق می‌شود با حرکات دست و کلام و... بچه‌ها را به آرامش دعوت کند و به آن‌ها بگوید: «شما اشتباه می‌کنید، یعنی در واقع خانم مدیر اشتباه گفته است که من به مدرسه نمی‌آیم. امروز قرار بود خواهر خانم قلی‌زاده، معلم کلاس چهارم، به جای ایشان به کلاس‌شان بروند، نه من!»

سکوت کامل به خاطر اشتباه پیش آمده، کلاس را فرا می‌گیرد.

سؤال، در حیطه‌ی پژوهش قابل دریافت است. به عبارت دیگر، در برخورد با تمام اتفاقات، این مهارت‌های پژوهشی هستند که نیاز است در رفتار ما سرک بکشند و بر آن اثر بگذارند. ممکن است این ادعا شما را متعجب کند، چرا که تعریف متداول پژوهش شامل انجام مراحل خاص، اعم از گردآوری اطلاعات، فرضیه‌سازی، آزمون فرضیه‌ها، نوشتن

موقعیتی که مطالعه کردید، نمونه‌ای اغراق‌آمیز، اما واقعی از آن چیزی است که ممکن است بارها برای هر فردی اتفاق بیفتد؛ قرار گرفتن در موقعیت‌های پیش‌بینی نشده، ساختن فرضیه‌های گوناگون، تصمیم‌گیری و گاهی خطا کردن. به نظر شما چگونه می‌توانیم در مواجهه با شرایط گوناگون، از تکرار خطاها بکاهیم و موفق‌تر ظاهر شویم؟ پاسخ به این

گزارش تحقیق از مقدمه تا نتیجه گیری و... است. هر چند قصد تکذیب این نوع نگاه به پژوهش را نداریم، ولی باید اذعان کنیم که پیش از انجام چنین پژوهشی و به عنوان زمینه‌ساز و اصل اساسی در کسب موفقیت در این رابطه، به پرورش مهارت‌های پژوهشی نیازمندیم. در واقع این مهارت‌های پژوهشی هستند که موجب می‌شوند، پژوهشگر بتواند در انجام پژوهش به شیوه‌ی متداول آن، به نتایج کاربردی دست یابد و در انجام تحقیق خود توفیق داشته باشد.

بنابراین دیدگاه، دو نوع نگرش در رابطه با آموزش و پرورش وجود دارد. در نگرش اول که شامل تمامی افراد جامعه می‌شود، انتظار می‌رود مهارت‌های پژوهشی در همه‌ی افراد پرورش یابد و مورد توجه قرار گیرد. مطابق این نگاه، پژوهشگر شدن مقصد نهایی برای همه‌ی افراد نیست، اما توانمند بودن در استفاده از مهارت‌های پژوهشی، نیاز و هدف کلی برای همه‌ی آنان است. اما در این بین، کسانی هم وجود دارند که استعدادی فراتر از سایرین دارند و می‌توانند با تکیه بر مهارت‌های پژوهشی و در حوزه‌های گوناگون علمی، دست به پژوهش بزنند. این مقصود، به نگرش دوم در زمینه‌ی آموزش پژوهش اشاره دارد.

بر این اساس، شایسته است که برنامه‌های اصلی، شامل تمام افراد مخاطب باشد و برنامه‌های خاص صرفاً ویژه‌ی دانش‌آموزانی باشد که توانمندی‌ها و علاقه‌های خاص دارند. آموزش‌دهندگان و برنامه‌ریزان هم برنامه‌های خود را به شکلی طراحی و اجرا کنند که جمعیت غالب جامعه، فدای برنامه‌های ویژه‌ی عده‌ای اندک نشود.

شیوه‌های حضور پژوهش در کلاس درس

آنچه در برگزاری نمایشگاه‌های متداول آثار پژوهشی در مدرسه مشاهده می‌شود و یا در مسابقات پژوهش دانش‌آموزی مورد نظر است، معمولاً آن دسته از افراد را مورد توجه

قرار می‌دهد که مقصود پژوهشگر شدن را در آموزش و پرورش برآورده می‌سازند. لیکن؛ امروزه **تفکر پژوهشی برای همه یا کاربست مهارت‌های پژوهشی**، به سیاست ویژه‌ای در آموزش و پرورش تبدیل شده است که از توجه به پرورش مهارت پژوهشی در تمام دانش‌آموزان خبر دارد.

دست به پژوهش زده‌ایم و بر همین اساس است که تلاش برای پرورش مهارت‌های پژوهشی در تمام افراد جامعه، جزیی از وظایف نهادها و سازمان‌های آموزش‌دهنده به حساب می‌آید. بنابراین، نقش معلم به عنوان یکی از مهم‌ترین ارکان آموزش‌دهنده‌ی پژوهش نیز تغییر می‌کند و تعریف تازه‌ای به خود



عکس: اعظم لاریجانی

می‌گیرد. در این نقش، معلم باید هم‌چون سایر آموزش‌ها، نگاهی عدالت‌گراانه در آموزش پژوهش داشته باشد و به گونه‌ای رفتار کند که همه‌ی دانش‌آموزانش به توانایی‌های پژوهشی مجهز شوند و نمایشگاه‌های آثار پژوهشی دانش‌آموزان، به نمادهای ثابتی تبدیل شود که همواره و در هر لحظه در هر کلاس درسی قابل مشاهده باشد.

لزوم طراحی آموزشی مبتنی بر پژوهش

اگر بپذیریم که بین زندگی و توانایی‌های پژوهشی ارتباط تنگاتنگی وجود دارد، این مهارت‌ها در تک‌تک فعالیت‌های کلاس درس از جایگاه ویژه‌ای برخوردار خواهند بود. برای روشن شدن بیشتر موضوع، به بحث طراحی آموزشی نگاهی می‌اندازیم. فعالیت‌های مربوط به معلم در سه دسته طبقه‌بندی می‌شوند:

✓ **فعالیت‌های پیش از تدریس**؛ مانند آماده‌سازی کلاس و تجهیزات مورد نیاز

بدین معنا که همه‌ی دانش‌آموزان در کلاس درس، با هر نوع توانایی، باید از برنامه‌های مربوط به پرورش مهارت‌های پژوهشی که نتیجه‌ی آن ترویج تفکر پژوهشی است، برخوردار شوند. زیرا این مهارت‌ها به آن‌ها کمک می‌کند تا در موقعیت‌های گوناگون زندگی، تصمیم‌های درست‌تری بگیرند. رفتارهای مناسب‌تری داشته باشند و در جهت تکامل خود قدم بردارند. علاوه بر این، مهارت‌های پژوهشی می‌تواند در پیشبرد علمی و تخصصی آن‌ها تأثیرگذار باشد حال، هنگامی که این افراد اقدام به انجام پژوهش می‌کنند، مطالعات آن‌ها از نتایج و اثربخشی بیشتری برخوردار است، زیرا محقق با بینش وسیع‌تری به این کار دست زده است.

براین اساس و همانند مثالی که در ابتدای این نوشته (موقعیت کلاس درس) به آن اشاره شد، ما در طول روز بارها نیازمند استفاده از مهارت‌های پژوهشی هستیم و می‌توانیم اذعان کنیم که به همین تعداد،

طراحی و دوخت لباس باروزنامه

خاطره‌ای از تمرین کارگروهی
با حضور مادران و فرزندان در یک روز شاد

فاطمه پوررمضان

آموزگار بایدهی اول دبستان آزادی، ناحیه‌ی ۶ مشهد



✓ فعالیت‌های حین تدریس؛ مانند اجرای درس و انجام فعالیت‌های مربوط به آن
✓ فعالیت‌های پس از تدریس؛ شامل تجزیه و تحلیل نتایج یادگیری دانش‌آموزان ...

هنگامی که معلم تصمیم به پرورش مهارت‌های پژوهشی دانش‌آموزان می‌گیرد، در هر دسته از فعالیت‌های فوق، باید به این موضوع توجه داشته باشد. برای مثال، پیش از تدریس و حین انتخاب الگوهای تدریس، روش‌های تدریس پژوهش محور را در اولویت انتخاب قرار دهد. در حین تدریس و در واکنش به رفتارهای دانش‌آموزان، از فنونی استفاده کند که هر یک، مهارت پژوهشی خاصی را نشانه‌گیری کند و هم‌چنین، پس از تدریس و در بررسی‌های مربوط به آن چه در یادگیری دانش‌آموزان رخ داده است، به اندازه‌گیری توانایی‌های پژوهشی توجه نشان دهد. بر این اساس، ممکن است این تصور پیش آید که سهم بزرگی از فعالیت‌ها به مهارت‌های پژوهشی اختصاص می‌یابند. اما کاربرد آن‌ها در طراحی آموزشی و به رشته‌ی عمل درآوردن آن‌چه مطرح شد، نشان می‌دهد که توجه به این مهارت‌ها، زمانی بیشتر از آن چه را که به طول معمول از معلم انتظار انجام آن می‌رود، نمی‌گیرد. به دیگر سخن، معلم با هر بینشی نیازمند طراحی آموزشی و انجام برخی فعالیت‌ها اعم از تدریس، استفاده از فنون آموزشی و... است، اما با تکیه بر این نگرش، او به گونه‌ای فعالیت‌های خود را سازمان‌دهی می‌کند که پرورش مهارت‌های پژوهشی نیز مورد نظر قرار بگیرد. نکته‌ی قابل توجه برای معلم این است که این مهارت‌ها و توجه به آن‌ها می‌تواند همانند ابزاری مؤثر در یادگیری بیشتر فراگیرندگان ایفای نقش کند و براین اساس، یکی از دغدغه‌های اصلی معلم که نحوه‌ی افزایش یادگیری فراگیرندگان است، پاسخ داده شود.

اول

برای آماده کردن ذهن دانش آموزان به منظور انجام کار گروهی، ابتدا جلسه‌ای با حضور کلیه‌ی مادران و دانش آموزان در محل نمازخانه‌ی مدرسه ترتیب داده شد.

از مادران خواستیم به گروه‌های پنج نفری تقسیم شوند تا دانش آموزان کار گروهی را عملاً از والدین خود فرابگیرند. به هر گروه مقدار معینی روزنامه، کاغذ رنگی، چسب نواری، سوزن ته‌گرد، چسب مایع، متر، مداد و قیچی دادیم و به دانش آموزان گفتیم، به کار مادران خود دقت کنند.



بعد

از مادران خواسته شد یک لباس فرم برای فرزند خود بدوزند. آن‌هایی که هنر خیاطی می‌دانستند، با شوق زیادی شروع به کار کردند و آن‌هایی هم که بلد نبودند، به گروه خود کمک می‌کردند. بچه‌ها هم با دقت خاصی مادران را زیر نظر گرفته بودند.

هر گروه با استفاده از روزنامه و کاغذهای باطله، شروع به دوخت لباس کرد. نمونه‌ای از لباس‌های دوخته شده را در تصویرها مشاهده می‌کنید.



سرانجام

در پایان پس از این که ذهن دانش آموزان با نحوه‌ی انجام کار گروهی به صورت عملی آشنا شد، آن‌ها نیز به گروه‌های پنج نفری تقسیم شدند و روزنامه، چسب و قیچی در اختیارشان گذاشته شد. خواستیم که از کاغذهای باطله، هر چیزی که دوست دارند، برای خود بسازند. هر گروه برای خود وسیله‌ای درست کرد؛ یک گروه آلبوم کاغذی، گروهی دیگر قایق و گروهی هم کبوتر کاغذی.

با این کار عملی، بچه‌ها، هم با کار گروهی آشنا شدند و هم یاد گرفتند به دوستان خود در گروه کمک کنند نتیجه‌ی موفقیت هر نفر در گروه برای تمام گروه ثبت و در آخر به همه‌ی گروه‌ها، جوایزی اهدا شد.



بید یاد در کلاس درس

بازی‌ها، فعالیت‌ها و پژوهش‌های خلاقیت محور

بر مبنای تمثیل‌ها و افسانه‌های کلیله و دمنه

برای توسعه‌ی سواد خواندن در میان دانش‌آموزان دبستانی

مرتضی مجدفر

اشاره

در دو دوره‌ی قبل مجله‌ی رشد آموزش ابتدایی، با دو مجموعه‌ی مستقل با عنوان‌های «ازوپ در کلاس درس» و «لافوتن در کلاس درس» آشنا شدید. در این سلسله مطالب، با در نظر گرفتن مخزن واژگان دانش‌آموزان پایه‌های چهارم و پنجم دبستان و نیز کتاب‌های بخوانیم و بنویسیم این پایه‌ها، افسانه و یا تمثیلی را از میان داستان‌های اروپ (داستان‌سرایی یونانی) و لافوتن (داستان‌سرایی فرانسوی) انتخاب و با بیانی ساده نقل می‌کردیم. سپس با طرح سه پرسش برگرفته از متن و نیز پرسش‌ها، فعالیت‌ها، بازی‌ها و پژوهش‌هایی خلاقیت محور بر مبنای داستان گفته شده، در توسعه‌ی سواد خواندن و افزایش قدرت تفکر دانش‌آموزان می‌کوشیدیم. البته دو فعالیت نیز در قالب جدول و نمودار در پایان هر داستان می‌آمد. آموزگاران مخاطب مجله از این دو مجموعه مطلب، استقبال قابل توجهی کردند و در بسیاری از مدرسه‌ها، تمرین‌های چاپ شده مورد استفاده قرار گرفت. حتی برخی از آموزگاران بر مبنای الگوهای ارائه شده، خود دست به کار شدند و نمونه‌های جدیدتری را برای کار در کلاس‌های خود پدید آوردند، استقبال از این دو مجموعه، نویسنده‌ی این سلسله مطالب را بر آن داشت تا «ازوپ در کلاس درس» و «لافوتن در کلاس درس» را در قالب دو جلد کتاب مستقل و از مجموعه کتاب‌های توسعه‌ی سواد خواندن در میان دانش‌آموزان دبستانی (جلدهای ۱ و ۲) به بازار نشر عرضه کند.

در دوره‌ی جدید، داستان‌ها و افسانه‌های کلیله و دمنه را به درون کلاس‌های درس می‌کشیم و همراه با **بیدپا**، راوی اصلی داستان‌ها، ابزارهایی را در اختیار آموزگاران محترم قرار می‌دهیم تا آنها را در بالا بردن سطح درک و تفکر انتقادی دانش‌آموزان خود و نیز توسعه‌ی سواد خواندن بچه‌ها، یاری دهد. از خوانندگان عزیز می‌خواهیم که برای نخستین بار با مجله همراه می‌شوند، درخواست می‌کنیم حتماً بخش‌های اول و آخر ازوپ در کلاس درس (مهر ۸۷ و اردیبهشت ۸۸) را به عنوان راهنمای مطالعه و استفاده از این سلسله مطالب، مطالعه کنند. در این شماره، ابتدا مختصری درباره‌ی بیدپا و کلیله و دمنه سخن می‌گوییم و سپس یک داستان را همراه با تمرین‌های گوناگون در پی می‌آوریم.



کلیله و دمنه یا بیدپا؟

کلیله و دمنه، در اصل کتابی هندی است که حکیمی به نام **بیدپا** داستان‌های آن را روایت کرده است. از این رو، این کتاب را «داستان‌های بیدپا» نیز می‌نامند. بیدپا تقریباً یکصد سال پیش از میلاد مسیح در هند زندگی می‌کرده است و در مورد زندگی وی، هیچ اثر مستندی در دسترس نیست. حتی نام اصلی او هم برای پژوهشگران نامعلوم است. برخی محققان گفته‌اند، بیدپا همان **کتکو** است که از نویسندگان ترک‌زبان کوچ کرده به هندوستان محسوب می‌شود.

می‌گویند **رای دابشلیم**، پادشاه هند، از اطرافیانش می‌خواهد او را نصیحت کنند. **برهمن**، وزیر او، با بهره‌گیری از داستان‌های بیدپا که به آن‌ها دسترسی داشت، با رعایت احتیاط و در قالب قصه‌هایی از زبان حیوانات، از آن‌چه که برای پادشاه و حکومت لازم است، مجموعه‌ای به زبان هندی فراهم ساخت و آن را «پنجه تتره» نامید که بعدها به کلیله و دمنه معروف شد. این نام از روی قهرمانان فصل اول کتاب که دو شغال بودند، برداشته شد: **کلیله**، سمبل عدالت و حقیقت و **دمنه**، نماد دروغ و پستی. از بیدپا، اثر دیگری هم در گنجینه‌ی ادبیات جهان در دسترس است که **بلبل و باغبان** نام دارد.

کلیله و دمنه، یا داستان‌های بیدپا، به بسیاری از زبان‌های معروف دنیا ترجمه شده است. **خسرو انوشیروان ساسانی**، از وجود این کتاب در هند آگاه شد و **برزویه‌ی طیب** را که پزشک دربار بود و زبان هندی را به خوبی می‌دانست، مأمور آوردن آن به ایران کرد. برزویه به هند رفت و ضمن دوستی با هندی‌ها کتاب را برای مطالعه گرفت و طی چند ماه نسخه‌ای از آن را برای خود نوشت.

او حتی از روی کتاب‌های مفید دیگر هم نسخه‌برداری کرد و به ایران آورد. پادشاه خواست پاداشی بزرگ به برزویه دهد. او نپذیرفت و از شاه خواست تا اجازه دهد نام او در مقدمه‌ی کتاب ذکر شود. پادشاه پذیرفت و **بزرگمهر**، وزیر انوشیروان، مقدمه‌ای بر آن نوشت و کتاب به زبان پهلوی ترجمه و مشهور شد.

برزویه، در مقدمه‌ی کلیله و دمنه، جمله‌ای نوشته است که بسیاری از آن، به عنوان سرمشقی برای انسان‌سازی یاد کرده‌اند. او می‌نویسد: «من پزشک بودم و روزی چند نفر را معالجه می‌کردم. روزی با خود گفتم، این‌ها پس از مدتی به همین مرض یا امراض دیگر مبتلا می‌شوند و در نهایت می‌میرند و خدمت من موقتی است. بهتر است به کاری بپردازم که اثر آن دائمی باشد. از این رو به علم اخلاق روی آوردم.»

بعد از اسلام، در قرن دوم هجری، دانشمند ایرانی **ابن مقفع**، آن را از پهلوی به عربی ترجمه کرد. ولی **منصور دوانیقی**، دومین خلیفه‌ی عباسی، دستور داد مترجم را به شکل فجیعی بکشند. در دوران خلافت **مهدی**، خلیفه‌ی عباسی، **عبدالله بن هلال اهوازی**، کلیله و دمنه را به فارسی برگرداند و سپس در دوران **بهرام‌شاه غزنوی**، **نصرالله منشی** از روی نسخه‌ی عربی ابن مقفع، دوباره نسخه‌ی دیگری از کلیله و دمنه‌ی فارسی را پدید آورد که به نوعی ترجمه‌ی آزاد بود و اختلافاتی با متن اصلی داشت.

هم‌چنین، در زمان سامانیان، **احمد سامانی** به **رودکی** دستور داد، کلیله و دمنه را به فارسی دری برگرداند. رودکی آن را به فارسی در آورد که اکنون فقط ده بیت از آن باقی مانده است.

در قرن نهم، **ملاحسین واعظ کاشفی سبزواری**، کلیله و دمنه‌ی نصرالله منشی را با نگارشی تازه، «انوار سهیلی» نامید. در قرن یازدهم هم، **ابوالفضل دکنی**، تهذیب و خلاصه‌ای از کلیله و دمنه ترتیب داد و نام آن را «عیار دانش» گذاشت.

با وجود گذشت حدود دو هزار سال از تألیف داستان‌های بیدپا و تغییرات فراوانی که این اثر در دوران‌های گوناگون دیده است، در سال‌های دور و نزدیک، باز هم شاهد چاپ نسخه‌های جدیدی از کلیله و دمنه هستیم.

برخی از معروف‌ترین این کتاب‌ها چنین‌اند:

● ترجمه‌ی کلیله و دمنه، نوشته‌ی ابوالمعالی نصرالله منشی. تصحیح و توضیح استاد مجتبی مینوی، انتشارات امیرکبیر.

● کلیله و دمنه‌ی نصرالله منشی با توضیحات عبدالعظیم قریب گرکانی.

پنجه تتره، ترجمه از زبان سانسکریت. به اهتمام محمدتقی دانش‌پژوه. بنیاد فرهنگ ایران.

● داستان‌های بیدپا. ترجمه از متن عربی ابن مقفع توسط محمدبن عبدالله بخاری. به اهتمام دکتر پرویز ناتل خانلری. انتشارات خوارزمی.

● کلیله‌ودمنه، داستان‌های بیدپا (Kelile Ve Dimne، Beydeba). احمد آتمن. انتشارات آرکاداش آنکارا. ترکیه (این کتاب در سال ۲۰۰۳ و در ۱۲۰ صفحه‌ی مصور به زبان ترکی استانبولی منتشر شده است).

● تمثیل‌های بیدپا (Beydaba Tamsillari). پرویز ایوب‌اف و دیگران. انتشارات قلم. باکو. جمهوری آذربایجان (این کتاب در سال ۲۰۰۸ و در ۱۱۲ صفحه‌ی مصور به زبان ترکی آذربایجانی منتشر شده است).

به دلیل این که نمی‌خواهیم پدیدآورنده‌ی اصلی این مجموعه داستان‌ها را فراموش کنیم و در ادامه‌ی دو بخش قبلی این مجموعه که آن‌ها را به ترتیب با نام اشخاص و راوی داستان‌ها و تمثیل‌ها، «زوپ در کلاس درس» و «لافونتن در کلاس درس» نامیدیم، این مجموعه را هم «بیدپا در کلاس درس» نام می‌دهیم تا همه‌ی عنوان‌های مجموعه، برگرفته از نام پدیدآورندگان آن‌ها باشند.



مار و قورباغه

در زمان‌های دور، ماری زندگی می‌کرد که در تمام دوران زندگی خود، فقط قورباغه خورده بود. ولی اکنون که پیر شده بود، چشمانش جایی را نمی‌دید. دیگر شکاری گیرش نمی‌آمد و نمی‌توانست مثل گذشته شکمی از عزا دریاورد. به همین دلیل، از ناچاری به راه افتاد. در نهایت، به تالابی رسید که پر از قورباغه‌های کوچک و بزرگ بود. به یاد آورد که بارها به همین تالاب آمده و بارها با قورباغه‌های خوش‌مزه‌ی آن‌جا حسابی سیر شده است.

مار از روی عادت، مثل همیشه در جایی کنار تالاب دراز کشید و طوری وانمود کرد که هر کس او را می‌دید، فکر می‌کرد مریض، خسته و بدبخت است.

یکی از قورباغه‌هایی که مار را در چنین حالتی دیده بود، خودش را به او نزدیک کرد و با خوش حالی تمام پرسید: «چه بلایی بر سرت آمده است مار؟! چرا این قدر مریض و خسته به نظر می‌رسی؟»

مار، بدون این‌که از جای خود بلند شود، جواب داد: «چرا مریض نباشم؟ سال‌هاست که کار من قورباغه خوردن بود. ولی اکنون که شکار قورباغه ممنوع شده است، من به بیماری خاصی مبتلا شده‌ام که ناشی از نخوردن قورباغه‌هاست. الان دیگر نه می‌توانم قورباغه‌ها را بگیرم و نه بخورم.»

قورباغه که این حرف‌ها را شنید، با خوش حالی خودش را نزد دوستانش رساند و از دیده‌ها و شنیده‌هایش برای آن‌ها سخن گفت. قورباغه‌ها با شنیدن حرف‌های دوست‌شان به جشن و پای کوبی پرداختند. موضوع به سرعت به اطلاع پادشاه قورباغه‌ها نیز رسید.

پادشاه قورباغه‌ها، با اطرافیان خود نزد مار آمد و از او پرسید: «چه بلایی بر سرتان آمده است؟ چه چیزی باعث شد به این حال و روز بیفتید؟»

مار بی‌حال، با صدای نزار گفت: «چندین و چند سال بود که قورباغه شکار می‌کردم. روزی از روزها، رد قورباغه‌ای را گرفتیم و از پی او روان شدم. ولی هر کاری کردم، نتوانستم قورباغه را بگیرم. قورباغه فرار کرد و وارد باغی شد. من هم در پی او، از خانه‌ی صاحب باغ سردر آوردم. همه‌جا تاریک‌تاریک بود.

در حالی که در جست‌وجوی قورباغه بودم، به چیز نرمی برخورددم. به خیال آن‌که قورباغه را گرفته‌ام، آن شی نرم را نیش زدم. ولی آن چه که نیش زده بودم، قورباغه نبود، دست پسر صاحب باغ بود. درست همان لحظه‌ای که او را نیش زدم، نعره‌اش به آسمان برخاست و بلافاصله مُرد. پدر پسر مرا نفرین کرد و گفت: «ای خدا! این مار را که فرزند بی‌گناه مرا کشت، بی‌طاقت و نزار کن. او را محتاج پادشاه قورباغه‌ها کن. کاری کن که این مار، تنها و تنها، با صدقه‌ی پادشاه قورباغه‌ها زندگی کند...»

مار وقتی این حرف‌ها را زد، شروع کرد به التماس و خواهش و

تمنا کردن از پادشاه قورباغه‌ها. در نهایت هم گفت: «آری! تنها با این امید است که نزد شما آمده‌ام. حتی حاضرم برای زنده ماندنم، شما را پشت خود، این طرف و آن طرف ببرم. لطفاً بر پشت من سوار شوید. می‌خواهم با خدمت کردن به شما زنده باشم.»

پادشاه قورباغه‌ها، سوار شدن بر پشت ماری را که همه‌ی قورباغه‌ها از او به شدت می‌ترسیدند، کاری بسیار فرخ‌بخش و خوش حال‌کننده دانست و از این کار استقبال کرد. او بر پشت مار سوار شد و سال‌ها به گشت و گذار پرداخت. هم‌چنین دستور داد، روزی دو عدد قورباغه از میان خیل قورباغه‌های تالاب جدا کنند و به او بدهند.

به این ترتیب، این مار برای رهایی از گرسنگی، قبول کرد مرکبی باشد در خدمت طعمه‌ی کوچک خود و تا آخر عمرش به او سواری داد.

سه پرسش

۱. به چه دلیل، مار نیازمند قورباغه‌ها شد؟
الف) به دلیل نفرین پدر پسری که مار او را نیش زده بود.
ب) به سبب ضعیف شدن چشم‌هایش
پ) به دلیل خیانت به دوستانش.

۲. چرا قورباغه‌ها شادی می‌کردند؟
الف) چون پادشاهی عادل نصیب آن‌ها شده بود.
ب) شکار قورباغه‌ها ممنوع شده و مار به بیماری خاصی مبتلا شده بود.

پ) خوراکی‌های فراوانی گیرشان آمده بود.
۳. کدام گزینه، نشانگر تصمیم پادشاه قورباغه‌هاست؟
الف) خیانت کردن به زیردستان
ب) حرکتی آگاهانه در مسیر رسیدن به نیازها
پ) حرکت مردانه در مقابل رفتار ناجوانمردانه‌ی دشمن.

فکر کنید، پاسخ دهید

۱. تاکنون در افسانه‌ها و داستان‌های بازمانده از پیشینیان، روباه و کلاغ را در مقام حیواناتی حيله‌گر دیده‌ایم و مار، بیشتر در نقش موجودی هوشمند ظاهر شده است. به عبارت دیگر، اگر زیرکی روباه و کلاغ، حيله‌گرانه است، مار زیرکی‌اش را در هوشمندی نشان می‌دهد. به نظر شما، در این داستان مار حيله‌گر ظاهر می‌شود یا هوشمند؟

۲. وقتی به آخرین بخش‌های این افسانه می‌رسیم، ناخودآگاه احساس می‌کنیم که مار می‌خواهد پادشاه قورباغه‌ها را گول بزند و با سوار کردن او بر پشتش، پادشاه را نیش بزند و بخورد، ولی اتفاق دیگری می‌افتد.



با در نظر گرفتن این نکته، به دو پرسش زیر پاسخ و فعالیت پیشنهادی را انجام دهید.

پرسش‌ها

- فکر می‌کنید مار به جای نیش زدن پادشاه قورباغه‌ها، چرا سواری دادن همیشگی تا پایان عمرش را انتخاب کرد؟
- به نظر شما، داستان تعقیب قورباغه‌ها، باغ، نیش زدن پسر صاحب باغ و نفرین پدر واقعی بود یا ساخته و پرداخته‌ی ذهن مار بود، چرا؟

فعالیت

- انتهای داستان را عوض کنید. مثلاً مار به جای سواری دادن پادشاه، قورباغه را بر پشتش سوار کند و او را نیش بزند و باقی ماجرا.
- ۳. نظر شما، قورباغه‌ها تا چه زمانی تحمل می‌کنند که مار روزانه دو قورباغه را از میان آن‌ها بخورد؟ در این مورد به طور کامل بحث کنید
- ۴. عده‌ای می‌گویند تمامی داستان‌های موجود در میان ملت‌های گوناگون، به نوعی برگرفته از واقعیت‌ها هستند و مدام تکرار می‌شوند.

با پرسش از بزرگترها، به ویژه کسانی که در زمینه‌ی ادبیات و اشعار حماسی اطلاعات خوبی دارند، داستان مار و حاکم قورباغه‌ها و خورده شدن دو قورباغه توسط مار را با یک داستان معروف و حماسی که به شعر هم سروده شده است، مقایسه کنید.

۵. اصطلاح «شکمی از عزا درآوردن» را با مراجعه به واژه‌نامه‌ها یا فرهنگ‌نامه‌های اصطلاحات و ضرب‌المثل‌ها، معنی کنید و بگویید این اصطلاح چگونه پدید آمده است.

۶. در لغت‌نامه‌ی دهخدا و برخی از مجموعه ضرب‌المثل‌های در دست‌رس، به این ضرب‌المثل برمی‌خوریم: «مار که پیر شد، قورباغه سوارش می‌شود.» فکر می‌کنید این ضرب‌المثل با داستانی که از بی‌دبا نقل کردیم، چه ارتباطی دارد؟ اول داستان گفته شده و بعد ضرب‌المثل پدید آمده است، یا داستان از روی ضرب‌المثل ساخته شده است؟

۷. انتشارات امیرکبیر کتابی منتشر کرده است با نام «قصه‌ی مار و قورباغه» که شاعر آن **اسدالله شعبانی** و تصویرگرش **نیلوفر میرمحمدی** است. روی جلد این کتاب ۲۴ صفحه‌ای، ذکر شده است که شاعر، داستان را براساس قصه‌ای از کلیله و دمنه پدید آورده است. این کتاب را به دست آورید و محتوای آن را با داستانی که هم‌اکنون خواندید، مقایسه کنید.

شخصیت‌های اصلی و فرعی داستان



حوادث و رویدادها



مکان



زمان



نقشه‌ی داستان

کلمه‌ها و ترکیباتی که بر ای نخستین بار در این داستان با آن‌ها آشنا شدی

معانی آن	کلمه (و یا ترکیب)

- در مورد معنای هر کلمه، حداقل یکی از فعالیت‌های زیر را انجام بده:
- با دوستان خود گفت‌وگو کن.
 - با پدر و مادر بحث کن.
 - درستی آن را با آموزگار کنترل کن.
 - با مراجعه به لغت‌نامه، فرهنگ‌نامه و یا دایرة‌المعارف، اطلاعات بیشتری به دست آور.

چهار و دو یک پنج

به انتخاب و ترجمه فرح بانو قائمی



پزشکان گفتند دیگر هرگز نخواهم توانست راه بروم. مادرم گفت که می‌توانم و من حرف مادرم را باور کردم. «ویلما رادولف»

یکی بود یکی نبود. دخترک ضعیف و نحیفی در آلونک پرت و دورافتاده‌ای، در خانواده‌ای بسیار فقیر، در شهر تنسی زندگی می‌کرد. او بیست و پنجمین کودک خانواده و نارس بود، برای همین اصلاً بنیه نداشت و کسی هم گمان نمی‌کرد زنده بماند و جان به در ببرد. چهار ساله که شد، سینه پلو کرد و بعد هم تب سرخ گرفت. ترکیب این دو بیماری او را به کلی از پا انداخت و پای چپش را فلج کرد. او ناچار شد از عصای آهنی استفاده کند تا بتواند راه برود. اما دخترک شانس آورده بود، چون مادری داشت که از هیچ چیز ناامید نمی‌شد و دائماً به او دل گرمی می‌داد.

این مادر به دخترش که بسیار باهوش بود، خیلی ایمان داشت. به او یاد داد که با وجود عصا و بندهای آهنی، هر کاری را که دوست دارد انجام بدهد. به او فهماند که فقط کافی است ایمان، پشتکار، شجاعت و روحیه‌ی مقاوم داشته باشد. این‌طور بود که دخترک وقتی نه ساله شد، بندهای آهنی را کنار گذاشت و قدم‌هایی برداشت که از نظر پزشکان، انجام آن ابداً امکان نداشت. در عرض چهار سال، به‌قدری گام‌هایش موزون شدند که هیچ‌کس باور نمی‌کرد. بعد ناگهان فکر عجیب و غریبی به سرش زد. تصمیم گرفت بزرگ‌ترین دوندگی دنیا شود. منظورش چه بود؟ دونده؟ آن هم با آن پاها؟ سیزده سال بیشتر نداشت که در مسابقه‌ی دوی مدرسه شرکت کرد و نفر آخر شد؛ آخر آخر! بعد در مسابقات دبیرستان‌های استان شرکت کرد و باز هم آخر شد. همه به او التماس می‌کردند که دست از این دیوانگی بردارد، ولی او گوشش به این حرف‌ها بدهکار نبود. بالاخره یک روز توانست یکی قبل از آخر شود و بعد هم بالاخره اول شد. از آن روز به بعد، مسابقه‌ای نبود که **ویلما** در آن شرکت کند و اول نشود.

ویلما به دانشگاه ایالتی تنسی رفت. در آن‌جا بود که **اد تمپل**، مربی ورزش، روحیه‌ی شکست‌ناپذیر، ایمان، اعتقاد و استعداد ذاتی ویلما را تشخیص داد و چنان آموزشش داد که توانست در سال ۱۹۶۰ در رشته‌ی دو میدانی المپیک رم شرکت کند.

رقیب او در آن مسابقه، بهترین زن دونده‌ی آن دوران، **جوت تاهین** از آلمان بود. او تا آن زمان حتی یک بار هم شکست نخورده بود. ویلما رادولف، هم در دوی صد متر و هم در دو بیست متر، جوت تاهین را شکست داد. ویلما تا آن



ویلما رادولف

زمان فقط دو مدال طلای المپیک را کسب کرده بود. سرانجام نوبت به

مسابقه‌ی دوی امدادی چهارصد متر رسید. دوباره ویلما مقابل جوت تاهین

قرار گرفت. دو دونده اول بسیار خوب دویدند و چوب مسابقه را به دست نفر بعدی دادند، ولی دونده‌ی

سوم چنان هیجان‌زده بود که موقع دادن چوب به دست ویلما، چوب از دستش افتاد. ویلما دید که

جوت با نهایت سرعت پیش می‌رود. رسیدن به آن پرنده‌ی سبکبال و فرزند کار ساده‌ای نبود، اما

ویلما همت کرد و رسید و سومین مدال طلای المپیک را هم برد.

ویلما رادولف تا آن روز نخستین زنی بود که توانسته بود سه مدال طلای المپیک را ببرد و به

این ترتیب ویلما وارد تاریخ شد...

کجا هستند کسانی که می‌گفتند **ویلما رادولف** هرگز نمی‌تواند راه برود؟

تجربه‌های شیرین

بروفه

شماره ۱۴ - شماره ۱
دوره ۱۹ مهر

یک روز شاد با مجلات رشد (گزارش) ۱۸ / اصغر ندیری
تشییع جنازه‌ی یا شکوه ۲۱ / غلامرضا نجفی
نامه‌نگاری‌ها در شهرت اول ۲۲ / مریم جودکی
آدم فضایی... (گفت و گو) ۲۴ / مژگان سلطانی
بازی با ما می‌توانیم... جدول جمع و تفریق ۲۷ / فاطمه اسفندیاری
فناوری ما می‌توانیم... جدول جمع و تفریق ۲۷ / محمود پیچویی
استفاده از لای غلط‌گیر ممنوع! ۳۱ / حسین احمدنیا
استفاده از لای غلط‌گیر ممنوع! ۳۱ / صلیقه ابراهیمی
استفاده از لای غلط‌گیر ممنوع! ۳۱ / مریم یلنگی
استفاده از لای غلط‌گیر ممنوع! ۳۱ / محمدرضا دلاوری
استفاده از لای غلط‌گیر ممنوع! ۳۱ / پرستو صلرا
استفاده از لای غلط‌گیر ممنوع! ۳۱ / اصغر ندیری

یک روز شاد با مجلات رشد

گزارشی از جشنواره‌های مدرسه‌ای برای لذت بخش کردن فرایند یاددهی - یادگیری

اصغر ندیری

عکس‌ها: طیبه رحیمی

اشاره

گروه سرود دبستان دخترانه منیره عاصمی (۲) آماده بود تا با حضور مهمانان خود، سرود تمرین شده‌ی جشنواره‌ی «یک روز شاد با مجلات رشد» را اجرا کند. مهمانان تعدادی از کارشناسان و سردبیران مجلات دانش آموزی رشد و مسئولان اداره‌ی آموزش و پرورش منطقه‌ی ۹ تهران بودند.

از آن جا که این فعالیت در قالب نمایشگاه عرضه شده بود و حاصل چندین روز همکاری و هم‌فکری اولیای خانه و مدرسه و دانش‌آموزان، با تکیه بر مطالب، مقالات و فعالیت‌های منعکس شده در مجله‌های دانش‌آموزی رشد بود، بر آن شدیم ضمن ارائه‌ی گزارشی از این فعالیت فرهنگی، گفت‌وگویی هم با چند نفر از افراد دخیل در آن داشته باشیم.

حالا دیگر اعضای گروه سرود شروع به هم‌نوایی کرده بودند و ما در حال گوش سپردن به هنر آنان بودیم. بعد از هنرنمایی بچه‌ها، بهتر دیدیم ابتدا با خانم مهین اشرف واقفی، مدیر دبستان، درباره این طرح و جزئیات آن و سپس با دیگر عوامل صحبت کنیم. آن چه در ادامه می‌آید، انعکاسی چند دقیقه‌ای است از ماجرای جشنواره‌ی یک روز شاد با مجلات رشد.

هم‌زمان با توضیحات خانم مدیر، از بخش‌های گوناگون نمایشگاه نیز دیدن می‌کنیم: فعالیت‌های روستایی و سنتی؛ نشریات، نوشته‌ها و کارهای هنری؛ حیوانات خانگی؛ غذاهای محلی و خوراک‌های سبک یا خاص و عده‌های غذایی هر روز. هم‌چنین، تهیه‌ی ماست و پنیر و انواع



خانم مهین اشرف واقفی، مدیر مدرسه

در راه جشنواره

از خانم واقفی می‌پرسیم که فکر اولیه‌ی راه‌اندازی این جشنواره چه‌طور و از کجا شروع شد و او جواب می‌دهد: «یازده سال است که در این مدرسه مدیریت می‌کنم. از همان سال اول، با هم‌فکری دوستان و همکاران، تصمیم گرفتیم برای تقویت مهارت‌های بچه‌ها و تقویت یادگیری‌های خارج از محتوای کتاب درسی آن‌ها، روزی را هم به مجله‌های رشد اختصاص دهیم. به این صورت، آن‌ها با مطالعه انس بیشتری می‌گیرند و آموخته‌های خود را کامل‌تر می‌کنند.»



شروع با فعالیت‌های خاص

دخترها در بهتر برگزار شدن نمایشگاه جنب‌وجوش خاصی دارند. در این بین، بچه‌های پایه‌ی پنجم شور دیگری نشان می‌دهند. به همین دلیل، با یکی از آموزگاران این پایه که خود دوشادوش بقیه در تلاش است، به صحبت می‌نشینیم.

خانم فاطمه دادپیشه با ۲۱ سال سابقه‌ی تدریس و فوق دیپلم آموزش ابتدایی، در پاسخ پرسش ما که چرا بچه‌ها این همه شور و شوق دارند، می‌گوید: «این بچه‌ها از بدو ورود به این دبستان، با فعالیت‌های خاص و هدف‌داری روبه‌رو می‌شوند. در این جشنواره هم، همه‌ی آن‌ها شرکت دارند. به‌ویژه با پایه پنجمی‌ها فعالیت‌هایی در زمینه‌ی نوشتن و توسعه‌ی سواد خواندن از طریق مطالعه‌ی مجلات رشد انجام داده‌ایم که نتیجه‌اش در نمایشگاه به‌صورت کتاب، جزوه و آثار دانش‌آموزان به چشم می‌خورد.

آن‌ها حتی با معلم‌های خود مصاحبه کرده و عکس گرفته‌اند. مطالبی در کارهایشان دیده می‌شود که قبلاً با این کیفیت منعکس نشده بود. رعایت نکات ایمنی، عکس و شکار لحظه‌ها، گزارش تصویری از برگزاری مانور مقابله با آتار زلزله، از دیگر موارد قابل توجه است.»

بسیار خب! ما که خیلی چیزها دیدیم و یاد گرفتیم، اما خانم دادپیشه با



خانم فاطمه دادپیشه، آموزگار

دیگر خوراک با رنگ و لعاب فراوان که چشم‌ها را می‌نوازد و ذائقه‌ها را تحریک می‌کند. برای همین، از خانم واقفی می‌پرسیم: «مواد و اقلامی که در این جشنواره و نمایشگاه وجود دارد، به چه صورت تهیه شده است؟» وی می‌گوید: «بخش‌هایی توسط بچه‌ها و با کمک مادران، در خانه‌های دانش‌آموزان انجام شده است؛ مانند تهیه‌ی غذاهایی که در مجلات رشد معرفی شده‌اند و دلیل آن این است که به دلیل دو نوبته بودن دبستان، امکان آماده‌سازی در محل مدرسه را نداشتیم. اما تزئین برخی از غذاها و آماده کردن بخشی از آن‌ها، با همکاری اولیای بچه‌ها و در محل مدرسه انجام شده است.»

معاون آموزشی، این بار بدون سوت!

شاید فکر کنید معاون آموزشی مدرسه، نمی‌تواند نقش چندان‌ی در این‌گونه فعالیت‌ها داشته باشند، اما چنین نیست و این ناشی از همان دیدگاهی است که معاون را صرفاً ناظم مدرسه به‌شمار می‌آوریم. خانم خلیلی، معاون مدرسه، درباره‌ی این جشنواره می‌گوید: «از چند هفته قبل، برنامه‌ریزی جشنواره را آغاز و در جلسه‌ای تقسیم وظایف کردیم. همه نظر دادند و قرار شد هر پایه، مسئولیت یک غرفه را به‌عهده بگیرد. مثلاً در یکی از غرفه‌ها، صبحانه‌ی سالم به نمایش گذاشته شده است. چون بچه‌های پایه‌ی اول تازه به مدرسه پا گذاشته‌اند و غالباً علاقه‌ای به صرف صبحانه ندارند، با هدف علاقه‌مند ساختن و آشنایی آن‌ها با یک وعده غذای سالم خانگی با الهام از مطالب مجلات رشد، غرفه‌ی تغذیه‌ی مناسب را راه انداخته‌ایم.»

توضیحات خانم خلیلی جالب توجه است. به‌تدریج با ایشان به غرفه‌ی پایه‌های دوم و سوم می‌رسیم. وی می‌افزاید: «پایه دومی‌ها تجربیات و آزمایش‌های ساده را انجام می‌دهند. بچه‌های پایه‌ی سوم هم بخش هنرمندان کوچک و مجلات را ساخته و نوشته‌اند. حتی نام‌گذاری غرفه‌ها نیز با نظر بچه‌ها بوده است. در این حرکت، آموزگاران نقش هدایت‌کننده‌ی بسیار خوبی داشته‌اند.»

برای ما جالب است بدانیم که بچه‌ها چه‌طور از غرفه‌ها بازدید می‌کنند. خلیلی می‌گوید: «زمانی در طول روز تعیین شده است تا بچه‌ها به‌صورت پایه‌ای از نتیجه‌ی کارهای خود و دیگران دیدن کنند.»



روحیه‌ی ورزشکاری خود، یک روش تشویقی ویژه هم در آستین دارد. وی می‌گوید: «به ورزش علاقه دارم. اگر بچه‌ها فعالیت‌های کلاسی و فوق برنامه‌ی خوبی از خود نشان دهند، برای تشویق و ایجاد انگیزه‌ی بیشتر، بلافاصله آن‌ها را به حیاط مدرسه می‌برم و می‌گویم حالا ورزش می‌کنیم. به این صورت، محیط شادی فراهم می‌شود، چرا که هم فرایند یادگیری تثبیت می‌شود و هم در روحیه‌ی بچه‌ها اثر مثبت ایجاد می‌کنیم. الان بهترین خاطره‌های بچه‌ها، درباره‌ی همین فعالیت‌هایی است که اشاره کردم.»

در پایان گشت و گذارمان در مدرسه، باری دیگر از مدیر دبستان و به‌منظور جمع‌بندی نتایج به‌دست آمده از این جشنواره، سؤال می‌کنیم. او با اشاره به آثار بچه‌ها و تلاش همکارانش می‌گوید: «مبنای کار ما توجه به مجلات رشد کودک، نوآموز و دانش آموز است. این مجلات اساس کارهای فوق برنامه و پرورشی ماست و همواره مسابقه‌ها و مطالب جدید را از محتوای آن‌ها، استخراج می‌کنیم. نوع مسابقات کوتاه است وقتی گاهی خود بچه‌ها سؤالاتی را از متن مجلات طرح می‌کنند. همه‌ی همکاران نیز مجلات مورد علاقه‌ی خود را مشترک هستند.»

به این ترتیب، ما در مورد دانش‌آموزان، به اهداف بسیاری رسیده‌ایم و با استفاده از مطالب متنوع مجلات، از پیش دبستان تا پایه‌ی پنجم، قدرت دست‌ورزی، مهارت‌اندوزی و مطالعه، در میان بچه‌ها تقویت می‌شود.

در این مدرسه، ما شاهد همکاری بی‌شائبه‌ی خانواده‌ها در امور آموزشی فرزندانمان بودیم. در واقع، بخش عمده‌ی کارها با حضور و مشارکت مادران انجام شد. بچه‌ها بیش از گذشته یاد گرفتند که با محتوای غیردرسی آشنا شوند و منابع مکتوب، نویسندگان و هنرمندان را از نزدیک بشناسند. آن‌ها می‌توانند انتظارات خود را بیان کنند و این چنین آینده‌شان را بسازند، زیرا قدرت خلاقه‌ی آن‌ها تحریک شده است.»



آن‌ها هم این طوری حضور دارند!

در حین عبور از مقابل غرفه‌ای، دخترانی را می‌بینیم که بسیار کم سن و سال‌تر از دبستانی‌ها به نظر می‌رسند. پوشش آن‌ها نیز اندکی با بچه‌های دیگر تفاوت دارد. کنجکاوی ما را **خانم صباغی**، مربی پیش دبستانی مدرسه، با توضیحات خود پاسخ می‌دهد: «بچه‌های پیش دبستان، چون در این سن نوشتن را بلد نیستند،

با رنگ کردن و ساخت وسایل ساده‌ای که در مجله‌های رشد معرفی شده‌اند، مهارت‌های دست‌ورزی و رنگ‌آمیزی خود را افزایش می‌دهند. بنابراین، بخشی از نمایشگاه را هم به کارهای آن‌ها تخصیص داده‌ایم و از خودشان چند نفری را به همکاری گرفته‌ایم تا به تدریج توانایی‌هایشان تقویت شود.»

فعال، درست مثل یک معلم رسمی!

در حال بازدید از غرفه‌ها، خانمی را دیدیم که بسیار فعال است و در عین حال، صمیمیت و رفتار تربیتی بسیار مناسبی دارد. فکر کردیم حتماً یکی از معلمان رسمی مدرسه است که این چنین فعال است. اما خودش گفت: «من مادر یکی از دانش‌آموزان هستیم.»

وی در پاسخ به پرسش ما، مبنی بر این که چگونه به این قبیل فعالیت‌ها علاقه‌مند شده است، گفت: «می‌دانم که این فعالیت‌ها نتیجه‌های آموزشی و تربیتی خوبی دارد و البته کادر آموزشی هم به تنهایی نمی‌توانند از عهده‌ی انجام همه‌ی آن‌ها برآیند. بنابراین، لازم دیده‌ام با صلاحیت مدیر مدرسه و بر این اساس که به خانواده‌ها بسیار بهما می‌دهند، در برپایی این حرکت‌ها و فعالیت‌های لذت‌بخش مشارکت کنم. مادران بسیاری در این طرح دستیار اجرایی مدرسه شده‌اند و اگر پیشنهادی داده‌اند، حتماً اعمال شده است.»

غلامرضا نجفی

کارشناس آموزش ابتدایی، منطقه‌ی دستگردان طبرس

سال‌ها پیش در مجله‌ی رشد آموزش ابتدایی، تجربه‌ی یکی از معلمان سایر کشورها را خواندم که برایم بسیار جالب بود. این آموزگار با تأکید بر خودباوری دانش‌آموزان و تقویت روحیه‌ی توانستن، از شاگردان خود می‌خواست جملاتی را که بار منفی دارند و بر نتوانستن‌ها تأکید می‌کنند، بنویسند. سپس آن جمله‌ها را جمع می‌کرد و همراه با بچه‌ها در تابوتی در گوشه‌ی حیاط مدرسه دفن می‌کردند. آن‌ها با همدیگر می‌گفتند نمی‌توانم و نمی‌توانیم مُرد و اکنون از همین ابتدای سال تحصیلی، فقط می‌توانم و می‌توانیم‌ها در کلاس ما زنده‌اند و جولان می‌دهند.



از این تجربه‌ی خوب الگو گرفتم و اول سال تحصیلی (پنجم مهرماه) پس از توجیه بچه‌ها و آمادگی‌های روحی لازم و به کمک خود آن‌ها، تشییع جنازه‌ی نمادین «نمی‌توانم» را در مراسمی با عنوان «نمی‌توانم مرد» به اجرا گذاشتیم.

به همین خاطر، ماکت و تابوت نمی‌توانیم را آماده کردیم. بچه‌ها را توجیه کردم که «نمی‌توانیم» دشمن و همیشه مانع پیشرفت ما هست و خواهد بود، به همین جهت او را دفن می‌کنیم. سپس همراه دانش‌آموزان، با شور و شغف فراوان، نمی‌توانیم را تشییع و در باغچه‌ی آموزشگاه به خاک سپردیم.



پس از اجرای مراسم، به بچه‌ها گفتم هر مطلبی را که در رابطه با تنفر و بیزاری از «نمی‌توانیم» به فکرتان می‌رسد، بنویسید تا بهترین جملات را انتخاب کنیم و پس از دادن جایزه، به اسم خودتان در کلاس نصب کنیم. همه‌ی دانش‌آموزان با شور و علاقه در این مسابقه شرکت کردند و بنا به خلاقیتشان، جمله‌های زیبا و پرمعنایی در این خصوص نوشتند؛ جملاتی مثل:

- ما بیزاری خود را از نمی‌توانیم اعلام می‌داریم.
- نمی‌توانیم را برای همیشه دفن می‌کنیم.
- نمی‌توانیم مُرد و می‌توانیم متولد شد.
- نمی‌توانیم دشمن ما بود و ما از فوت او خوش‌حالیم.

- نمی‌توانیم مانع پیشرفت انسان‌هاست.

- نمی‌توانیم حق ورود به مدرسه‌ی ما را ندارد.

- نمی‌توانیم رفیق دانش‌آموزان تنبل است.

- و ...

از آن روز به بعد، به زبان آوردن کلمه‌ی نمی‌توانیم در آموزشگاه ما ممنوع اعلام شد.



پی‌نوشت

۱. در کتاب فارسی جدیدالتألیف سال اول راهنمایی تحصیلی هم از این مطلب استفاده شده است. (دفتر مجله)

نامه‌نگاری در کلاس درس

مریم جودکی

مدیر دبستان شهید فیاض بخش، بروجرد



آدم فضایی‌ها در کلاس اول

مژگان سلطانی

آموزگار دبستان زمزم، ناحیه ۴ تبریز



سال‌ها تدریس در پایه‌ی اول ابتدایی، این باور را در من ایجاد کرد که بخش و صداکشی کلمات، از آموزش‌های

اساسی به شمار می‌آید. به همین دلیل کوشیدم راه‌های متنوعی را برای

ایجاد علاقه و جذابیت بیشتر مطلب به کار گیرم. یکی از این راه‌ها که

نتایج خوبی هم در برداشت، استفاده از تصویری خیالی بود. این

تصویر شامل یک سر برای نوشتن کلمه‌ی مورد نظر، چند شاخه‌ی

متصل به سر اصلی، به تعداد بخش‌های کلمه و چند شاخه‌ی منشعب

از هر بخش، به تعداد صداها‌ی هر بخش، بود. تخیل بچه‌ها، تصویر

مورد نظر را به «آدم فضایی» تشبیه کرد و این اسم هم توسط خود آن‌ها

پیشنهاد شد. آدم فضایی‌هایی می‌کشیدند که یک سر داشت. بعد کلمه‌ی

مورد نظر را در آن می‌نوشتند. این آدم فضایی چند دست داشت که در

هر کدام، یک بخش از کلمه نوشته می‌شد و از هر دست هم چندین

انگشت کشیده می‌شد که روی آن‌ها صداها‌ی آن بخش را می‌نوشتند.

این اشتیاق آن قدر در یادگیری آن‌ها تأثیرگذار بود که کلمات خارج از

کتاب درسی را هم انتخاب می‌کردند تا با استفاده از تصاویر خیالی خود، بخش

و صداکشی کنند.

خواندن و نوشتن نامه از دیرباز یکی از لذت‌بخش‌ترین کارها بوده است. با نامه حرف دل‌مان را می‌زنیم. با نامه برای گفتن و شنیدن راحت‌تریم. نامه‌های را که از عزیزانمان دریافت می‌کنیم، بارها و بارها می‌خوانیم و گاه تا مدت‌ها آن‌ها را نگه می‌داریم. اگرچه الان نوشتن نامه، با توجه به گسترش رایانامه و پیامک، دیگر رونق گذشته‌ی خود را ندارد، ولی حس خوب نامه نوشتن و لذت زیبایی نامه خواندن در ما از بین نرفته است.

با در نظر گرفتن این نکته، پس از آن که آموزش الفبا تقریباً به انتها رسید و به اواخر سال تحصیلی نزدیک شدیم، از آموزگار پایه اول خواستیم، از بچه‌ها بخواهد سوالات و درخواست‌های خود را از معلم، هر چند وقت یک‌بار در نامه‌ای بنویسند و او نیز پاسخ بچه‌ها را به شکل نامه بدهد. بعدها با هماهنگی‌هایی که به عمل آوردیم، انجام این کار را بین اولیا نیز توصیه کردیم.

نتیجه‌ی کار در دوره‌ی کوتاه‌مدت آزمایشی بسیار خوب بود. از این‌رو، انجام آن‌را به‌طوری که از لذت و زیبایی کار کاسته نشود، ادامه دادیم. بچه‌ها خیلی دوست داشتند بدانند آموزگارشان برای آن‌ها چه نوشته است. البته آموزگار محترم مطالب را طوری می‌نوشت که دانش‌آموزان به راحتی نامه‌ها را می‌خواندند و به خوبی قادر به دادن جواب بودند. اولیا هم از این کار راضی بودند و اظهار می‌کردند که فرزندان آن‌ها تمایل زیادی به نوشتن و یادگیری حروف و کلمات از خود نشان می‌دهند و نامه‌نگاری و نامه‌خوانی روشی شده است برای گسترش دامنه‌ی لغات بچه‌ها و دقت به چگونگی نگارش املا‌ی درست کلمات. هم‌چنین، بنا به اظهار والدین، بچه‌ها با ذوق و شوق تمام، نامه‌های معلم‌ان خودشان را نگه می‌دارند و هر چند مدت یک‌بار آن‌ها را می‌خوانند. به نظر می‌رسد، این روش با سادگی غیرقابل‌تصور که در اجرای آن به چشم می‌خورد، قابلیت تغییر و اجرا در تمامی مدرسه‌های کشورمان را داشته باشد.

بازی نام و شهرت

ابتکاری ساده برای توسعه‌ی سوادخواندن

فاطمه اسفندیاری

آموزگار پایه‌ی اول دبستان حافظ، بابلسر

این بازی بسیار لذت‌بخش و هیجان‌انگیز است؛ به‌ویژه اگر با امتیاز همراه باشد و به صورت گروهی برگزار شود. از این رو می‌کوشم برخی مواقع ده دقیقه‌ی پایانی کلاس را به این بازی اختصاص دهم. دانش‌آموزان پایه‌ی اول، تقریباً از نیمه‌های سال تحصیلی، با توجه به نشانه‌هایی که یاد گرفته‌اند، می‌توانند به‌صورت انفرادی یا گروهی، ستون‌های مربوطه را پر کنند. در پایان وقت تعیین شده، نوشته‌ها توسط دانش‌آموزان قرائت و امتیازهای مربوط لحاظ می‌شود. در نهایت، گروه‌های برتر با کارت امتیاز مورد تشویق قرار می‌گیرند.

هدف از این بازی، تقویت خواندن و نوشتن بر مبنای راه‌کارهای توصیه شده در توسعه‌ی سواد خواندن، تقویت حس همکاری، ایجاد رقابت گروهی سالم، نگاه دقیق‌تر به محیط اطراف و توجه به نام و شهرت دوستان و فامیل است. با این بازی، من توانستم بچه‌ها را در خواندن و نوشتن بهتر و خوانش سریع‌تر کتاب‌های داستانی مفید، یاری دهم.



تصویرگر: ندا عظیمی

نام	میوه	شهرت	رنگ	میوه	غذا	هیوان	امتیاز

فناوری مامی توانیم...

اشاره

آقای مدیر گفت: «همکاران ما چنان به کارها و ابتکارهای آقای عزیزی جلب شده‌اند که گاه می‌نشینند و با میز نور ساخته‌ی او بازی حسن عزیزی، آموزگار دبستان عمار در منطقه‌ی ۱۸ تهران، ۱۷ سال سابقه دارد. کاردان رشته‌ی آموزش ابتدایی است و در پایه‌ی از همین جا و با همراهی مدیر دبستان، گفت‌وگو را با او آغاز کردیم.

به نظرم فعالیت‌هایی که از طریق بازی صورت گیرد، جذاب‌تر است. همان‌طور که می‌بینید، هر میز به تابلویی

سوره‌های جزء ۳۰ قرآن کریم را با استفاده از دستگاه پخش و گیرنده‌ی تلویزیونی کلاس، پخش می‌کنیم و بچه‌ها هم خوانی می‌کنند. بعد هم به سایر فعالیت‌ها می‌رسیم.

اگر بخواهم فهرستوار از طرح‌هایی نام ببرم، فهرست مسئولیت‌ها، ثبت نمره در دفتر نمره توسط دانش‌آموزان، داستان‌نویسی و تبدیل به کتاب یا حتی فروش کتاب‌ها، نخ آموزشی، استفاده از تلفن همراه، رایانه و چندین مورد دیگر است که در فرایند یاددهی - یادگیری از آن‌ها استفاده می‌کنم.

○ **گویا تعداد این فعالیت‌ها بسیار و متنوع است. به نظر خودتان جذاب‌ترین آن‌ها کدام است؟**

○ **آقای عزیزی! از چگونگی آموزش خط تحریری در کلاستان بگویید.**

آموزش خط تحریری در زنگ هنر و توسط یک یا دو کارشناس این رشته انجام می‌شود. آموزگاری که خودش خوب نمی‌نویسد، نمی‌تواند آموزش خط بدهد. بنابراین، این تصمیم با موافقت آقای مدیر و انجمن مدرسه گرفته شد. این موضوع در سایر درس‌ها هم قابل انجام است، اما امسال تنها برای خط تحریری و کلاس من برنامه‌ریزی شده است.

○ **همه از ابتکارات و فعالیت‌های شما سخن می‌گویند. شمه‌ای از آن‌ها را بگویید.**

البته باید بگویم، با رشد روزافزون علم و پیشرفت فناوری اطلاعات و تکنولوژی، دیر یا زود روش‌های سنتی آموزش به فراموشی سپرده خواهند شد. با ظهور ابزارهایی مانند رایانه و تلفن همراه و وجود شبکه‌ی جهانی ارتباطات، بر آن شدم تا این ابزارها را به خدمت بگیریم. اما پیش از هر فعالیتی، این شعار را در کلاس زمزمه می‌کنیم که «ما می‌توانیم». به این ترتیب، سیگنال خاصی در ذهن‌ها ایجاد می‌شود تا دانش‌آموزان به باور توانایی برسند. پس از آن، ابتدای هر جلسه، دقایقی آیاتی از

سخن

● حسن عزیزی
شهرستان آوج از استان
آن را تا حد امکان رفع کرد
اگر پیشنهاد شود که به این
می‌گوید: «نه. من بچه‌ها را
این وسایل و رایانه هم
مدیر و افراد خیر خریداریم.
دو میلیون تومان، هزینه‌ی
همکاری اولیا و پذیرش

آموزگاری که خودش خوب نمی‌نویسد، نمی‌تواند آموزش خط بدهد

آموزش ابتدایی

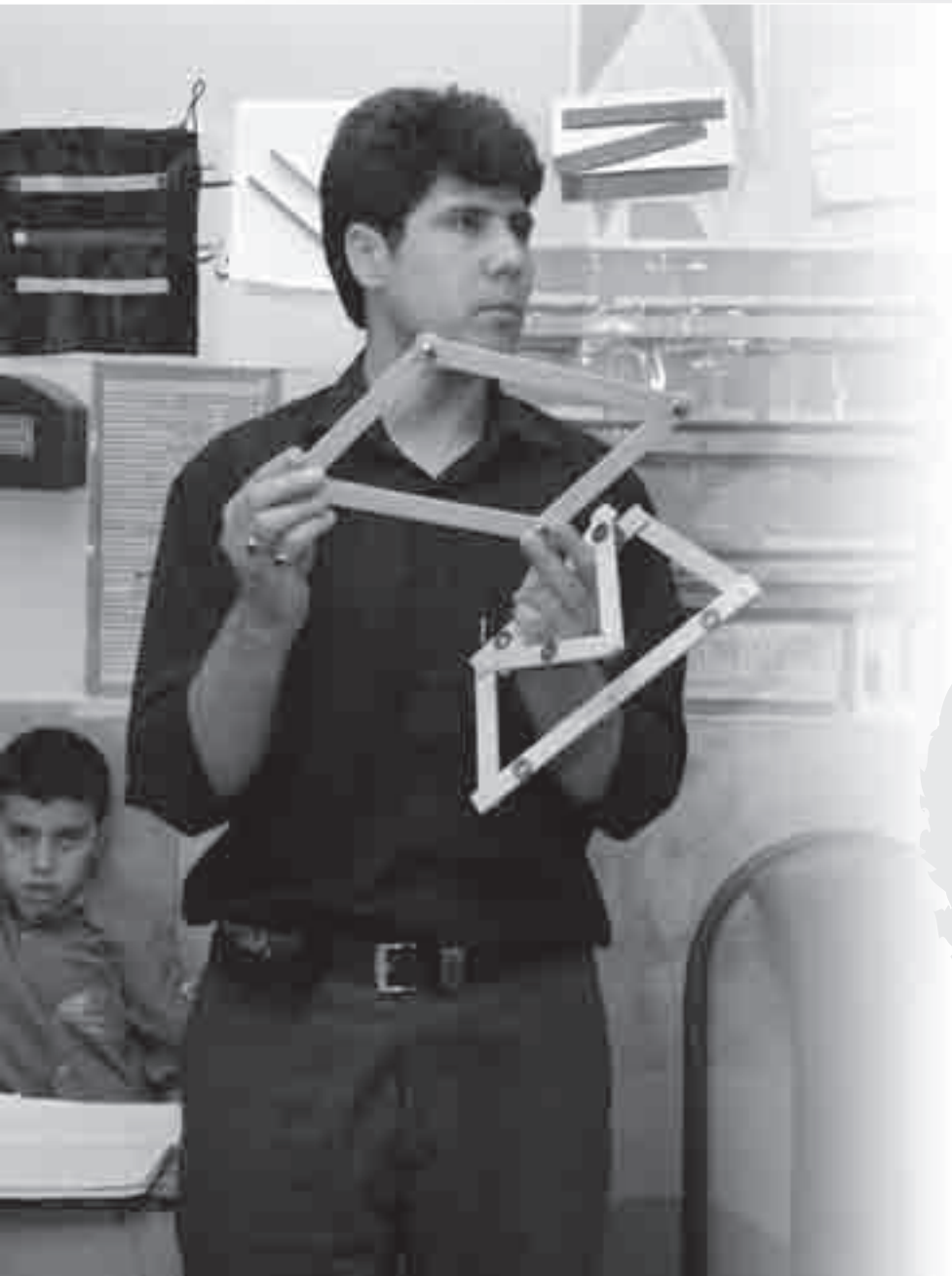
۲۴

شماره ۱۴۱
مهر ۸۹



گفت و گو: محمود یحیوی
عکس: رضا بهرامی

می کنند. کلاس او آن قدر شاد و فعال است که بچه ها پس از ساعت مدرسه هم دوست دارند در آن بمانند.»
چهارم تدریس می کند. اولین بار که به کلاس وی رفتیم، دو نفر از اولیا را مشغول آموزش خط تحریری به دانش آموزان دیدیم. بنابراین،



الکتریکی مجهز است که دارای صفحات قابل تعویض جدول ضرب، مرکز استان ها و کشورها، معنی لغات فارسی و انگلیسی و لغات قرآنی است. دانش آموزان حتی پیش از ورود آموزگار، می توانند با آن ها بازی و در واقع تمرین کنند. چون تابلو با برق ۱۲ ولت کار می کند، بی خطر است.

طرح جالب دیگری دارم که نزدیک به مرحله ی انجام است. در این طرح، بچه ها گوشی های موبایل ارزان قیمت تهیه می کنند

ت است، اما باید انجام داد

بازی طرح اصلی خود را در سال ۱۳۷۹ اولین بار در تان قزوین اجرا کرده است. از نتیجه اش راضی بوده و نواقص کرده است. می گوید، بسیار انگیزه ایجاد می کند. به او می گوئیم داره یا کاری غیر از آموزش در مدرسه دعوت شود، می پذیرد؟ او خیلی دوست دارم.»

که می بینید، اهدایی است. تلویزیون ال سی دی را هم با مساعدت تجهیز کلاس سخت است، اما باید به آن سمت رفت. امروزه چندانی نیست. می خواهم استعدادیابی کنم. در این راه، بقیه ی همکاران مهم است.



خانم میرزایی، آموزگار پایه‌ی پنجم

را می‌نویسد، برای آن نقاشی و جلدسازی می‌کند و بعد از قیمت‌گذاری خود بچه‌ها، آن را در مدرسه به معرض فروش می‌گذاریم. موضوع داستان هم از یک کلمه یا جمله شروع و به انشا یا داستان تبدیل می‌شود.

با مدیر و آموزگاران دیگر

مدیر این دبستان آقای رحیم خان محمدی فلاح است که ۲۲ سال سابقه‌ی کار دارد. او می‌گوید: «معمولاً وقتی از کلاس آقای عزیزی بازدید می‌کنم،

او را علاقه‌مند و پر جنب‌وجوش می‌بینم. او خوش‌فکر است. حتی دانش‌آموزی که قبلاً به درس و مدرسه علاقه‌ای نداشت، الان جذب این کلاس شده و فعال است. رمز موفقیت این کلاس، احساس آرامش کودک است و این‌که آموزش همراه بازی صورت می‌گیرد.»

از آقای مدیر می‌پرسیم: آیا کلاس موفق‌ی دارید که با شیوه‌های دیگر یا به عبارتی «سنتی» اداره شود و در آن هم شاهد نوآوری آموزشی باشیم؟ وی کلاس خانم **معصومه میرزایی**، آموزگار پایه‌ی پنجم با ۲۰ سال سابقه را معرفی می‌کند. از میرزایی می‌پرسیم، شما امسال چه روشی را در کلاس به اجرا گذاشته‌اید؟ می‌گوید: «من هم با استفاده از درس هنر و در واقع تلفیق درس‌ها، امر آموزش را ممکن می‌سازم. مثلاً برای درک حجمی مانند مکعب، بچه‌ها شکل آن را می‌سازند. پس از درک و تجسم فضایی و واقعی مفهوم، به سراغ کتاب می‌روم و درس

برای درک حجمی مانند مکعب، بچه‌ها شکل آن را می‌سازند. پس از درک و تجسم فضایی و واقعی مفهوم، به سراغ کتاب می‌روم و درس را می‌دهم

و می‌توانند با سیم‌کارتی که ویژه‌ی ارسال پیامک است، در زمان خاصی که تعیین می‌شود، پیام‌های درسی را دریافت و یا ارسال کنند

در حال حاضر با گوشی خودم متن‌هایی را آماده می‌کنم و با استفاده از افکت‌های صوتی یا طرح، آن‌ها را به صفحه‌ی نمایشگر کلاس می‌فرستم. با توجه به این‌که هر درس پوشه‌ای دارد، سؤال‌ها به جاهای مربوطه می‌روند. با این روش سؤال و جواب کلاسی، به فعالیت دیگری نیز می‌رسیم. یکی از مسئولیت‌های بچه‌ها قضاوت درباره‌ی درستی یا نادرستی پاسخ دوستانشان است. در اثر این کار گروهی، اگر نمره‌ای تعیین شود بچه‌ها اعلام و در محل مخصوص ثبت می‌کنند.

منظور شما از نخ آموزشی چیست؟

دانش‌آموزان در خانه درس‌ها را به‌صورتی قابل ارائه، روی کاغذ یا مقوا انجام می‌دهند. سپس حاصل را به کلاس می‌آورند و از این نخ‌ها می‌آویزند. مثلاً در مورد خط موازی، با نشان دادن خط روی سطح و معرفی فضایی آن، از مفهوم سطح به عمق وارد و با مفاهیم فیزیک آشناتر می‌شوند.

بچه‌ها در کدام‌یک از فعالیت‌های دیگر همکاری بیشتری دارند؟

کار با رایانه و استفاده از برنامه‌ی پاورپوینت را دوست دارند، اما داستان‌نویسی و فروش آثار، از بخش‌هایی است که بسیار به آن علاقه نشان می‌دهند. هر دانش‌آموزی که داستانی را

شلوغ یا بی‌نظم؟

● به این فکر می‌کنیم که اگر به‌عنوان داور از آقای مدیر بپرسیم کدام کلاس موفق‌تر است، وی چه خواهد گفت. می‌پرسیم و او می‌گوید: «کلاس آقای عزیزی فعال و شاد است، ولی نقدی بر کلاس او وارد شده است. معمولاً می‌گویند کلاس وی شلوغ و پر از وسایل جنبی است؛ چنان‌که به اعتراف خودش، وقت کم می‌آورد.»

در پایان، از همه خداحافظی می‌کنیم و به حیاط مدرسه می‌آییم. صحبت‌هایی از اطراف می‌شنویم. صدایی می‌گوید: «خوب است یکی از این‌ال‌سی‌دی‌ها را در حیاط بگذاریم.» .. دیگر فرصتی نیست که بقیه‌ی حرف‌ها را بشنویم. اما هم‌چنان در این فکرم که کدام شیوه در آینده جای پای خود را محکم‌تر می‌کند و منظور گوینده از نصب ال‌سی‌دی در حیاط مدرسه چیست؟



جدول جمع و تفریق

حسین احمد نیا
آموزگار دبستان شهید مدرس، مهولات خراسان رضوی

+	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹
۰	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰
۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱
۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲
۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳
۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴
۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶
۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷
۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸

جدول ساده‌ای به شکل مقابل ترسیم می‌کنم و آن را در اختیار دانش‌آموزانم قرار می‌دهم یا به شکل تابلویی مقوایی در دیوار کلاس نصب می‌کنم. با این جدول ساده، به راحتی می‌توانیم حاصل جمع و تفریق اعداد صفر تا ۹ را به دست آوریم.

الف) جمع: حاصل جمع هر یک از اعداد ردیف اول افقی با هر یک از اعداد ستون سمت چپ جدول، در خانه‌ی مشترک همان ردیف و ستون آمده است (۹ + ۴ = ۱۳).

ب) تفریق: هر یک از اعداد داخل جدول با عامل جمع خودش قابل تفریق است. (۹ - ۴ = ۵ و ۹ - ۵ = ۴)

نکته: این جدول برای ماه‌های آخر سال تحصیلی در پایه‌ی دوم و ماه‌های اول در پایه‌ی سوم ابتدایی مناسب است.

حرف راست!

صدیقه ابراهیمی

مری بهداشت، شهرستان بوانات استان فارس

دوازده سال است که در مقام مربی بهداشت مشغول خدمت هستیم. در این مدت، دفترچه‌ی خاطرات ذهنم پر شده است از خاطرات تلخ و شیرین. یکی از این خاطره‌های شیرین و به یاد ماندنی، روزی بود که می‌خواستم بهداشت دهان و دندان و نحوه‌ی صحیح مسواک زدن را به دانش‌آموزان پایه‌ی دوم ابتدایی آموزش دهم. معمولاً در این گونه مواقع، ماکت دندان را با خود به کلاس می‌برم تا بچه‌ها بیشتر توجه کنند و بهتر یاد بگیرند.

وارد کلاس که شدم، بچه‌ها شروع کردند به پیچ‌پیچ. از دیدن دندانی به این بزرگی تعجب کرده بودند. بعد از سلام و احوال‌پرسی، ماکت دندان را نشان دادم و گفتم: «بچه‌ها ببینید این دندون‌ها چه قدر سفید و زیباست! کسی می‌تونه علتش رو بگه؟!»

اکثر بچه‌ها دست بالا کردند که جواب بدهند. هر کس چیزی می‌گفت. حسین گفت: «اجازه خانم! چون مسواک زده.»

رضا گفت: «اجازه! چون قند و شیرینی نخورده.»

دیگری گفت: «اجازه، چون شیر خورده.»

خلاصه این که هر کس بلند می‌شد، جوابی می‌داد و می‌نشست. من و بقیه هم آن‌ها را تشویق می‌کردیم. نوبت به علی رسید. با آن جنه‌ی کوچولو و چشمان سبزش که توجه هر تازه‌واردی را به خود جلب می‌کرد، از جا بلند شد و با حالت نوک زبانی گفت: «اجازه خانوم، چون این دندون پلاستیکیه.»

بی‌اختیار خنده‌ام گرفت. بچه‌ها هم شروع کردند به خندیدن. با خودم گفتم: از قدیم گفته‌اند حرف راست را از بچه بشنو!



تصویرگر: ناله فیضیایی

خموشی انتخابی

بررسی یک اختلال کلامی در کودکان دبستانی

دکتر رحیم بدری، رحیمه فتحی، مریم پلنگی

استادیار گروه علوم تربیتی و دانشجویان علوم تربیتی دانشگاه تبریز

اشاره

خموشی انتخابی اختلالی است که متوسط سن شروع آن ۵ تا ۷ سالگی است، اما در بیشتر موارد هنگام ورود به مدرسه تشخیص داده می‌شود. در این اختلال، در موقعیتی که از کودک انتظار سخن گفتن می‌رود، او از تکلم امتناع می‌ورزد. در سال‌های اولیه تشخیص اختلال، از آن با عنوان **لالی انتخابی** یاد می‌شد، اما در مطالعات و تجدیدنظرهای بعدی، نام آن به **خموشی انتخابی** تغییر یافت. در این مقاله که از دانشکده علوم تربیتی دانشگاه تبریز دریافت کرده‌ایم، ابعاد گوناگون اختلال خموشی انتخابی و روش‌های اصلاح و درمان آن بررسی می‌شود. مقاله به شکل خلاصه به چاپ می‌رسد.

تعریف و علائم

ناتوان است؛ با وجود آن که کودک در موقعیت‌های دیگر حرف می‌زند. (ب) این اختلال، در پیشرفت تحصیلی یا موقعیت حرفه‌ای و یا ارتباط اجتماعی اثر می‌گذارد. (ج) مدت اختلال دست کم یک‌ماه است (به ماه ورود به مدرسه محدود نمی‌شود). (د) ناتوانی در حرف زدن، از فقدان معلومات یا نداشتن تسلط کافی بر زبان گفتاری (در حدی که برای موقعیت اجتماعی که در آن بروز می‌کند، لازم است) ناشی نمی‌شود. (ه) اختلال بر اساس وجود یک اختلال ارتباطی دیگر (لکنت زبان) تبیین نمی‌شود و تنها در جریان نوعی اختلال فراگیر تحولی، روان‌گسیختگی یا نوعی اختلال روان‌گسسته‌وار بروز نمی‌کند.

خموشی انتخابی نوعی اختلال منش کودک‌کی است که به وسیله‌ی تداوم شکست در صحبت کردن و موقعیت‌های اجتماعی خاص مشخص می‌شود [chavira & cohan, 2006]. در چهارمین مجموعه‌ی تشخیصی و آماری آمریکا، این اختلال خموشی به منزله‌ی نوعی بیماری توصیف شده است که معمولاً در خردسالی بروز می‌کند و بر اساس ناتوانی مداوم تکلم در موقعیت‌های خاص مانند مدرسه مشخص می‌شود. اما کودک مبتلا به این اختلال، توانایی سخن گفتن در موقعیت‌های دیگر را از دست نمی‌دهد [به نقل از دادستان، ۱۳۸۵]. در تعریفی دیگر بیان شده است، خموشی انتخابی اختلالی است که در کودکان دیده می‌شود. چنین کودکانی، از صحبت با افراد خاص امتناع می‌ورزند [پور افکار، ۱۳۷۳]. همچنین، خموشی انتخابی عبارت است از درماندگی مداوم در صحبت کردن در موقعیت‌های خاص اجتماعی که انتظار سخن گفتن می‌رود [Bear & Torgerson & cerviston, 2006]. ضوابط تشخیصی خموشی انتخابی بر اساس DSM-IV (۱۹۹۸) شامل موارد زیر می‌شود:

علت‌شناسی، میزان شیوع و سیر اختلال

تبیین خموشی انتخابی بسیار مشکل است. مؤلفان دیدگاه‌های متفاوتی در این قلمرو ارائه کرده‌اند. برخی کودک مبتلا به خموشی را کم‌رو، نایمن و آسیب‌پذیر در برابر شوخی و یا تمسخر توصیف می‌کنند. گروهی دیگر، خموشی را با نوعی بی‌نظمی روان‌آزرده و از نوع هیستریکی یا وسواس، بی‌اختیاری و یا با نوعی اختلال روان‌گسسته‌وار یا پیش‌روان‌گسسته‌وار مرتبط می‌دانند.

(الف) دائم در حرف زدن در موقعیت‌های اجتماعی خاص (موقعیت‌هایی مانند مدرسه که حرف زدن در آن الزامی است)،



روش‌های اصلاح و درمان

با توجه به مطالب گفته شده و اهمیت مداخلات در بهبود این اختلال، به ذکر چند نوع از مداخلات اشاره می‌شود:

فشار زیادی برای صحبت با معلم و نظایر آن روبه‌رو می‌شوند، بروز می‌کند. بنابراین، حتی اگر رفتار خموشی انتخابی قبل از ورود به مدرسه تشخیص داده شود، مدرسه اولین محیطی تشخیص داده شده است که کودک اولین نشانه‌های آسیب‌زای خموشی انتخابی را در آن نشان می‌دهد [Cohan & Chavira, 2006].

در مورد طول دوره‌ی سیر این اختلال، اطلاعات کمی وجود

دارد، اما نتایج حاصل از مطالعه‌ی دقیق‌روان‌درمانی کودکان نشان داد، شخص حتی پس از بهبود موقتی، تجربه‌ی ناراحت‌کننده‌ای در موقعیت‌های صحبت خواهد داشت.

السن و همکاران [به نقل از دادستان، ۱۳۸۵] عقیده دارند، چنین اختلالی در خانواده‌هایی بروز می‌کند که بر اساس روابط دوسوگرایانه‌ی مادر (ملغمه‌ای از وابستگی و خصومت) و فعل‌پذیری و بی‌توجهی پدر مشخص می‌شود.

برخی محققان بر این باورند که این اختلال ممکن است بهترین نشانه از اضطراب باشد که آسیب‌های اساسی و متعددی را منعکس می‌کند.

در برخی خانواده‌های ناپه‌نچار، امتناع از تکلم، روش شناخته‌شده‌ای برای مدارا با کشمکش‌های خانوادگی است. برای مثال، ممکن است کودک در خانواده‌ای بزرگ شود که اعضای آن با وجود زندگی زیر یک سقف و با هم غذا خوردن، سالیان طولانی با هم حرف نزده باشند [پورافکاری، ۱۳۷۳].

به دلیل نبود مطالعات همه‌گیرشناسی از اختلالات دوران کودکی، نمی‌توان تخمین درستی از شیوع این اختلال در نمونه‌ی بزرگ ملی و بین‌المللی به دست داد. خموشی انتخابی، اختلالی نادر است و در کمتر از یک درصد از مراجعه‌کنندگان به مراکز بهداشت روانی مشاهده می‌شود. این اختلال در دختران، اندکی بیشتر از پسران ظاهر می‌شود و سن آغازین آن مخصوصاً قبل از پنج سالگی است و بچه‌های دارای این اختلال، همیشه نشانه‌های آن را قبل از ورود به مدرسه نشان می‌دهند. اما ممکن است تا زمان ورود به مدرسه، مورد توجه بالینی قرار نگیرند.

نتایج دیگر پژوهش‌ها نشان می‌دهد، علائم بیشتر در دوران مدرسه که بچه‌ها با



۱. مداخلات روان‌پوشی (روان تحلیلیگری)

یک نمونه از مطالعات روان تحلیلیگری در مورد کودکان دارای خموشی انتخابی، روشن ساخت که تعارضات درون روانی حل نشده مانند افسردگی و کشمکش، و نیز اختلافات والدین، ترس از غریبه‌ها و اضطراب اختگی، از دلایل این اختلال هستند. با توجه به نتایج این مطالعات، اقداماتی به منظور درمان ارائه شده است. معمولاً برای درمان کودکان بزرگ‌تر دارای خموشی انتخابی، از روان‌کاوی کلاسیک و برای کودکان کوچک‌تر، از بازی درمانی و نقاشی درمانی استفاده می‌شود که در هر دو مورد، باید اصولی را رعایت کرد. [پیشین].

۲. مداخله‌ی آموزش زبان

این برنامه درمانی، آموزش رفتار غیر کلامی، تقلید کلامی، گفت‌وگو و افزایش عملکرد عمومی مهارت زبان کلامی را شامل می‌شود. در این برنامه‌ی آموزشی، ابتدا برقراری ارتباط چشمی با آموزش دهنده و سپس آموزش تقلید کلامی و مهارت گفت‌وگو و پاسخ کلامی اختصاصی، آماده‌سازی بر توانایی کلامی در مدرسه و خانه، تقویت می‌شود. در پایان این برنامه‌ی درمانی، اصلاحات معنی‌داری در همه‌ی رفتارهای کودک ایجاد خواهد شد. سخن گفتن خود به خود کودک در بیرون از جلسات آموزش، موردی است که توسط والدین و معلمان بیان می‌شود. اما میانگین پا برجا ماندن این رفتار کم است [پیشین].

۳. مداخله‌ی رفتاری - شناختی

رویکرد رفتاری عقیده دارد، خموشی انتخابی، برای گریز از اضطراب، به‌دست آوردن توجه دیگران و راه‌های دیگر آموخته می‌شود. در اغلب موارد، دلیل ادامه‌ی این اختلال، رویداد شرطی‌شدن و بی‌توجهی به دلیل اصلی خموشی انتخابی است. مداخلات رفتاری شامل تکنیک‌هایی مانند

سرمشق‌گیری (الگوپذیری)، حذف محرک، حساسیت‌زدایی منظم، مدیریت رویدادها و آموزش مهارت‌های اجتماعی است.

اگرچه برای افزایش زبان کلامی، استفاده از تکنیک و روش شرطی‌سازی و الگوگیری مؤثر است، اما برای درمان این اختلال، به مداخلات دیگری نیز نیاز است. در مداخلات حذف محرک و اداره‌ی رویدادها، به رفتار به صورت سلسله مراتب پاداش داده می‌شود. کودک ابتدا برای صحبت کردن با هم کلاسی، سپس صحبت کردن در خارج از مدرسه و بعد سخن گفتن با گروهی از کودکان و در نهایت سخن گفتن با گروه بزرگ‌تر، پاداش دریافت می‌کند. حذف محرک می‌تواند در موقعیت‌های بیرون از مدرسه نیز اعمال شود. مانند سفارش دادن غذا در رستوران، سخن گفتن با یک نفر و بعد با تعداد زیادی از افراد [پیشین].

حساسیت‌زدایی منظم در درمان کودکان دارای خموشی مزمن مؤثر واقع شده است. حساسیت‌زدایی منظم شامل حفظ آرامش در موقعیت‌های اضطراب‌آوری است که به‌صورت متوالی افزایش می‌یابد [پیشین]. در حساسیت‌زدایی برای درمان خموشی انتخابی، تحقیقاتی در زمینه‌ی ارائه‌ی تمرین رفتارهای پایه به والدین و کودکان صورت گرفته‌اند، از جمله: کنترل اضطراب جسمی از طریق آموزش روش آرام‌ی‌دگی و نفس کشیدن. در محیط‌ها و موقعیت‌های گوناگون، درمانگر برای برقراری ارتباط، از زبان شفاهی به صورت رسا و شیوا استفاده می‌کند.

مثل: ۱. صحبت در خانه با تلفن یا از پشت در؛ ۲. صحبت در دفتر درمانگر و اجازه‌ی بیرون رفتن از جلسه، در صورت سخن گفتن؛ ۳. سفارش غذا در رستوران‌های کوچک و محلی؛ ۴. خواندن داستان‌های کوتاه با صدای بلند در بین هم‌کلاسی‌ها. درمانگر ممکن است از والدین بخواهد یک نوار صوتی یا ویدیویی از سخن گفتن

در خانه، بیاورند. این نوارهای صوتی ممکن است هم برای بلند صحبت کردن و هم برای والدین، شامل تقویت مثبت کودکان برای صحبت در محیط‌های گوناگون، دادن استقلال بیشتر در صحبت‌های عامیانه، و مشورت با مسئولان مدرسه در مورد مشکل اجتماعی و یکی از این راه‌حل‌ها، راه‌حل اقتصادی ژتونی نام دارد. با راهنمایی درمانگر، والدین برای شرایط متفاوت، مدل مناسب رفتاری را که برای درمان این کودکان مناسب است، اتخاذ می‌کنند.

۴. درمان چند مداخله‌ای

نوع دیگر مداخلات که در درمان خموشی انتخابی استفاده می‌شود، رویکرد چند مداخله‌ای است که ترکیبی از روش‌های روان‌پوشی، شناختی، گفتاری و خانواده درمانی برای اصلاح مستقیم خموشی است.

در مفهوم‌سازی چند مداخله‌ای، از تکنیک‌هایی مانند حذف محرک، بازی درمانی، آموزش والدین، و مهارت اجتماعی استفاده می‌شود. نتایج این مداخله، تلاش کودک برای خودکنترلی در موقعیت‌های اضطراب‌آور و دیگر حالات هیجانی است.

پی‌نوشت

۱. راهنمای تشخیصی و آماری اختلال‌های روانی انجمن روانشناسی آمریکا که مرجع معتبری برای تشخیص اختلالات روانی است. این راهنما هر چند سال یک‌بار تجدید نظر می‌شود. در این مقاله، از نسخه پنجم راهنما استفاده شده است.
Diagnostic and Statistical Manual of Mental Disorders (DSM)

منابع

۱. پورافکار، نصرت‌الله (۱۳۷۳). فرهنگ جامع روان‌شناسی و روان‌پزشکی. چاپ نوبهاران. تهران.
۲. دادستان، پریخ (۱۳۸۵). روان‌شناسی مرضی تحولی. جلد سوم (اختلالات زبان). انتشارات سمت تهران.
3. Bear, P. and Torgerson, C. and Cerviston, C. (2008). Increasing verbal behavior of astudent who is selectively mute. Journal of Emotinal and Behavioral Disorders, vol. 16, No.11, pp 248- 255.
4. Cohan , S. Chavira, D. Stein, M. (2006). Psychosocial interventions for children with selective mutism: A critical evaluation of the literature from 1990 -2005. The Journal of Child Psychology and Psychiatry, Vol. 47, No.11, pp 1085- 1097.

استفاده از لاک غلط‌گیر ممنوع!

محمدرضا دلاوری

آموزگار دبستان شهید رجایی، محلات



همکاران محترم!

تا چه اندازه با پیشنهاد آقای دلاوری موافقت می‌کنید؟ آیا در کلاس شما استفاده از لاک غلط‌گیر رواج دارد؟ آیا می‌توان توسعه‌ی خوش‌نویسی دانش‌آموزان را صرفاً با حذف لاک غلط‌گیری نظاره‌گر شد؟ چرا؟

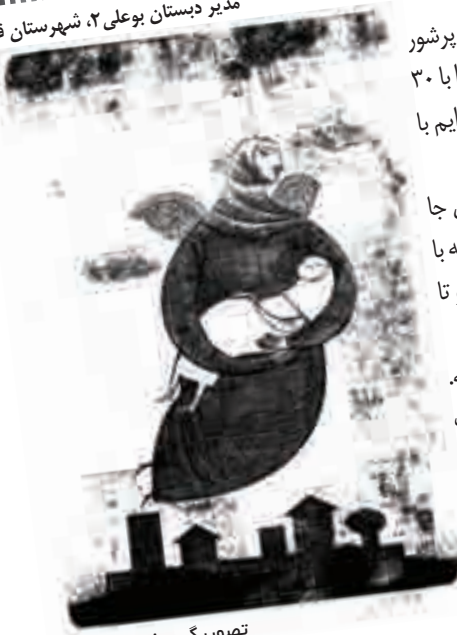
می‌دانیم که نوشتن، کامل‌ترین رکن از ارکان چهارگانه‌ی زبان‌آموزی است، ولی متأسفانه در سال‌های اخیر، در مدرسه‌های ابتدایی، به‌ویژه پایه‌های بالاتر، بعضاً شاهد بی‌توجهی و کم‌اهمیتی نسبت به زیبانویسی در نوشتن هستیم. یکی از دلایل بروز این امر، رواج استفاده از لاک غلط‌گیر در میان دانش‌آموزان است. چون در پایه‌های پایانی دوره‌ی ابتدایی، دانش‌آموزان از خودکار برای نوشتن بهره می‌برند و کاربرد پاک‌کن به حداقل می‌رسد، اکثر بچه‌ها با استفاده از لاک غلط‌گیر، غلط‌های نوشتاری خود را اصلاح می‌کنند. این کار باعث شده است که متأسفانه روز به روز به صحیح‌نویسی کمتر توجه کنند و زیبانویسی رفته رفته به فراموشی سپرده شود.

به‌منظور برطرف کردن این مشکل، با استفاده از تجربه‌ی خودم پیشنهاد می‌کنم، همکاران محترم، به‌ویژه آموزگاران پایه‌های بالاتر، استفاده از لاک غلط‌گیر را ممنوع کنند و به جای آن، به دانش‌آموزان گفته شود اگر کلمه‌ای را غلط نوشتند، با قرار دادن کلمه‌ی غلط در داخل پرانتز، صحیح آن را جلوی کلمه‌ی غلط و در ادامه‌ی جمله بنویسند. این امر به مرور به تمرکز آنان در نوشتن کمک خواهد کرد و باعث خواهد شد اعتمادبه‌نفس دانش‌آموزان در صحیح‌نویسی تقویت شود. آن‌ها از این طریق به تمیز و مرتب نوشتن عادت خواهند کرد و به مرحله‌ی زیبانویسی خواهند رسید.

قربانت بروم خانم جان!

پرستو صدرا

مدیر دبستان بوعلی ۲، شهرستان قروه



تصویرگر: میثم موسوی

دومین سال خدمت بود. در روستای **سوتپه** از توابع شهرستان **قروه** کار می‌کردم. پرشور بودم و سراسر وجودم از علاقه به کودکان موج می‌زد. مرا به پایه‌ی چهارم فرستادند. خودم را با ۳۰ دانش‌آموز دختر و پسر تنها یافته‌ام، اما حس کردم با آن کودکان پاک و معصوم، همه‌چیز برایم با عشق و امید توأم است. خودم نیز همراه آن‌ها می‌آموختم و با آنان زندگی می‌کردم. **لیلا**، دختری ریزنقش، با محبت و صمیمیتی غیرقابل وصف، در نیمکت اول کلاس جا گرفته بود. جثه‌ی کوچکی داشت و همواره بیش از حد خودش را به من نزدیک می‌کرد. همیشه با محبتی عجیب و لحنی غریب صدایم می‌زد: «خانم جان! قربانت بروم...» دائم نگاهم می‌کرد و تا اعماق وجودم پیش می‌رفت. تجربه‌ام کم بود. فولاد در اثر ضربه، به مرور آبدیده می‌شود و من هنوز خام بودم و بی‌تجربه. بارها در کلاس از محبت زیادش نسبت به خودم، اظهار نارضایتی کرده و به او تذکر داده بودم. یک روز که طبق معمول مقنعه‌اش نامرتب بود، به او گفتم: «لیلا! به مادرت بگو مقنعه‌ات را بدوزد.» لیلا هیچ نگفت. سرخ شد، سیاه شد و سرش را به زیر انداخت و من نفهمیدم دلیل سکوتش چه بود؟

زنگ خورد. اندکی که کلاس خلوت شد، دختر دیگرم **پروانه** به کنارم آمد و آرام گفت: «خانم! لیلا مادر ندارد...»

چیزی در دل من شکست؛ بی‌صدا و پردرد: لیلا مادر ندارد. تازه فهمیدم چرا دخترک ناز من، محبت بی‌حد و حصری را از من طلب می‌کند؛ محبت مادر نداشته‌اش را. این‌جا بود که فهمیدم باید آموخته‌هایم را به عمل برسانم و از همان ابتدای سال تحصیلی، دردها، رنج‌ها، خصوصیات و مسائل گوناگون دانش‌آموزانم را بشناسم و این یعنی معلمی و عشق معلمی.

یادگیری از کودکان

اصغر ندیری

روزی مردی غمگین از کنار زمین بازی بچه‌ها می‌گذشت. حتی زیر نور خورشید و گرما، صدای بازی بچه‌ها لحظه‌ای قطع نمی‌شد.

مرد سایه‌بانی می‌جست، در حالی که سایه روشنی دل چسب او را دنبال می‌کرد. از دور دست با دیدن خانه‌ی همسایه، دندان‌هایش را به هم فشرد. زیر لب غرولند کرد: «از او خوشم نمی‌آید. از خود راضی!» هنوز نیم‌نگاهی به زمین بازی داشت و آهسته قدم برمی‌داشت. دو پسر بچه را دید که بر سر تصاحب یک توپ پلاستیکی در کشمکش بودند. مرد هراسان شد. فکر کرد پیشامدی در راه است.

در گامی بعد، دید از جیب یکی از پسرها کلوچه‌ای بر زمین افتاد. یک آن، هر دو خندیدند و با فراموش کردن ماجرای توپ، دوستانه شروع به خوردن بقیه‌ی خوراکی کردند.

مرد با نیم‌نگاهی به جعبه‌ی همراهش گفت: «اگر من بودم، همه‌ی شیرینی‌ها را خودم می‌خوردم.»

لحظه‌ای بعد پای مرد به سنگفرش پیاده‌رو گرفت. در حالی که می‌افتاد، سایه را به یاد آورد؛ همان که در سال‌های دور در حیاط دبستان یا در زمین بازی محله‌شان می‌دوید، با دوستانش جست‌وخیز می‌کرد و بر سر توپ یا سرسره‌بازی، با هم سالانش قهر و سپس آشتی می‌کرد. هوا گرم بود و او دست‌مالی از جیب خود درآورد تا عرق پیشانی‌اش را پاک کند. به یاد آورد که روزگاری ترتیب و آداب نمی‌جست و با دستان کوچکش، سرو صورت را پاک می‌کرد.

حال به در خانه‌ی همسایه رسیده بود. سایه‌ای خنک و نوعی سرخوشی شیرین، او را در خود گرفت. زنگ خانه را دید. دعوی روز قبل با همسایه‌اش را به یاد آورد. اما یاد آن روزها هم افتاد که زنگ می‌زد و بعد فرار. پس از مدت‌ها، تبسمی بر لب‌هایش نشست. دور و برش را نگاه کرد. کسی غیر از آن دو پسر بچه، او را نمی‌دید. جعبه‌ی شیرینی را که خریده بود، کناری گذاشت. از روی حسنی کودکانه، هم‌چون سال‌های بسیار دور، زنگ خانه‌ی همسایه را زد.

کمی هیجان به زندگی‌اش دویده بود... اما راه فرار؟ این بار فرار نکرد. شادمان ایستاد تا مرد همسایه بیاید و پس از رفع کدورت‌ها، چند دانه شیرینی با هم بخورند.

تصویرگر: میثم موسوی

ارزش‌یابی توصیفی و مروری در خاطرات کودکی

معصومه حبیب‌پور

راهنمای اجرای ارزش‌یابی کیفی - توصیفی در کلاس

درس

* مؤلف: دکتر محمد حسنی

* ناشر: عابد (تهران ۶۶۵۶۷۶۲۶/)

نوبت چاپ: هشتم، ۱۳۸۸ / قیمت: ۳۰۰۰ تومان، ۱۷۸ صفحه.



در سال‌های اخیر، دغدغه‌های سیاست‌گذاران نظام آموزشی، از رشد کمی به سوی موضوع مهم‌تر «بهبود کیفیت» گراییده

است. عوامل مؤثر در بهبود کیفیت متنوع‌اند و از اصلاح آموزش‌های ضمن خدمت تا اصلاح برنامه‌های درسی را شامل می‌شوند.

یکی دیگر از عوامل مهم در بهبود یادگیری، ارزش‌یابی تحصیلی از آموخته‌ها و تغییر نگرش‌های دانش‌آموزان در کلاس است. معلم می‌تواند با تغییر در طرز تفکر و روش کار خود در زمینه‌ی ارزش‌یابی تحصیلی، آن را در خدمت بهبود یادگیری دانش‌آموزان قرار دهد.

کتاب راهنمای اجرای ارزش‌یابی توصیفی در کلاس درس، با مقایسه‌ی روش‌های کمی و کیفی ارزش‌یابی می‌گوید: «رویکرد اساسی در ارزش‌یابی کیفی - توصیفی، توجه به ارزش‌یابی تکوینی و کاهش نقش افراطی ارزش‌یابی پایانی در سرنوشت تحصیلی دانش‌آموزان است. یعنی هدفش بهبود یادگیری است، نه اکتفا به تشخیص وضعیت ارتقا یافتن یا ارتقا نیافتن دانش‌آموز. ارزش‌یابی کیفی - توصیفی همراه با آغاز فعالیت‌های یاددهی - یادگیری شروع و در حین این فرایند، اطلاعاتی جمع‌آوری می‌کند که بسته به نیاز معلم و مدرسه تحلیل و تفسیر می‌شود.»

کتاب حاضر با یک مقدمه و پنج بخش، به کلیاتی درباره‌ی ارزش‌یابی تحصیلی، کلیاتی درباره‌ی ارزش‌یابی کیفی - توصیفی، چگونگی اجرای ارزش‌یابی کیفی - توصیفی، و نقد و انتظارات در این ارزش‌یابی می‌پردازد. از نکات جالب توجه در این کتاب، فعالیت‌های پیش‌بینی شده درباره‌ی هر کدام از مباحث است.

روایت روزگار کودکی

* مؤلف: دکتر محی‌الدین بهرام محمدیان
* ناشر: سازمان انجمن اولیا و مربیان، تهران (تلفن ۸۸۹۵۸۱۷۹) / نوبت چاپ: سوم، زمستان ۱۳۸۶ / قیمت: ۷۰۰۰ ریال، ۸۶ صفحه.

«قبل از مدرسه رفتن، خواندن و نوشتن و شمارش اعداد را در خانه آموخته بودم، البته از روی کتاب‌های اکابر آن زمان.»

این جمله ممکن است جزو خاطرات خیلی‌ها باشد، اما انعکاس آن و زبان شیرین در پرداخت خاطره‌ها، عاملی است که به جذابیت و کشش نوشته کمک می‌کند.

نکته‌ی دیگری که در روایت روزگار کودکی دیده می‌شود، الگوی چگونه رفتار کردن پدران، مادران و معلمان با فرزندان و شاگردان است که



نویسنده با مرور آن‌ها، فکر خواننده را به گذشته پیوند می‌زند تا از وقایع روزگار عبرت گیرد و با حال ارتباط ایجاد کند.

دکتر محمدیان،

در حال حاضر رئیس سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی است. او از ابتدای انقلاب اسلامی تا کنون، از آموزگاری در شهر و روستا تا مدیریت در سطح قائم مقامی و معاونت وزارتخانه را تجربه کرده است.

کتاب آموزگار



خورشید خاموش

«آخرین روز زمستان بود. کم‌کم خورشید از پشت کوه‌های بلند مشرف به روستای «یوخاری قالا» سرک می‌کشید. صدای جنب و جوشی که از بیداری حیوانات و پرندگان روستا تولید شده بود، حال و هوای خاصی به روستا بخشیده بود... یک سال بود که آراز به اتفاق زنش آهو خانوم، در این خانه که بزرگ‌ترین خانه‌ی روستا نیز به شمار می‌رفت، زندگی می‌کردند...»

نقش ارزنده‌ی ادبیات در احیای فرهنگی جوامع، انکارناپذیر است و فراموش کردن گذشته‌ی ادبی و فرهنگی، به مثابه انکار بخش حساسی از خود تاریخ است.

محمدعلی رستمی، نویسنده‌ی کتاب خورشید خاموش، با نگاهی نو به تاریخ و گذشته‌ی فرهنگی و ادبی کشورش، ماجرای شمس و مولانا را در سبک و سیاقی مختص خود آورده است. او که خود آموزگار بازنشسته از خطه‌ی میانه است، اعتقاد دارد تولید بازاری در زمینه‌ی ادبیات، انتظاری غیر معقول است. بنابراین، با علاقه‌ای که به گذشته‌ی خود دارد، این ماجرای شیرین و اثرگذار را در دو فصل پرداخته است.

از مهم‌ترین چهره‌های این ماجرا، یکی مولاناست که در شخصیت آراز رخ نموده است و دیگری شمس که به عنوان دکتر یا طبیب، پیچیدگی‌های اتفاق افتاده در این بین را سامان می‌دهد.

انتشارات «باتی» تبریز (۵۵۴۸۴۱۷-۰۴۱۱)، اولین نوبت چاپ این کتاب را در هزار نسخه در سال ۱۳۸۸ با قطع رقی، در ۱۶۱ صفحه و به قیمت ۳۰۰۰ تومان به بازار نشر عرضه کرده است. با خواندن همان سطرهای اولیه‌ی اثر، خواننده خود را در فضایی خاص می‌بیند و به زودی می‌تواند با شخصیت‌ها و سیر کلی داستان همراهی کند: «دکتر شمس از در بزرگ باغ خارج می‌شد و آراز دور شدن او را تماشا می‌کرد. دیگر طاقت نداشت حتی برای مدتی اندک بدون حضور دکتر شمس زندگی کند. با خود گفت: این مرد روح بلند و پیچیده‌ای دارد.»

معماری صخره‌ای بی‌مانند جهان

حمید دهقان

آشنایی با روستای کندوان در ۶۲ کیلومتری تبریز

اشاره

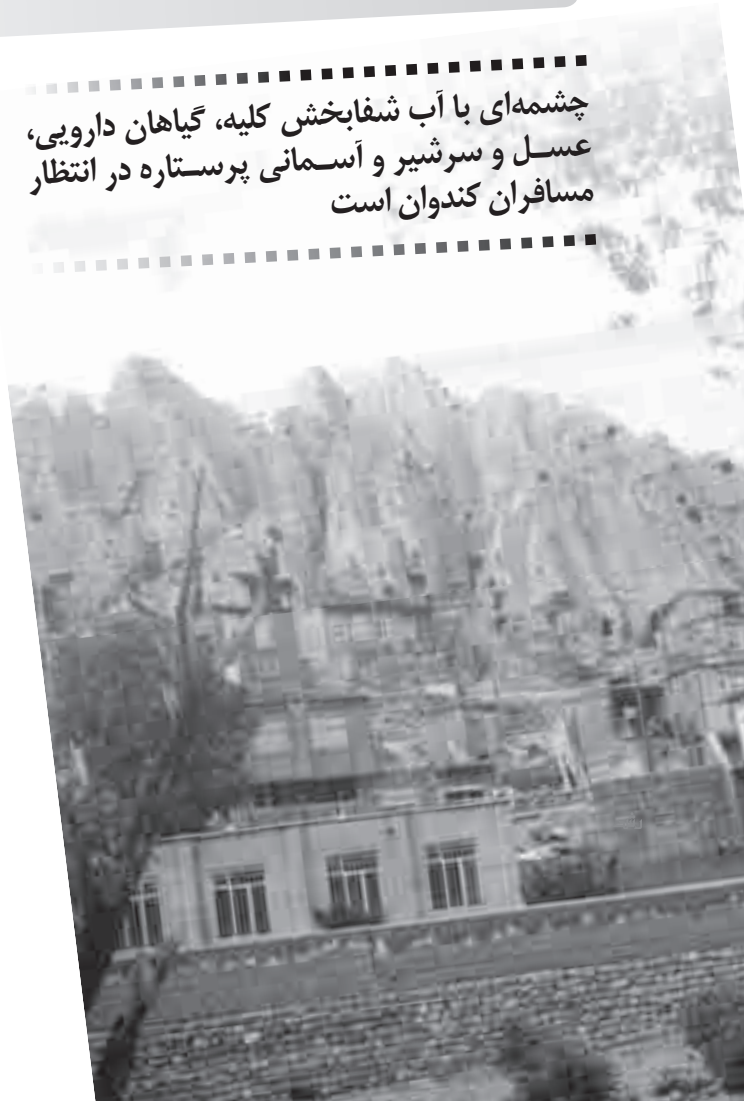
در دوره‌ی قبل مجله، در هفت شماره و به‌صورت دسته‌های مجزا از هم و تفکیک شده، میراث به‌جای‌مانده از فرهنگ و تمدن ایرانی-اسلامی کشورمان شامل غارها، آبشارها، امام‌زاده‌ها، مدرسه‌ها، کاروان‌سراها و... را معرفی کردیم. هدف از این کار، ارائه‌ی نگاهی صرفاً مبتنی بر مباحث گردشگری و میراث فرهنگی نبود و قصد داشتیم با ارائه‌ی اطلاعاتی از میراث ماندگار کشورمان، منابعی را در اختیار همکاران محترم قرار دهیم که در کار تدریس خود، از آن‌ها بهره بگیرند؛ ضمن این که شناخت ایران با تمامی زیبایی‌هایش، کار لذت‌بخشی است که بی‌شک همه‌ی مردمان کشورمان با عشق به انجام آن مبادرت می‌ورزند. در دوره‌ی چهاردهم مجله، در بخش میراث ما، به سراغ روستاهای شگفت‌انگیز و ماندگار ایران خواهیم رفت و سعی خواهیم کرد مخاطبان محترم مجله را با تعدادی از این روستاها آشنا کنیم. امیدوارم ضمن این که به این روستاها آشنا می‌شوید و از اطلاعات مجله در کار تدریس خود بهره می‌گیرید، بازدید از این روستاها را در ایام عید نوروز و تابستان سال آینده نیز در دستور کارتان قرار دهید.

«کندوان» روستای حیرت‌انگیزی است که در ۶۲ کیلومتری شهرستان اسکو و ۶۲ کیلومتری تبریز قرار دارد. خانه‌های صخره‌ای مخروطی (کله‌قندی) زیبای کندوان، برای هر دیدارکننده‌ای، بسیار شگفت‌آور است.

برخی از باستان‌شناسان، قدمت خانه‌های صخره‌ای را به پیش از دوران اسلام نسبت داده‌اند، ولی گفته می‌شود در قرن هفتم هجری قمری، هنگام حمله‌ی مغول به این منطقه، ابتدا روستاییان با کندن غارهایی زاغه‌مانند در محلی به نام **حیله‌ور**، در استتار کامل زندگی کردند. این خانه‌های زاغه‌ای چنان با مهارت احداث شده بودند که تشخیص آن‌ها حتی برای عبورکنندگان از محل نیز امکان نداشت. چند سال پیش، با تلاش زمین‌شناسان، غارهای باستانی حیله‌ور در فاصله‌ی سه کیلومتری باقی‌مانده به کندوان کشف و در جست‌وجوی‌های نخستین، تعداد ۱۵ خانه از دل خاک بیرون آمد، ولی وجود حدود ۲۰۰ خانه احتمال داده می‌شود. با ورود به خانه‌ها از حفره‌های باریک، محل سکونت خانواده‌ها، جای شمع و چراغ پی‌سوز و آغل حیوانات هر بیننده‌ای را به تعجب وامی‌دارد.

پژوهشگران اعتقاد دارند، مردمانی که در این غارها پنهان شده بودند، پس از آرامش نسبی در محل، از زاغه‌ها بیرون آمدند، صخره‌های مخروطی شکلی را که بر اثر فعل و انفعالات آتشفشانی کوه‌های سه‌پند پدید آمده بودند، با هنرمندی تراشیدند و جای سکونت خود قرار دادند.

چشمه‌ای با آب شفاف‌بخش کلیه، گیاهان دارویی،
عسل و سرشیر و آسمانی پرستاره در انتظار
مسافران کندوان است



منطقه‌ی خوش آب و هوای کندوان با مراتع و چراگاه‌های سرسبز و خرم، با چشمه‌ی آب‌معدنی زلال و مطبوع و شفابخش بیماران سنگ کلیه‌ای، روزگار خوشی برای ساکنان جدید آن فراهم ساخت.

مردم سخت‌کوش کندوان در همین «کران»های دوک مانند، خانه‌های دو، سه و چهار طبقه ساختند. طبقه‌ی همکف، آغل دام‌ها شد. طبقات دوم و سوم به محل زندگی و طبقه‌ی چهارم به انبار اختصاص یافت. مسجد زیبایی احداث شد که در ورودی آن با ارتفاع یک متر و ۹۰ سانتی‌متر و عرض یک متر، مرتفع‌ترین در از ساختمان‌های روستاست. مدرسه، حمام و آسیاب نیز به همت مردم برپا شد.

محصول عمده‌ی روستای کندوان گندم و جو، گردو، زردآلو، سیب، میوه‌های خشک و انواع گیاهان

دارویی است و به علت رونق زنبورداری و دام‌داری، عسل و لبنیات آن، در منطقه شهرت فراوان دارد. فرش بافی، جاجیم و گلیم‌بافی، از جمله صنایع دستی مردم پر تلاش روستا محسوب می‌شوند. زنان روستا اول صبح در تنوره‌های بیرون خانه نان می‌پزند و

در مسیر راه خود به خانه، نان تازه را به عابران تعارف می‌کنند. در سال‌های گذشته، یک هتل پنج ستاره در محل همین صخره‌ها (کران‌ها)ی بی‌مانند ساخته شد که یک شب اقامت در اتاق‌های نخستین هتل صخره‌ای ایران، تماشای آسمان صاف و ستارگان انبوهی که کمتر در شب‌های دیگر شهرها دیده می‌شود، با صبحانه‌ی لذیذ بال - قیماق محلی (عسل و سرشیر) خاطرهای فراموش‌نشدنی به جای می‌گذارد.

در جهان، تنها سه روستای صخره‌ای وجود دارد: در ایالات متحده‌ی آمریکا در داکوتا، در ترکیه در کاپا دوکیه و در ایران در کندوان. و افتخار و سرافرازی کندوان بر دو روستای همانند خود این است که فقط کندوان سکنه دارد و در روستاهای داکوتا و کاپا دوکیه کسی زندگی نمی‌کند.

روستای کندوان یکی از قطب‌های گردشگری استان آذربایجان شرقی محسوب می‌شود. مسافران کندوان پس از گردش در دره‌ی کندوان و دشت‌های سرسبز اطراف آن، تماشای خانه‌های صخره‌ای سر به فلک کشیده و برخورداری از مهمان‌نوازی مردمی مهربان، از عسل و لبنیات و گیاهان دارویی و گل‌های صحرایی، توشه برمی‌دارند و سرشار از لذت و شادی، با آرزوی دیداری دیگر به شهر و دیار خویش باز می‌گردند. برخی از مسافران هم با توقف کوتاهی در اسکو، نان معروف این شهر و دوشاب و برگه‌ی انواع میوه‌ها را از مغازه‌ها می‌خرند.

عکس‌ها: حمید دهقان



نقش نکته‌ی کلیدی برای تدریس در کلاس‌های چند پایه



دکتر رخساره فضلی

اشاره

بر اساس آمار رسمی وزارت آموزش و پرورش، حدود ۴۵ هزار کلاس درس چند پایه در کشور

دایر است که عموماً یعنی ۹۸/۶۵ درصد آن‌ها در مناطق روستایی تشکیل شده‌اند و نیمی از آن‌ها به وسیله‌ی مدیر آموزگاران اداره می‌شوند. این مدیر آموزگاران، حدوداً نیمی از مدیران دوره‌ی ابتدایی کشور را تشکیل می‌دهند. از آن‌جا که مدیر آموزگاران و آموزگاران کلاس‌های چند پایه، نسبت به سایر معلمان، زحمات مضاعفی را تحمل می‌کنند، یکی از راهکارهای تحقق عدالت آموزشی، توجه به صلاحیت‌های حرفه‌ای معلمان و مدیر آموزگاران کلاس‌های چند پایه است؛ آموزگاران که باید نقش مدیر، آموزگار، معاون، مربی پرورشی، معلم ورزش، دفتردار، خدمت‌گزار و سرایدار، ناظر، معتمد جامعه‌ی محلی، نماینده‌ی ارزش‌های فرهنگی، مذهبی و سیاسی و عامل اعمال تغییرات و ... را ایفا کنند. این درحالی است که حتی فارغ‌التحصیلان مراکز تربیت معلم هم برای اداره و تدریس در این کلاس‌ها، آمادگی، تجربه و اطلاعات لازم را ندارند و از هیچ آموزش پیش از خدمتی که زمینه‌ساز تجربه‌ی عملی و تفکر جدی درباره‌ی این کلاس‌ها باشد، برخوردار نیستند و این مدیران ناچارند از طریق آزمایش و خطا روش‌هایی را به کار ببندند.

با توجه به نقش کلیدی نیروی انسانی در این کلاس‌ها و بر اساس نقاط قوت و ضعف و فرصت‌ها و تهدیدهای موجود، از سال‌های قبل همواره کوشیده‌ایم مباحث مرتبط و مورد نیاز آموزگاران کلاس‌های چند پایه را منتشر کنیم. امسال نیز طی دوره‌ی انتشار مجله، سلسله‌مقالاتی را در این باره منتشر خواهیم کرد. سعی ما بر این است که این مجموعه، علاوه بر متن اصلی، حاشیه‌های خواندنی و مناسبی نیز داشته باشد. مثلاً در این شماره، یک فعالیت و یک معرفی کتاب را همراه با مطلب اصلی ملاحظه می‌کنید. از خانم دکتر فضلی که علاوه بر دانش تخصصی در حوزه‌ی برنامه‌ریزی درسی، دارای تجربه‌های عملی فراوانی در مورد کلاس‌های چند پایه هستند، به سبب همکاری با مجله تشکر می‌کنیم.

عشایری، از اهمیت بسزایی برخوردارند. آموزش در کلاس‌های چند پایه را می‌توان با هدف فراهم آوردن امکان دست‌رسی و تکمیل دوره‌ی ابتدایی، افزایش میزان دست‌یابی به آموزش در مناطق روستایی، عشایری و کم‌جمعیت، تداوم خدمات آموزشی در شهرهای کوچک و روستاهایی که با کاهش شمار دانش‌آموزان روبه‌رو هستند، استفاده‌ی

آموزش و پرورش یک حق عمومی است و همه‌ی آحاد جامعه به ویژه کودکان، باید از آموزش با کیفیت بهره‌مند شوند. کلاس‌های چند پایه به عنوان راهکار ایجاد فرصت‌های برابر یادگیری، برای کلیه‌ی کودکان لازم‌التعلیم، به‌ویژه در مناطق روستایی و





یک کتاب برای کلاس‌های چند پایه

راهنمای آموزش در کلاس‌های درس چند پایه،
مؤلفان: دکتر محرم آقازاده و دکتر رخساره فضلی.
انتشارات آبیژن. چاپ هشتم، ۱۳۸۸.



کتاب که بر اساس اندوخته‌های نظری و عملی مؤلفان درباره‌ی کلاس‌های چند پایه تألیف شده، در سال ۱۳۸۴ به چاپ رسیده است. ۱۲ فصل دارد که به ترتیب عبارت‌اند از: مروری بر آموزش چندپایه از بعد آماری و ضرورت وجودی این کلاس‌ها؛ شیوه‌های یادگیری

دانش‌آموزان؛ الگوی عملی آموزش و راهکارهای دستیابی به تدریس موفق؛ فنون تدریس در کلاس‌های چندپایه؛ راهبردهایی برای آموزش خواندن، ریاضیات و نگارش و...؛ سازمان‌دهی و مدیریت کلاس‌های چند پایه؛ نحوه‌ی تدوین و اجرای قواعد کلاسی؛ نحوه‌ی تنظیم جدول زمانی؛ نمونه‌ای از طرح درس در کلاس چند پایه؛ ارتباط کلامی و غیر کلامی؛ بازی‌های کلاسی و برون کلاسی؛ و سنجش و نگه‌داشت پرونده‌ی پیشرفت دانش‌آموزان کلاس‌های چندپایه.

نگاه کلی مؤلفان، شناسایی فرصت‌ها و استفاده از آن‌ها با رویکرد تبدیل تهدیدها به فرصت در کلاس‌های چندپایه است.

لازم است ضمن طراحی آموزشی و تهیه‌ی طرح درس، منعطف باشد و با توجه به شرایط کلاس، تغییراتی در برنامه و روش تدریس خود ایجاد کند و از امکانات محیطی حداکثر استفاده را ببرد.

□ زمینه‌سازی برای پیشرفت مداوم کلیه‌ی یادگیرندگان: یکی از فرصت‌های طلایی در کلاس‌های چند پایه، شناخت عمیق و واقعی دانش‌آموزان، و توانایی‌ها و محدودیت‌های آن‌هاست. معلمان این کلاس‌ها با استفاده از شناختی که در اثر تعامل بیشتر و همراهی چندساله با دانش‌آموزان به دست می‌آورند، با توجه به تفاوت‌های فردی و سبک‌های یادگیری، می‌توانند بستر لازم برای پیشرفت و خودارزیابی را فراهم کنند.

□ ایجاد ارتباط بین مدرسه و جامعه‌ی محلی (کاربرد آموخته‌ها در زندگی واقعی): با توجه به این که کلاس‌های چند پایه عموماً در روستاهای کوچک و کم‌جمعیت تشکیل می‌شود، می‌توان بین مدرسه و جامعه‌ی محلی ارتباط ایجاد کرد و ضمن استفاده از پتانسیل‌های موجود در جامعه‌ی محلی، دانش‌آموزان را ترغیب کرد که از دانسته‌های خود برای کاهش مسائل اجتماعی استفاده کنند.

□ پرورش مهارت‌های پایه از جمله گوش دادن، سخن گفتن، مشاهده، خود راهبری و...: معلمان در کلاس‌های چندپایه ناچارند بخشی از زمان تدریس را در اختیار دانش‌آموزان قرار دهند تا به تئیهایی یا با هم کلاس‌ان خود یاد بگیرند. این امر چنانچه درست مدیریت شود، می‌تواند به بهبود مهارت‌های شناختی دانش‌آموزان یاری رساند و مهارت‌های اساسی را در آن‌ها تقویت کند. زمان‌های خودآموخت، نباید بدون هدف و برنامه باشد، بلکه لازم است فعالیت‌های آموزشی جذاب و هدفمند طراحی شوند و در اختیار دانش‌آموزان قرار گیرند تا ضمن توجه به اهداف دانشی، اهداف مهارتی و پرورش نگرش‌ها نیز محقق شود.

□ استفاده از نیروی دانش‌آموزان بزرگ‌تر: یافته‌های جدید علمی نشان می‌دهد، دانش‌آموزان از هم‌سالان خود بهتر می‌آموزند. استفاده از این راهبرد، از چند جهت قابل تأمل است: کودکان از هم بهتر می‌آموزند. وقتی به هم‌سالان خود یاد می‌دهند، به یادگیری در حد تسلط می‌رسند و آن‌هایی که یاد می‌دهند، خود نیز یاد می‌گیرند. یادگیری فرایندی اجتماعی است و با تعاملات اجتماعی، عمق یادگیری افزایش می‌یابد. با توجه به شرایط کلاس‌های چند پایه، می‌توان از این راهکار استفاده کرد و دانش‌آموزان را به گونه‌ای هدایت کرد که با هم و از هم یاد بگیرند و هم‌زمان با خودآموختی، دگرآموختی هم تجربه شود.

بهینه از منابع محدود، و بهبود کیفیت آموزش، مورد توجه قرار داد. اگر آموزش در کلاس‌های چند پایه، به صورت علمی و اصولی ارائه شود، می‌توان از راهبردهای آموزش در این کلاس‌ها برای بهبود کیفیت آموزش در سایر مدارس هم استفاده کرد. برنامه‌ریزی، اجرا و ارزش‌یابی برنامه‌های مربوط به کلاس‌های چندپایه، در گرو مشارکت همه‌جانبه و تبادل اطلاعات و تجربیات دست‌اندرکاران به ویژه مدیر آموزگاران، معلمان و صاحب‌نظران این حوزه است.

نکته‌های کلیدی برای تدریس در کلاس‌های چند پایه

□ انعطاف‌پذیری در به‌کارگیری روش‌های تدریس: معلم در کلاس چند پایه باید بر محتوا و اهداف کتاب‌های درسی پایه‌هایی که تدریس می‌کند، تسلط داشته باشد و بتواند در موقعیت‌های متفاوت و با توجه به ارتباط طولی و عرضی محتوای کتاب‌های درسی، از روش‌های تدریس مناسب استفاده کند. در عین حال، باید بتواند برحسب شرایط، تصمیم بگیرد و راهبردهای گوناگونی را به کار بندد. به عبارت دیگر،

برای ارتقای منزلت و سطح علمی معلمان



در پی اعلام موجودیت انجمن علمی آموزشی معلمان ابتدایی شهر تهران، نخستین مجمع عمومی این انجمن، برای برگزاری انتخابات و عضوگیری، با حضور گسترده‌ی آموزگاران تهرانی و نیز جمع کثیری از مسئولان آموزش و پرورش و دست‌اندرکاران تعلیم و تربیت، در محل تالار فرهنگ تهران برگزار شد.

به گزارش خبرنگار ما، در این جلسه، پس از آشنایی شرکت‌کنندگان با سوابق آموزشی و پژوهشی اعضای هیئت مؤسس انجمن، به ترتیب آقایان **مرتضایی**، رئیس گروه ارتقای شهر تهران، **طباطبایی**، مدیرکل دفتر ارتقای حرفه‌ای فرهنگیان و **رحیمی**، مدیرکل دفتر آموزش و خلاقیت ابتدایی وزارت آموزش و پرورش، سخن‌رانی کردند. طباطبایی گفت: «برای این که انجمن‌ها بتوانند خوب فعالیت کنند، در صدد هستیم آن‌ها را با انجمن‌های علمی آموزشی وزارت علوم پیوند بدهیم تا آن‌ها هم از حمایت‌های معاونت فناوری ریاست جمهوری که حمایت‌کننده‌ی فعالیت‌های علمی وزارت علوم است، استفاده کنند.»

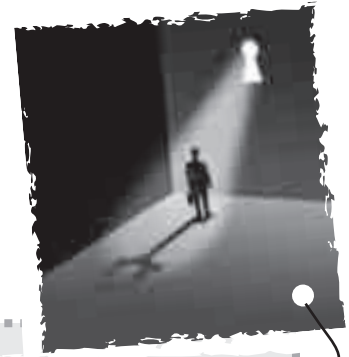
هم‌چنین، رحیمی با تأکید بر سرمایه‌گذاری انجمن علمی آموزشی معلمان بر ارتقای منزلت معلمان دوره‌ی ابتدایی گفت: «انجمن علمی آموزشی معلمان ابتدایی، باید در زمینه‌ی توسعه‌ی شیوه‌های جدید تدریس فعالیت کند. هم‌چنین، در مورد تغییر نگرش معلمان نسبت به مدرسه، دانش آموز و محتوا کمک کند.»

وی از انجمن علمی آموزشی معلمان ابتدایی شهر تهران خواست، علاوه بر تغذیه‌ی شهر تهران، به عنوان مرجع و مادر سایر انجمن‌ها هم عمل کند. وی گفت: «امیدواریم به زودی شاهد برگزاری نشست‌های نمایندگان انجمن‌های علمی کشور به موازات انجمن علمی آموزشی معلمان ابتدایی در تهران باشیم.»

در ادامه‌ی نشست، **اسفندیار معتمدی**، دبیر با سابقه‌ی فیزیک و مؤلف کتاب‌های درسی این رشته و دبیر اتحادیه‌ی معلمان فیزیک

این پنج نفر!

انجمن علمی آموزشی معلمان ابتدایی شهر تهران، توسط معلمان با سابقه و فرهیخته‌ی شهر تهران و حوزه‌ی ستادی وزارت آموزش و پرورش، خانم‌ها **دکتر رخساره فضلی**، **پروین گلشن**، **پوران سپهری**، **فریده صفری‌زاده** و آقای **غلامرضا عمرانی** در مقام هیئت مؤسس، راه‌اندازی شده است.



یک فعالیت ساده برای اجرای کلاس‌های چندپایه

نام فعالیت: گروه‌بندی تصادفی در کلاس ۲۱ نفره

هدف: تشکیل گروه‌های سه نفره بدون توجه به سن و

پایه‌ی تحصیلی

نحوه‌ی اجرا: از دانش‌آموزان خواسته می‌شود به ترتیب از یک تا هفت بشمارند و عدد خود را به خاطر بسپارند (در ادامه، مجدداً از یک تا هفت تا نفر آخر)، سپس از آن‌ها خواسته می‌شود بدون این که با هم حرف بزنند، کسانی را که عددشان با آن‌ها یکی است، پیدا کنند و با هم در یک گروه قرار بگیرند. این گروه‌بندی تصادفی است و انتخاب معلم و دانش‌آموزان در آن نقشی ندارد. پیدا کردن اعضای گروه بدون کلام، مهارت برقراری ارتباط غیر کلامی را در آن‌ها افزایش می‌دهد و بر جذابیت کار می‌افزاید. پس از تشکیل گروه‌های ناهمگن، فعالیت مورد نظر شرح و به گروه‌ها فرصت داده می‌شود تا با بحث و تبادل نظر، آن را انجام دهند. نمونه‌ی فعالیت‌های قابل اجرا، در مقالات بعدی ارائه خواهد شد.

استفاده از انواع گروه‌بندی‌های هدفمند بر اساس

توانمندی (قوی، ضعیف، متوسط) و... تصادفی، پایه‌ای و

دلخواه: طراحی آموزشی با تأکید بر استفاده از فعالیت‌های مشارکتی

و فعال می‌تواند کیفیت آموزش را ارتقا بخشد. پیش‌بینی گروه‌بندی

دانش‌آموزان برای زمان آموزش (محور)، خودآموخت و دیگرآموخت،

در تحقق اهداف آموزشی اثرگذار است. معلمان می‌توانند با توجه به

هدف انجام کار گروهی، از یکی از روش‌های گروه‌بندی استفاده کنند.

در گروه‌بندی هدفمند، معلم اعضای گروه را بر اساس نیازهای گروه

و... تعیین و اعلام می‌کند. در گروه‌بندی تصادفی، اعضای گروه بدون

برنامه‌ی قبلی و با استفاده از اعداد، اسامی گل‌ها، ماه تولد و تعیین

می‌شوند. در این نوع گروه‌بندی، افراد برای هم گروه شدن با سایرین،

شانس و فرصت برابر دارند. گروه‌بندی پایه‌ای در کلاس‌های چند پایه،

به معنای قرار گرفتن دانش‌آموزان هم پایه در یک گروه است. گاهی

برای اهداف خاص آموزشی لازم است دانش‌آموزان یک پایه با هم

ببندیشند و یاد بگیرند. گروه‌بندی دل‌خواه یعنی گاهی به دانش‌آموزان

فرصت داده شود که اعضای گروه خود را انتخاب کنند. این امر به

احساس امنیت و تعلق آن‌ها می‌افزاید.

انجمن علمی آموزشی معلمان ابتدایی شهر تهران تشکیل شد

عددها و نشانی‌های به یادماندنی

- کسانی که تمایل به عضویت در انجمن دارند، پس از آگاهی از شرایط می‌توانند حق عضویت سالانه‌ی خود را به حساب شماره‌ی ۱۸۱۴۹۸۳۷۴۱ بانک ملت شعبه‌ی دولت تهران، کد ۷۰۰۰۳ واریز کنند.
- دفتر انجمن، به‌طور موقت در تهران، دبستان هیئت امنایی شهید بهشتی، خیابان کریم‌خانم زند، جنب پارک حضرت مریم، نبش آبان شمالی، واقع شده است.
- نشانی وبلاگ انجمن:

<http://anjomane.moalleman.blogfa.com>

ای‌میل انجمن علمی آموزشی معلمان ابتدایی شهر تهران:

anjomanemoalleman@gmail.com

- شماره تلفن دفتر انجمن: ۰۲۱-۸۹۰۷۸۶۵
- تلفن‌های ضروری دیگر برای ایجاد ارتباط با دست‌اندرکاران انجمن:

۰۲۱ - ۸۸۳۱۳۱۴۹
۰۹۱۲ - ۴۲۲۶۴۹۸

۱۳۴۰ و سپس انجمن‌های علمی آموزشی معلمان در دهه‌ی ۱۳۷۰ پرداخت و گفت: «وقتی همه‌ی استان‌ها موفق شوند در یک رشته انجمن علمی آموزشی تأسیس کنند، می‌توان به تشکیل اتحادیه‌ی کشوری اقدام کرد. در حال حاضر، برای فیزیک و چند رشته‌ی دیگر، اتحادیه‌ی انجمن‌های علمی آموزشی معلمان کشوری تشکیل شده است و امیدوارم ابتدایی هم به زودی دارای اتحادیه شود.»

پس از آن، اعضای هیئت رئیسه‌ی تشکیل انجمن، از داوطلبان عضویت در کمیته‌ی مرکزی، برای ثبت‌نام دعوت به عمل آوردند. پس از انجام مراسم معرفی داوطلبان عضویت، رأی‌گیری برای عضویت انجام شد و هفت نفر برگزیده شدند. ضمناً شیوه و انواع عضوگیری داوطلبانه‌ی همکاران برای ادامه‌ی کار انجمن بیان شد. اسامی اعضای شورای اجرایی به زودی اعلام خواهد شد.

کشور، سیر تشکیل انجمن‌های علمی معلمان در ایران را بررسی کرد و گفت: «در سال ۱۳۷۶ که میرزا احسن رشیدی دبستانی را در تهران دایر کرد، انجمنی را هم به نام «انجمن معارف» ایجاد کرد. این انجمن در نخستین سال تأسیس، نهضت مدرسه‌سازی را در کشور پایه‌گذاری کرد و طی نه سال تا انقلاب مشروطیت، بیش از ۵۰ مدرسه در گوشه و کنار مملکت برپا داشت. همین انجمن توانست در ۱۱۲ سال پیش، کتاب درسی بنویسد. موضوع برنامه‌ریزی درسی و برنامه‌نویسی، نخستین بار در این انجمن مطرح شد. هم‌چنین روزنامه‌ی معارف را بنیان نهاد و اندیشه‌ی تأسیس کتاب‌خانه‌ی ملی را پیشنهاد کرد.»

معمدی، سپس به تشریح تأسیس انجمن علوم تجربی در سال

چند نکته درباره‌ی انجمن‌های علمی آموزشی

- * انجمن‌های علمی آموزشی، سازمان‌های مردم‌نهادی هستند که طبق مصوبه‌ی شورای عالی انقلاب فرهنگی در سال ۱۳۷۴ شکل گرفتند. این انجمن‌ها، از پشتوانه‌ی حمایت‌های بسیار قوی سازمانی و قانونی برخوردارند و با کمک خود معلمان و هدایت‌های آموزش و پرورش اداره می‌شوند. میزان وسعت و تلاش این انجمن‌ها به میزان تلاش و همت اعضای شورای اجرایی و هیئت مرکزی آن‌ها بستگی دارد.
- * طبق ابلاغیه‌های دولت به سازمان‌های امور مالیاتی کشور و بر اساس مصوبات موجود، مؤدیان مالیاتی می‌توانند برای کمک به انجمن‌های علمی، بخشی از هزینه‌های مالیاتی خود را صرف انجمن‌ها کنند.
- * بر اساس تصمیمات وزارت آموزش و پرورش، قرار است طبق سیاست بیرون‌سپاری برخی از فعالیت‌ها به خصوصی، حدود ۶۰ عنوان از فعالیت‌های وزارت‌خانه، به مؤسسات غیردولتی از جمله انجمن‌های علمی آموزشی معلمان واگذار شود. این کار کمک خواهد کرد انجمن‌ها روی پای خود بایستند.

مشاهده

بخش اول

ویادگیری فراگیرندگان

شکوه تقدیسیان

اشاره

مشاهده یکی از ابزارهای اصلی در یادگیرندگان است. در آموزش‌های نوین، بر اهمیت و جایگاه مشاهده در فرایند یاددهی - یادگیری تأکید بسیار زیادی می‌شود. کارشناسان آموزشی، نه تنها در آموزش دروس پایه مانند علوم تجربی، بلکه در خانم تقدیسیان، عضو شورای برنامه‌ریزی مجله و کارشناس ارشد مدیریت آموزشی، با سابقه‌ی سال‌ها تدریس، مدیریت و حضور در کلاس‌های آموزش معلمان در مقام مدرس و نیز کار با دانش‌آموزان در سمت سردبیری مجله‌ی رشد نوآموز، در این دوره از مجله‌ی رشد آموزش ابتدایی، سلسله یادداشت‌هایی را تألیف و ابعاد گوناگون نقش مشاهده در فرایند یاددهی - یادگیری را بررسی خواهد کرد. بخش اول این سلسله مطالب را در پی می‌آوریم.

مغز فعال

دانشمندان عقیده دارند، انسان در طول عمر خود از همه‌ی ظرفیت‌های مغز استفاده نمی‌کند. کارایی مغز بسیار وسیع‌تر و گسترده‌تر از تصور ماست. مغز مخزن تمام دانش‌ها، خاطرات، اطلاعات، مشاهدات، محفوظات، تداعی‌ها و دریافت‌های ما از محیط است. آن‌چه مغز را پر بار، فعال و خلاق می‌کند، نحوه‌ی زندگی کردن و کیفیت استفاده از حواسی است که هدیه‌ی خداوند هستند. پنج حس ما: شنیدن، دیدن، بویدن، چشیدن و لمس کردن، مانند خبرنگاران عمل می‌کنند که نقش ارتباطی و اطلاع‌رسانی دارند و اخبار و اطلاعات را به ستاد مسئول خود می‌رسانند. اگر این خبرنگاران کم‌توان، بی‌دقت و بی‌انگیزه باشند، اطلاع‌رسانی درست و پرباری در کار نخواهد بود. هنر استفاده‌ی بهینه از حواس، به معنی استفاده‌ی مطلوب از



ظرفیت‌های بی‌انتهای مغز است که البته به توجه و آموزش نیاز دارد. فعال کردن به‌موقع همه‌ی حواس و تعاملات ارگانیک، به رشد و پیشرفت کودکان کمک می‌کند و آنان را مشاهده‌گرانی قابل و خلاق بار می‌آورد.

با وجود حواس پنجگانه‌ی مشترک در انسان‌ها، تفاوت‌های فردی نیز بین آن‌ها وجود دارد. هر یک از ما از مشاهدات محیط خود، تصاویر ذهنی متفاوتی داریم که زیرساخت‌های ذهنی ما را تشکیل می‌دهد. غنی بودن فضاهای آموزشی، از جهت آزادی اندیشه و جهت‌دار بودن فعالیت‌ها، به کیفیت یادگیری و رشد عقلانی می‌افزاید. زیرا در آن فضا، دامنه‌ی فعالیت‌های ذهنی گسترده‌تر و زیرساخت‌های بیشتری ساخته می‌شود. پیازه عقیده دارد: «تقریباً همه‌ی کودکان در نهایت دارای ابزار شناختی لازم برای کارهای درسی معمولی هستند، آن‌چه در مدرسه آموخته می‌شود، باید به سهولت در چارچوب شناختی موجود کودک جذب یا درون‌سازی شود.» [پیاژه، بی‌تا: ۳۴۹].

اهمیت نگرش معلم

اهداف تربیتی در سرحیطه‌ی شناختی، عاطفی و روان حرکتی در محتوای برنامه‌های درسی دیده می‌شود. آن‌چه در حیطه‌ی آموزشی واجد اهمیت است، نگرش معلم و مهارت شناخت او از کاربست ابزارهایی است که برای نیل به هدف‌ها در اختیار دارد و می‌تواند با به‌کارگیری آن‌ها، مراحل یاددهی - یادگیری را ساده‌تر و پربارتر کند. ابزارهای ساده‌ی او پنج حسی هستند که مهارت مشاهده را در کودک به وجود می‌آورند تا فردی دقیق، جست‌وجوگر، خلاق و جامعه‌پذیر باشد. پیازه عقیده دارد: عمل «جذب»، ترکیب تجربه‌های جدید با تجربه‌های ارگانیک موجود است. تعدد زیرساخت‌های موجود، به جذب زود هنگام تجربه‌های تازه‌ی یادگیری و پایداری معنایی آن‌ها منجر می‌شود و کودک را برای رسیدن به مراحل بالاتر رشد شناختی و «تطابق» با موقعیت‌های جدید آماده

می‌کند؛ بدین معنی که او باید ساختارهای جدید شناختی را در زمینه‌های ساختارهای قبلی موجود رشد دهد و سازمان‌دهی کند و به مرحله‌ی ادراک از مفاهیم نزدیک شود. او هم‌چنین عقیده دارد: «معلم باید به‌طور جدی این حقیقت را درک کند که تعلیم‌وتربیت کودکان، می‌تواند بر پاره‌ای از ساختارهای عقلانی متکی باشد که از پیش به‌وجود آمده‌اند. مشکلات در یادگیری، احتمالاً از کاستی‌های عقلانی کودک ناشی نیست. با آگاهی از این نکته، مربی می‌تواند به تدوین برنامه‌هایی همت‌گمارد که بر توانمندی‌های کودک متکی هستند.»

تدارک فرصت‌های یادگیری و برنامه‌ریزی واقع‌بینانه‌ی معلم با توجه به ویژگی‌های کودکان، به نتایج مفیدی در جهت رشد استعدادها بالقوه و عقلانی بچه‌ها می‌انجامد.

مشاهده؛ محور فعالیت‌ها

مهارت‌هایی که باید در مدرسه آموخته شوند، جدا از سه مهارت اصلی خواندن، نوشتن و حساب کردن، عبارت‌اند از: توصیف و بیان کلامی، طرح سؤال، مقایسه کردن، تصمیم گرفتن، تحلیل خوانده‌ها و رویدادها، داشتن روحیه‌ی تحقیق و پژوهش که در تمامی آن‌ها مهارت مشاهده‌ی دقیق نقش اصلی را دارد.

ایوان پاولوف، دستور داد که واژه‌ی «مشاهده» را بر سردر بنای اصلی مرکز تحقیقاتش در کولنوشی، به‌عنوان یک یادآوری دائمی به همکارانش، نقش کنند تا آنان بدانند که وی تا چه اندازه این خصوصیت انسانی را گرامی می‌دارد.

چارلز داروین در توصیف توانایی‌های خویش می‌نویسد: «گمان می‌کنم من از این لحاظ که متوجه چیزهایی می‌شوم که به سادگی از برابر دیدگان آدمی می‌گریزند و به دلیل مشاهده‌ی دقیق این‌ها، بر آدم‌های عادی برتری دارم. تلاش من در مشاهده و

گردآوری اطلاعات، تقریباً در بالاترین حد ممکن بوده است» [یکلیس، بی‌تا].

مهارت مشاهده که برای نخستین بار در آموزش و پرورش ما، در برنامه‌ی درسی علوم تجربی مطرح شد، تا حدودی زیربنای پذیرش روش یاددهی - یادگیری و تغییر نگرش از سوی معلمان ابتدایی بوده است. در روش‌های جدید تدریس، فرایندها مهم‌تر از فرآورده‌ها هستند. زیرا ممکن است فرآورده‌ها نتیجه‌ی مستقیم حافظه‌گرایی و یادگیری طوطی‌وار باشند. اما آن‌چه در این فرایند نقش مهمی دارد، قدم‌هایی است که دانش‌آموز

مهارت مشاهده که برای نخستین بار در آموزش و پرورش ما، در برنامه‌ی درسی علوم تجربی مطرح شد، تا حدودی زیربنای پذیرش روش یاددهی - یادگیری و تغییر نگرش از سوی معلمان ابتدایی بوده است

برای رسیدن به هدف‌های تربیتی و آموزشی برمی‌دارد و البته در گسترده‌ی مراحل است که با برنامه‌ریزی آگاهانه‌ی معلم طی می‌شود تا کسب تجربه‌های جدید، ساخت‌های لازم را برای درک مفهوم و موضوع‌های پیچیده‌تر در کودک ایجاد کند.

در آینده سعی می‌شود راه‌هایی برای تأمل در فرایند یاددهی - یادگیری کودک عنوان شود.

در حال حاضر پیشنهاد می‌کنیم، معلمان و همکارانی که در این زمینه (مشاهده‌ی دقیق) چه از جانب کودکان و چه تجربه‌های حسی و منطقی خودشان، به نتایج مفیدی رسیده‌اند، آن‌ها را برای ما بنویسند.

منابع

۱. رشد عقلانی کودک از نظر پیازه. ترجمه‌ی دکتر فریدون حقیقی و فریده شریفی. انتشارات فاطمی. تهران.
۲. توانایی‌های خود را بشناسید. ویکتور پکلیس. ترجمه‌ی محمدتقی فرامرزی. ناشر ترجم.

معلمی، مادر حرفه‌های دیگر است

گزارشی از مراسم بزرگداشت دکتر علی رؤوف

اشاره

یاد باد آن که مرا یاد آموخت آدمی نان خورد از دولت یاد

یاد و گرامیداشت بزرگان و شایستگان، امری پسندیده است؛ به‌خصوص اگر موضوع علم و معلمی باشد. مؤسسه‌ی پژوهشی کودکان دنیا، برای دکتر علی رؤوف، معلم، استاد، نویسنده و صاحب‌نظر نام‌آشنا و پیشکسوت حوزه‌ی آموزش و پرورش، در محل خانه‌ی هنرمندان تهران مراسم بزرگداشتی برگزار کرد. آن‌چه در پی می‌آید، گزارشی است از این مراسم.

زندگی سوم من، بعد از بازنشستگی آغاز شد. البته هنوز می‌نویسم؛ تا حالا که خسته نشده‌ام، بلکه شوق نوشتنم بیش‌تر شده است. نوشتن شیرین‌ترین و دل‌پذیرترین بازی زندگی است.»

آن‌چه خواندید، خلاصه‌ای بود از زندگی‌نامه‌ی خودنوشت دکتر علی رؤوف که در مراسم قرائت شد.

یادی از بهمن بیگی

در مراسم، از محمد بهمن بیگی، پدر آموزش و پرورش عشایری ایران که یازدهم اردیبهشت همین سال از دنیا رفت نیز یاد می‌ماند. بخش عمده‌ای از عمر ۹۳ ساله‌ی وی، در خدمت به کودکان عشایر ایران صرف شد. بهمن بیگی در روستای کوشن، حدفاصل



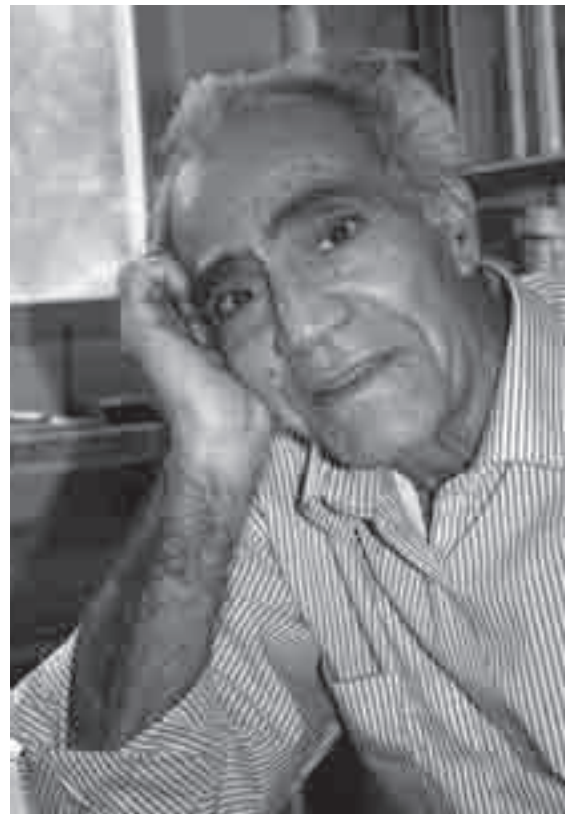
محمد بهمن بیگی

در هفت سالگی به دبستان رفته و سه سال دبیرستان (سیکل اول آن زمان) را در محل سکونت‌مان گذراندم؛ هر روز دو نوبت صبح و بعدازظهر، در کوچه پس‌کوچه‌های دراز و یک‌خیابان بلند، پیاده‌روی‌های طولانی و مشقت‌باری داشتیم. شانزده هفده سالم بود که به خاطر دریافت شصت تومان هزینه‌ی تحصیلی، در امتحان ورودی دانش‌سرای مقدماتی شرکت کردم و قبول شدم. در نوزده سالگی ابلاغ معلمی گرفتم و به شهر کاشمر اعزام شدم. پس از اتمام تعهد پنج‌ساله‌ی معلمی، در رشته‌ی زبان انگلیسی و روش‌های تدریس، در دانش‌سرای عالی (دانشگاه تربیت‌معلم امروز) پذیرفته شدم. پس از گرفتن لیسانس، حدود سی‌و‌سه سال در دبیرستان‌ها و مراکز آموزش عالی مشغول به تدریس مشغول بودم. طی این سال‌ها، بزرگ‌ترین احساسم این بود که معلمی حرفه‌ای است که می‌توانم دوستش داشته باشم و هرگز رهایش نکنم.

حالا که به گذشته نگاه می‌کنم، می‌بینم دو زندگی را کنار هم گذرانده‌ام؛ یکی زندگی کاری، درس و امور معمول، و دیگری زندگی مطالعه و تألیف و نوشتن. از آن‌جا که این دو زندگی پهلو به پهلو هم سپری شدند، در یکدیگر تأثیرهای عمیق و مطلوبی داشتند.

شیرین‌ترین بازی زندگی

«اول اردیبهشت ۱۳۱۵ در مشهد متولد شدم. در خانواده‌ی شلوغ ما، هیچ فرد باسواد و تحصیل‌کرده‌ای وجود نداشت. مادر تنها کسی بود که سواد خواندن داشت و به بچه‌های خردسال قرآن درس می‌داد.





بین شیراز و بوشهر به خاک سپرده شده است.

بین شیراز و بوشهر به خاک سپرده شده است.

چشم‌پزشک بشوم. دلیل این آرزو، مطب چشم‌پزشکی موجود در مسیر طولانی دبیرستان تا خانه‌مان بود. آن موقع، بیماری تراخم رایج بود و مردم برای درمان، پشت در چشم‌پزشکی صف‌های طولانی می‌بستند. اما ... روزگار می‌خواست که من به جای طبابت جسم، طیب مغز و ذهن کودکان و

بین شیراز و بوشهر به خاک سپرده شده است.

به احترام معلم

در مراسم بزرگداشت دکتر علی رؤوف، به احترام وی و مقام معلمی، افراد نام‌آشنای فراوانی حضور داشتند؛ از جمله: دکتر هادی حری، دکتر اقبال قاسمی پویا، اسفندیار معتمدی، نوش‌آفرین انصاری، توران میرهادی، حسن سالاری و آقای مافی.

سخن‌رانی‌ها

زهرافرمانی، سردبیر نشریه‌ی «عروسک سخن‌گو»، از معلمی سخن گفت و این که چرا یکی از آرزوهای کودکان گذشته، معلم شدن بود، اما کودکان امروزی کمتر علاقه دارند که معلم شوند؟

توران میرهادی، نویسنده و پژوهشگر معاصر و مدیر فرهنگنامه‌ی کودک و نوجوان، گفت: «دانش‌آموز بودن نوعی نعمت است. من هر صبح و شام خدا را شکر می‌کنم که هنوز دانش‌آموزم. لحظه به لحظه یاد می‌گیرم، تجربه می‌کنم و باز یاد می‌گیرم.»

هنگامه بازرگانی، زندگی‌نامه‌ی دکتر رؤوف را برای حضاران روایت کرد.

طرح درس معلم بودن

«اشک من را درآورید. با سلام به همه؛ سلام به همه‌ی معلمان عالم.» این عبارات، جمله‌های اول دکتر رؤوف بودند. او صحبت‌های خود را با عنوان «طرح درس معلم بودن» ادامه داد و گفت: «در حضور شما سوگند یاد می‌کنم که تاکنون طی ۵۵ سال معلمی، هیچ‌گاه بدون طرح درس به کلاس نرفته‌ام. وقتی به دانش‌سرای مقدماتی رفتم، هنوز از طرح درس خبری نبود.»

رؤوف که انسانی است عاطفی و دارای روحیه‌ی شاعرانه، به دنیای کودکی و نوجوانی‌اش رفت: «در نوجوانی می‌خواستم

فراموش نکنید!

مرتضی مجدفر، سردبیر رشد آموزش ابتدایی نیز چند دقیقه‌ای پشت تریبون رفت تا یکی از کاستی‌های مراسم را یادآوری کند. او گفت: «این همه از دکتر رؤوف حرف زدید، اما یک نفر را فراموش کردید. به طور حتم، همسر ایشان هم در موفقیت‌های وی نقش مؤثری داشته و به جاست که مورد احترام و تکریم قرار گیرد.»

این یادآوری، به مذاق حضاران بسیار خوش آمد و حسابی همسر دکتر رؤوف را مورد لطف قرار دادند.



چند نکته

- دکتر رؤوف سه فرزند دارد که هر سه تحصیلات موفق داشته‌اند.

- در بهمن ۸۲، جایزه‌ی ترویج علم را از انجمن ترویج علم ایران گرفته است.

- تاکنون بیش از ۵۰ عنوان کتاب از وی به چاپ رسیده است. آخرین تألیفات دکتر رؤوف عبارت‌اند از: جلوه‌گری‌های شعر در آموزش کودکان و نوجوانان، مدیریت پژوهش در مدرسه، راهنمای نقد کتاب کودک و نوجوان، چگونه مدرسه را اداره کنیم؟ و شکل‌پذیری شخصیت کودکان.

نوجوانان باشم تا تراخم‌های زندگی کمتر بروز کنند

معلمان طیب مغز و روان فرزندان ما هستند. وقتی معلم شدم، از همان اوان فهمیدم که این حرفه، مادر حرفه‌های دیگر است. آن‌جا فهمیدم که اگر می‌خواستم چشم‌پزشک شوم هم باید در دامان معلم به این حرفه می‌رسیدم.

دکتر رؤوف سخنان خود را با خواندن متن ادبی من ستاره پردازم به پایان برد. فقط یک جمله از آن متن:

ستارگان چشمک‌زن من در آسمان مدرسه چشمک می‌زنند.

در این دوره از انتشار مجله، در صدیدیم برای اطلاع شما، در هر شماره، توصیه‌ها، خبرها و نکته‌هایی را از گروه‌های برنامه‌ریزی درسی دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتاب‌های درسی دوره‌ی ابتدایی سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی منتشر کنیم. در این شماره، خانم **مینا نواب صفوی**، کارشناس مسئول گروه برنامه‌ریزی درسی هنر دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتاب‌های درسی عمومی و نظری، درباره‌ی برنامه‌ی درسی هنر، اطلاعاتی در اختیارمان گذاشته‌اند.

۱۲

نکته از گروه برنامه‌ریزی درسی هنر

۱. یکی از وظایف اصلی نظام آموزشی این است که به تربیت هنری کودکان همت گمارد؛ یعنی از طریق ایجاد فرصت‌هایی برای کسب تجربه‌های زیباشناختی، درصدد رشد دادن و شکوفا کردن قابلیت‌ها و حساسیت‌های فطری دانش‌آموزان باشد و به آن‌ها یاد بدهد که چگونه ببینند، بشنوند، ارتباط برقرار سازند و در جهت رشد و کمال حرکت کنند. وجهی از عدالت آموزشی در دوره‌ی آموزش عمومی این است که علاوه بر رشد سیستم‌های کلامی و زبانی، قسمت‌های دیگر سیستم عصبی کودکان که در بردارنده‌ی مهارت‌های ظریف و ویژه‌ی فطری و مؤید قابلیت‌های هوشی آن‌هاست، مورد توجه جدی قرار گیرد. انجام فعالیت‌های هنری، موجبات دست‌یابی به گونه‌ای از دانش، بصیرت (نگرش وسیع و عمیق)، ارزش‌ها و معانی را فراهم می‌آورند که درون نگری، و تعالی روحی، احساسی و ذوقی دانش‌آموزان را در بر دارد.

۲. برای ایجاد این فرصت‌ها، برنامه‌ی درسی هنر دوره‌ی ابتدایی، پس از دو سال مطالعات پیش نیاز، در سال ۱۳۸۰ طراحی و تدوین، در سال ۱۳۸۱ اعتباربخشی نظری و در سال ۱۳۸۲ پس از کاربست نتایج اعتباربخشی، برای اجرای آزمایشی در نمونه‌ی محدود آماده شد.

۳. کتاب راهنمای درس هنر برای معلمان پایه‌های اول، دوم و سوم ابتدایی، با کد ۵۳/۴ در سال ۱۳۸۵ چاپ و در اختیار معلمان قرار گرفته است. این کتاب در بخش توزیع کتاب استان‌ها و در کتاب‌فروشی‌های انتشارات مدرسه (تلفن ۸۸۲۳۱۴۹) و ۸۸۲۰۰۲۷ موجود و قیمت آن ۵۴۰۰ ریال است. تهیه‌ی این کتاب از طریق اداره‌ی کل چاپ و توزیع کتاب‌های درسی (تلفن ۸۲۷۷۷۸) نیز امکان‌پذیر است. ادامه‌ی کتاب راهنمای درس هنر برای معلمان پایه‌های چهارم و پنجم آماده شده است و در اختیار

آنان قرار می‌گیرد.

۴. کتاب معلم شامل سه بخش است: بخش اول، کلیات برنامه‌ی درسی؛ بخش دوم، محتوای آموزش و فعالیت‌های یادگیری دانش‌آموزان؛ و بخش سوم، راهنمای آموزش و ارزش‌یابی فعالیت‌های هنری در کلاس درس.

۵. رویکرد برنامه‌ی درسی هنر تربیت هنری است. مراد از تربیت هنری، رشد آگاهی و حساسیت نسبت به ویژگی‌های هنرمندانه و زیبایی‌شناسانه‌ی اشیا و پدیده‌هاست. به بیان دیگر، تربیت هنری، پرورش توانایی برقراری تعامل و تجربه کردن ویژگی‌های زیباشناختی است. تربیت هنری در ایجاد شخصیتی سالم و متعادل، تأثیر زیادی دارد. به‌ویژه در فعالیت‌های گروهی، فرصت‌های فراوانی برای تعامل، درک متقابل و یادگیری‌های اجتماعی فراهم می‌آورد. رویکرد تربیت هنری در پنج محور اصلی تبیین می‌شود: این محورها که در حقیقت ابعاد متفاوت موضوع هستند، عبارت‌اند از: زیبایی‌شناسی، ارتباط با طبیعت، آشنایی با تاریخ هنر ایران، تولید هنری و نقد هنری.

۶. درس هنر کتاب دانش آموز ندارد. برای دانش‌آموزان پوشه‌ی کاری در نظر گرفته شده است که فهرست فعالیت‌های هنری خود را در آن تنظیم و تکمیل می‌کنند، هم‌چنین برای هر محصول یا اثر هنری، شناسنامه‌ی شامل شماره، نام و نام خانوادگی، مدرسه، عنوان و تاریخ، تنظیم و آن را در پوشه‌ی کار خود نگه‌داری می‌کنند.

۷. نوارهای با هم خوانیم ۱ و ۲، با شعرهای کتاب فارسی پایه‌های اول و دوم، برای معلمان و دانش‌آموزان تولید شده است. بهای هر قطعه نوار کاست با هم بخوانیم ۵۰۰۰ ریال تعیین شده و از طریق اداره کل چاپ و توزیع کتاب‌های درسی قابل تهیه است.

۸. این برنامه از پایه‌ی اول، به صورت پلکانی و هر پایه دو سال متوالی (دو مرحله) به اجرای آزمایشی رسیده و در هر مرحله اصلاح و تکمیل شده است. مرحله‌ی اول آن در نمونه‌ی محدود در مناطق گوناگون شهر تهران و شهرستان‌های استان تهران و مرحله‌ی دوم در نمونه‌ی وسیع شامل دبستان‌های شهری، روستایی، دخترانه، پسرانه و چند پایه، در استان‌های آذربایجان شرقی، فارس، قزوین، کردستان و یزد انجام شده است. اجرای آزمایشی پایه‌ی پنجم، در سال تحصیلی ۸۷ - ۱۳۸۶ به پایان رسیده است. اجرای آزمایشی در هر مرحله ارزش‌یابی شده و نتایج آن برای اصلاح، تکمیل و ارتقای کیفی منابع



کودکان و آن چه می آموزند...

به کوشش: مهشید باستانی پورمقدم

کودکان و آن چه می آموزند

- اگر کودکان با سرزنش زندگی کنند، می آموزند که خرده گیر باشند.
- اگر با دشمنی زندگی کنند، می آموزند که بجنگند.
- اگر با ترس زندگی کنند، می آموزند که ترسو باشند.
- اگر با حسرت زندگی کنند، می آموزند که همیشه برای خود متأسف باشند.
- اگر با تمسخر زندگی کنند، می آموزند که به دیگران نیش و کنایه بزنند.
- اگر با شکیبایی زندگی کنند، می آموزند که شکیبیا باشند.
- اگر با تشویق زندگی کنند، می آموزند که اعتماد به نفس داشته باشند.
- اگر با تحسین زندگی کنند، می آموزند که قدردان باشند.
- اگر با تأیید زندگی کنند، می آموزند که خود را دوست بدارند.
- اگر دیگران آن ها را ببیزبند، می آموزند که عاشقی کنند.
- اگر دیگران آن ها را با خود شریک کنند، می آموزند که بخشنده باشند.
- اگر با صداقت و عدالت زندگی کنند، می آموزند که عادل و صادق باشند.
- اگر با امنیت زندگی کنند، می آموزند که به دیگران ایمان داشته باشند.
- اگر با دوستی زندگی کنند، می آموزند که جهان برای زندگی کردن جای خوبی است.
- اگر در صلح زندگی کنند، می آموزند که امنیت خاطر داشته باشند.

فرزندان شما چگونه زندگی می کنند؟

آموزشی استفاده شده است. ارزش یابی مرحله ی اول درونی بوده و توسط برنامه ریزان درسی انجام گرفته است. ارزش یابی مرحله ی دوم بیرونی بوده و توسط افرادی خارج از شورای برنامه ریزی اجرا شده است. در همه ی ارزش یابی های اجرایی آزمایشی درس هنر، چند نکته مشترک است: دانش آموزان فعالیت های هنری را خیلی دوست دارند؛ اجرای برنامه به فضا و امکانات ویژه (ابزار و مواد خاص) نیاز ندارد؛ همه ی دانش آموزان در زنگ هنر فعال و خلاق هستند؛ بیشتر دانش آموزان در همه ی رشته های هنری برنامه موفق بوده و پیشرفت کرده اند. همچنین، فعالیت های هنری، بهداشت روانی دانش آموزان و معلمان را ارتقا می دهد، بر اعتماد به نفس دانش آموز می افزاید، دانش آموزان را به توانمندی هایشان واقف می کند، دانش آموزان را به تفکر و انتخاب منطقی عادت می دهد، دانش آموزان را در خوش سلیقه شدن و زیبا پسندی کمک می کند، رشد اجتماعی، مشارکت پذیری، مسئولیت پذیری، انتقاد پذیری، صبوری و پشتکار را در آن ها تقویت می کند، به نظم پذیری و خوش اخلاقی آن ها کمک می کند و...

اما رسیدن به همه ی این موارد، به نگرش معلم به درس هنر و تعهد او در اجرای این برنامه (مطابق کتاب معلم بستگی دارد.

۹. دوره های آموزش ضمن خدمت برای مدرسان کشوری از تابستان ۱۳۸۴ تاکنون، هر ساله اجرا و برای هر منطقه ی آموزشی، حداقل یک مدرس تأمین شده است. دوره های آموزش هنر برای معلمان نیز از سال ۱۳۸۴ آغاز و هر ساله در سطح استان ها اجرا شده است. دوره های آموزش معلمان نیز برای درس هنر پایه ی پنجم، تابستان امسال برای آخرین مرتبه در ۲۴ استان اجرا شد. این دوره ها برای افرادی که تاکنون موفق به شرکت در این دوره ها نشده بودند، فرصتی مغتنم بود.

۱۰. در تابستان ۱۳۸۸، برای مدرسان مراکز تربیت معلم، دوره ی آموزشی برگزار شده است. توصیه می شود واحدهای درسی کارگاه هنر و روش تدریس هنر در رشته ی آموزش ابتدایی را به تدریس این کتاب برای دانشجویان اختصاص دهند. کتاب راهنمای هنر را در اختیار دانشجویان قرار دهند و بر مبانی نظری، ارتباط با طبیعت، شناخت میراث فرهنگی و هنری ایران، به ویژه بازدید از موزه ها و اماکن تاریخی، تأکید کنند.

۱۱. مدیران دبستان ها موظف اند ترتیبی اتخاذ کنند که یک جلد کتاب راهنمای هنر و دو قطعه نوار با هم بخوانیم ۱ و ۲ برای تدریس در اختیار آموزگاران قرار گیرد. تهیه ی این نوارها که بین دو درس فارسی و هنر مشترک هستند، برای دانش آموزان نیز مفید است.

۱۲. گروه درسی هنر با تلفن های ۹-۸۸۸۳۱۱۶۱-۰۲۱ و داخلی ۳۱۷ و نشانی الکترونیکی http://art_dept.talif.sch.ir آماده ی پاسخ گویی به پرسش های همکاران گرمی است.

با هم راهان

اشاره

«با هم راهان» بخشی است که از مهرماه ۱۳۸۴ و برای ارتباط با مخاطبان رشد آموزش ابتدایی گشایش یافته است. در این بخش، از نامه‌ها، نوشته‌ها، و آثار ارسالی خوانندگان به دفتر مجله سخن می‌گوییم و مواردی را عنوان می‌کنیم که طرح آن‌ها با شما ضروری است. امسال هم این بخش را در هر شماره‌ی مجله خواهیم داشت. شما هم می‌توانید پیام‌ها، نوشته‌ها، درخواست‌ها، تجربه‌ها و سخنان خود را از راه‌های پنج‌گانه‌ی ارتباطی (ارسال نامه از طریق صندوق پستی، تماس تلفنی، ارسال نمابر، ارسال رایانه از طریق پست الکترونیکی و گذاشتن پیام در تلفن پیامگیر) با ما در میان بگذارید. راه‌های ارتباط با مجله، به طور کامل در شناس‌نامه‌ی رشد آموزش ابتدایی ذکر شده است.

«با هم راهان» این شماره به دلیل فاصله‌ی بین اردیبهشت و مهر ۸۹، قدری پروپیمان شده است و مجبور شده‌ایم ارتباطات فصل تابستان را هم در این شماره منعکس کنیم.

پاسخ به نامه‌ها و نوشته‌های برخی از مخاطبان محترم

□ **طاهره معدنی، آموزگار دبستان امام سجاد(ع)، چهار دانگه:** تجربه‌ی شما با عنوان «ایران در کلاس ما»، از نظر اعضای شورا، به جهت این‌که متضمن تحمیل هزینه‌های فراوان به خانواده‌هاست و صرفاً موجب تقویت حافظه‌ی دانش‌آموزان می‌شود، مناسب چاپ تشخیص داده نشد. از عکس‌های ارسالی شما استفاده خواهد شد.

□ **طاهره چهاردولی، آموزگار دبستان پسرانه‌ی سما، ناحیه‌ی یک همدان:** نامه‌ی ارسالی شما را که حاوی نظرات تحلیلی درباره‌ی ارزش‌یابی توصیفی بود، به خدمت مدیر کل محترم دفتر آموزش و پرورش ابتدایی، ارسال کردیم.

□ **مجتبی آوریده، آموزگار پایه‌ی سوم، امل:** دو مقاله و یک شعر از شما دریافت کردیم. در مقاله‌های ارسالی خود، موضوع جایگاه **حضرت محمد(ص)** و محیط‌زیست را در کتاب‌های درسی دوره‌ی ابتدایی مرور کرده‌اید. ولی به غیر از نتیجه‌گیری دو سه خطی در پایان مقاله‌ها، بقیه‌ی بخش‌های هر دو مقاله، به نوعی تورق کتاب‌های درسی و توضیح مطالبی است که درباره‌ی دو موضوع یاد شده به چاپ رسیده است. البته اینکه نگاهی جامع و عمودی - افقی به تمام کتاب‌های درسی دوره‌ی ابتدایی داشته باشیم و از زیر و

بم مباحثی که در دروس گوناگون آمده است، خبردار شویم، فی‌نفسه کار خوبی است، ولی تا تبدیل شدن به مقاله‌ای اثربخش، کارهای دیگری نیز باید صورت پذیرد. شعر ارسالی شما را هم با توجه به دانش‌آموزی بودن محتوای آن، در اختیار مجلات دانش‌آموزان رشد قرار دادیم. موفق باشید.

□ **طاهره طالبی، از دبستان دانش، سرایان خراسان جنوبی:** دو مطلب از شما دریافت کردیم: اولی آموزش ضرب با استفاده از کارت‌های بازی بود که بارها به شکل‌های گوناگون در مجله چاپ شده است. دومی که مطلبی در مورد اهمیت زنگ تفریح بود، مناسب مجله‌ی رشد مدیریت مدرسه است و می‌تواند با پرداختی بیشتر، به ویژه در آخر مطلب که خیلی با سرعت کار شده است، به چاپ برسد. پیشنهاد می‌کنیم نگاه خوبتان در نوشته‌ی دوم را کامل‌تر کنید و دوباره و این بار آن را به نشانی رشد مدیریت مدرسه، ارسال فرمایید.

□ **روح‌الله مصلی‌نژاد، آموزگار دبستان استثنایی توحید، جهرم:** مقاله‌ی خوبی را از شما درباره‌ی کاربردهای تلفن همراه در کلاس درس دریافت کردیم. این مقاله، به دلیل این‌که اکثر دانش‌آموزان فاقد تلفن همراه هستند، قابل درج در مجله شناخته نشد. نظر اعضای شورای مجله بر این بود که روش‌های پیشنهادی شما بیشتر مناسب آموزش‌های



مقالات و نوشته‌های دوستانی را که نام آن‌ها در پی می‌آید، دریافت کردیم. متأسفانه به دلیل حجم بالای آثار دریافتی از همکاران و صفحات محدود مجله، چاپ این آثار میسر نخواهد شد. با پوزش از این همکاران گرامی، منتظر آثار دیگر آن‌ها هستیم:

افسانه کرانی (دانشجوی کارشناسی ارشد برنامه‌ریزی درسی، منطقه‌ی نازلو آذربایجان غربی): **ناهد کسای کویایی** (مدیر دبستان فرهنگیان ۲، ناحیه‌ی ۲ اصفهان); **یوسف محمدی مهر** (مدیر آموزگار مدرسه‌ی مالک اشتر، کیا کلا قائم‌شهر); **رحمان شمگانی مشهدی** (آموزش و پرورش چادکات، استان اصفهان); **مینا معین پور** (مدیر دبستان تربیت سوادکوه، زیرآب مازندران); **فاطمه عرفانی** (آموزگار دبستان شهید معصومی، منطقه‌ی ۱ تهران); **فاطمه ثقه‌الاسلامی** (آموزگار دبستان شاهد پسران، بیرجند); **م.ج. بهروزیان** (مدرس مراکز تربیت معلم اصفهان); **سیده لیلا مصلحی** (مدیر دبستان شهید سلحشور، تنکابن); **سلوی برهمت** (آموزگار دبستان امام رضا(ع)، مشهد); **هرمز علی‌زاده** (آموزگار

دبستان شهید شیروودی، آبدانان); **راضیه صالح جمشیدی** (آموزگار روستای هلسرا شهید گنجی، املش گیلان); **طاهر محمد خوئی** (آموزگار دبستان ولی عصر، ناحیه‌ی ۵ مشهد); **فاطمه عابدینی** (دبیر مدرسه راهنمایی بنت‌الهدی صدر، منطقه‌ی ۵ تهران); **لیلا فلاح باقری نژاد** (آموزگار شهرستان لاهیجان); **محمد رضا حسین زاده** (کارشناس ارشد مشاوره، مدرس تربیت معلم دانشگاه قوچان); **سهیلا رحیمی** (آموزگار پایه‌ی اول، بوانات فارس); **ام البنین عبدالله تبار** (آموزگار پایه‌ی اول، بابلسر); **اکبر احمدیان باغبادرانی** (مدیر دبستان عدل، ناحیه‌ی ۳ اصفهان); **فرحناز بصیر** (آموزگار دبستان فردوس خراسان جنوبی); **رویاء احمدی خوشکار** (مدیر دبستان سیمای بهاران، ناحیه ۲ همدان); **غلامرضا الیاسی** (آموزگار کلاس چهارم دبستان شاهد، بروجرد); **شهناز خندان** (آموزگار دبستان صابران ۱، شهریار); **خیرالله میرزاپور** (کارشناس مدیریت آموزشی از دبستان شهید رجایی، شوط آذربایجان غربی); **رقیه نادریان** (آموزگار ناحیه‌ی ۲ تبریز); **نرگس قندی**، **اعظم جعفری**، **فاطمه بختیاری**، **هاجر فتحي مطلق** (آموزگران دبستان حجاب، منطقه‌ی ۱۲ تهران); **زینب صوفیان** (آموزگار دبستان قدس، چناران خراسان رضوی)

انفرادی است و در کلاس‌های امروزی کاربردی ندارد. منتظر مقالات دیگر شما هستیم.

□ **شهربانو صبوری ارطه، مدیر مدرسه‌ی شهید تورانی، ساری:** نوشته‌ی شما با عنوان «فدات بشم الهی»، به دلیل اینکه فاقد نکته‌ی آموزشی خاص برای آموزگاران بود و صرفاً نوعی فعالیت رفتارگرای محض را ترویج می‌کرد، مناسب چاپ تشخیص داده نشد. منتظر مطالب دیگر شما هستیم

□ **پروین اندیش، آموزگار پایه‌ی چهارم، داراب فارس:** مقالات و نوشته‌های گوناگون و غالباً مفصل شما را دریافت کردیم. برخی از آثار ارسالی شما، اساساً در حوزه‌ی کاری رشد ابتدایی نبودند، از این رو به دیگر مجلات رشد سپرده شدند. بعضی از آثار هم، چنان که گفتیم، حجم مفصلی دارند و حتی با وجود آن که احتمالاً خودتان هم با در نظر داشتن این مسئله، خلاصه‌ی برخی از آن‌ها را ضمیمه کرده‌اید، باز در صورت چاپ، حجمی بین شش تا هشت صفحه‌ی مجله در یک شماره را اشغال خواهند کرد. در هر صورت، برخی از نوشته‌هایتان را به داوری سپرده‌ایم که در صورت تأیید به چاپ خواهند رسید. نوشته‌هایی با حجم بلند، به طور قطع در هنگام داوری و چاپ، با چالش روبه‌رو خواهند بود. از این رو، از شما و همه‌ی خوانندگان مجله می‌خواهیم مطالب خودشان را در حجم‌های محدود بنویسند.

سپاس‌گزاریم

□ **از طاهره چهاردولی، آموزگار بازنشسته‌ی دبستان پسرانه‌ی سما، واحد همدان:** به دلیل بازتاب خوبی که در قالب یک مقاله‌ی خواندنی، به سرمقاله‌ی شماره‌ی پنج سال قبل (بهمن ۸۸) با عنوان «تغییر با بهره‌گیری از روش‌های تدریس» داده‌اند.

□ **از علیرضا توحیدی، آموزگار دبستان - آران و بیدگل کاشان:** به دلیل نقد منصفانه‌ای که در مورد برخی مقالات رشد آموزش ابتدایی و نیز برخی کتاب‌های تألیف شده توسط سردبیر مجله نوشته‌اند.

□ **از معصومه حاجی‌زاده، آموزگار دبستان الغدير، جزیره کیش:** برای خاطرات زیبا و متنوع و توضیحاتی که در مورد روش ارزش‌یابی توصیفی ارسال کرده‌اند.

□ **از عباس خسروآبادی، مدرس مرکز تربیت معلم شهید مفتح شهرری:** برای ارسال نکاتی درباره‌ی چگونگی تنظیم برنامه‌ی هفتگی در مدرسه‌های ابتدایی.

□ **از ربابه حجتی نجف‌آبادی، آموزگار دبستان از فلاورجان اصفهان:** برای ارسال دفترچه‌های داستان که توسط دانش‌آموزان کلاس‌های ایشان و با راهنمایی‌های وی تهیه می‌شود.

برگزیدگان مسابقه ی تلنگری برای تفکر

مربوط به
دوره ی سال تحصیلی
۱۳۸۸-۸۹

حتماً خوانندگان گرامی مجله به یاد دارند که در سال تحصیلی ۸۹-۸۸ (دوره ی سیزدهم مجله ی رشد آموزش ابتدایی)، مسابقه های طراحی کردیم که «تلنگری برای تفکر» نام گرفت و در هر هشت شماره مجله، در صفحه ی دوم جلد، به چاپ رسید. در این مسابقه ها که جایگزین مسابقه ی قبلی مجله یعنی «تصویر و تفسیر» شده بود، شرکت کنندگان باید به پرسش هایی پاسخ می دادند که از محتوای پرونده های هر شماره (صفحه های ۱۷ تا ۳۳ تجربه های سبز) طرح می شد. انتظار داشتیم به دلیل تشریحی بودن پاسخ ها، تعداد شرکت کنندگان نسبت به سال های قبل کاهش یابد، ولی اصلاً چنین نبود و تعداد آثار رسیده و پاسخ های همکاران به مسابقه های هشت گانه ی سال گذشته، چنان فراوان بود که در موعد مقرر و پس از پایان دوره ی انتشار مجله در اردیبهشت ۸۹ نتوانستیم اسامی برگزیدگان را اعلام کنیم و این امر را در همین شماره انجام می دهیم. اسامی برگزیدگان هشت مسابقه را به تفکیک و شرح مندرج در همین صفحه ملاحظه می کنید که پس از داوری کلیه ی آثار دریافتی، برگزیده شده اند. برای این افراد، هدیه های ناقابل و تقدیرنامه ای به امضای مدیرمسئول مجلات رشد (مدیر کل دفتر انتشارات کمک آموزشی) در نظر گرفته شده است که حداکثر تا پایان مهرماه ۸۹، به نشانی های اعلام شده از سوی آنان ارسال خواهد شد. اگر برگزیدگان تا آن تاریخ، جایزه و تقدیرنامه ی خود را دریافت نکردند، به دفتر مجله اطلاع دهند.

هم چنین، در پاسخ به درخواست برخی از خوانندگان مجله مبنی بر چاپ پاسخ های برگزیده، باید به اطلاع برسانیم، هر یک از پاسخ های خوانندگان، نوعی نگاه ویژه درباره ی هر پرسش است و ممکن است مورد قبول همه ی خوانندگان مجله قرار نگیرد. درست از همین روست که کار داوری آثار رسیده نیز نوعی ارزش یابی نسبی و مبتنی بر هم آرائی داوران با دیدگاه های ذکر شده در پاسخ هاست. حتی ممکن است با تعویض داوران، برگزیدگان نیز تغییر یابند. به اعتقاد ما، نفس شرکت مخاطبان مجله در مسابقه و به اشتراک گذاشتن دیدگاه های آن ها، مهم تر از برگزیده شدن تعدادی از خوانندگان است و از این بابت، از همه ی شرکت کنندگان سپاسگزاری می کنم.

البته آقای **رهبری نژاد**، عضو شورای برنامه ریزی مجله و رئیس گروه داوران ارزیابی کننده ی آثار قول داده اند، تحلیل هایی را از پاسخ های همکاران استخراج کنند و برای چاپ در اختیار دفتر مجله قرار دهند که در صورت تحقق این امر، آن نوشته ها را در مجله خواهید خواند.

مسابقه ی ۱، مهر ۱۳۸۸

۱. طاهره چهاردولی، همدان
۲. فاطمه احمدی، ورامین
۳. حسنتلی عباسعلی زاده، شوط
۴. زهرا مقدوری، بروجرد
۵. اعظم عطایی، سنقر

مسابقه ی ۲، آبان ۱۳۸۸

۱. فرشته مطاعی، کرمانشاه
۲. عصمت ابراهیمی، کرمان
۳. کاظم شیردل، کاشمر
۴. محمد کریم سیحانی، بوشهر
۵. محمدحسین رشیدی، اصفهان

مسابقه ی ۳، آذر ۱۳۸۸

۱. عصمت یآوری، فلاورجان
۲. علیرضا سودمند، کردستان
۳. خدیجه تیموری، شاهرود
۴. اسماعیل قهرمانی، اهر
۵. مهرنوش فلاح، تهران

مسابقه ی ۴، دی ۱۳۸۸

۱. شهین سلیمی، سنندج
۲. معصومه شعبانی، قائم شهر
۳. جعفر اعظمی، نور
۴. حسن سلمانی، آباده
۵. سمیه صادقی، رباط کریم

مسابقه ی ۵، بهمن ۱۳۸۸

۱. ابوالقاسم محمد خلیلی پور، خواف
۲. محبوبه آبدرشکر، تبادکان
۳. سکینه شرفی زاده، دزفول
۴. سیداکبر محمدی، اصفهان
۵. مختار فلاح، کلیبر

مسابقه ی ۶، اسفند ۱۳۸۸

۱. شهین صادقی، آبادان
۲. مرضیه زینل زاده، لارستان فارس
۳. رضا بهمن آبادی، تهران
۴. فاطمه خلیلی، خمینی شهر
۵. فاطمه اسفندیاری، بابلسر

مسابقه ی ۷، فروردین ۱۳۸۹

۱. فرخنده خسروی، زاهدان
۲. اختر شیخ زاده، بوشهر
۳. سیده مهیندخت قریشی، زنجان
۴. عیسی روشن، گلستان
۵. زهره زینلی، تهران

مسابقه ی ۸، اردیبهشت ۱۳۸۹

۱. ام کلثوم شریعتی، گلپهار (مشهد)
۲. فاطمه کشاورزی دهنوی، قم
۳. نرجس قاسمی، قائم شهر
۴. مهتری کاظمی، سمیرم
۵. نسرین صیادی، تهران